

گلچین احادیث معصومین (علیهم السلام)

<"xml encoding="UTF-8?">



پیامبر مکرم اسلام (صلی الله علیه وآله)

1 - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) : «لَا تُصَيِّعُوا صَلَاتَكُمْ، فَإِنَّ مَنْ صَيَّعَ صَلَاتَهُ، حُشِرَ مَعَ قَارُونَ وَ هَامَانَ، وَ كَانَ حَقًّا عَلَيَّ اللَّهُ أَنْ يُدْخِلَهُ النَّارَ مَعَ الْمُنَافِقِينَ». (1)

پیامبر مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمود: نماز را سبک و ناچیز مشمارید، هر کس نسبت به نمازش بی اعتنا باشد و آنرا سبک و ضایع گرداند همنشین قارون و هامان خواهد گشت و حق خداوند است که او را همراه منافقین در آتش داخل نماید.

2 - قَالَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): «مَنْ مَشَى إِلَى مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ اللَّهِ، فَلَهُ بِكُلِّ خُطْوَةٍ خَطَاها حَتَّى يَرْجِعَ إِلَى مَنْزِلِهِ، عَشْرُ حَسَنَاتٍ، وَ مَحَى عَنْهُ عَشْرُ سَيِّئَاتٍ، وَ رَفَعَ لَهُ عَشْرُ دَرَجَاتٍ». (2)

فرمود: هر کس قدمی به سوی یکی از مساجد خداوند بردارد، برای هر قدم ثواب ده حسنه می باشد تا برگردد به منزل خود، و ده خطا از لغزش هایش پاک می شود، همچنین در پیشگاه خداوند ده درجه ترفیع می یابد.

3 - «بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) جَا لِسَ فِي الْمَسْجِدِ، إِذْ دَخَلَ رَجُلٌ فَقَامَ يُصَلِّي، فَلَمْ يَتِمَّ رُكُوعَهُ وَ لَا سُجُودَهُ، فَقَالَ: نَقَرَ كَنْفَرِ الْغُرَابِ، لَئِنْ مَاتَ هَذَا وَ هَكَذَا صَلَوَتُهُ لَيَمُوتَنَّ عَلَى غَيْرِ دِينِي». (3)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در مسجد نشسته بود که شخصی وارد شد و مشغول خواندن نماز شد و رکوع و سجودش را کامل انجام نمی داد و عجله و شتاب می کرد. حضرت فرمود: کار این شخص همانند کلاغی است که منقار بر زمین می زند، اگر با این حالت از دنیا برود بر دین من نمرده است.

4 - قَالَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) لِعَلِيِّ (عَلَيْهِ السَّلَام): «أَنَا رَسُولُ اللَّهِ الْمُبَلَّغُ عَنْهُ، وَ أَنْتَ وَجْهُ اللَّهِ وَ الْمُؤْتَمَرُ بِهِ، فَلَا نَظِيرَ لِي إِلَّا أَنْتَ، وَ لَا مِثْلَ لَكَ إِلَّا أَنَا». (4)

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به امام علی (علیه السلام) فرمود: من رسول خدا هستم، که از طرف او تبلیغ و هدایت می نمایم؛ و تو وجه الله می باشی، که امام و مقتدای (بندگان خدا) خواهی بود، پس نظیری برای من وجود ندارد مگر تو؛ و همانند تو نیست مگر من.

5 - قَالَ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ): «يَا أَبَا ذَرٍّ، أَلَدُّنِيَا سِجْنُ الْمُؤْمِنِ وَ جَنَّةُ الْكَافِرِ، وَ مَا أَصْبَحَ فِيهَا مُؤْمِنٌ إِلَّا وَ هُوَ حَزِينٌ،

وَكَيْفَ لَا يَحْزَنُ الْمُؤْمِنُ وَ قَدْ أَوَعَدَهُ اللَّهُ أَنَّهُ وَارِدٌ جَهَنَّمَ». (5)

فرمود: ای ابوذر، دنیا زندان مؤمن و بهشت کافران است، مؤمن همیشه محزون و غمگین می باشد، چرا چنین نباشد و حال آن که خداوند به او - در مقابل گناهان و خطاهایش - وعده مجازات و دخول جهنم را داده است.

6 - وَ قَالَ (صلى الله عليه وآله): «يَا عَلِيّ! افْتَحْ طَعَامَكَ بِالْمِلْحِ، فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءً مِنْ سَبْعِينَ دَاءً، مِنْهَا: الْجُنُونُ وَ

الْجُذَامُ وَ الْبَرَصُ وَ وَجَعُ الْخَلْقِ وَ الْأَضْرَاسِ وَ وَجَعُ الْبَطْنِ». (6)

رسول خدا (صلى الله عليه وآله) به امام علی (علیه السلام) فرمود: غذای خود را با (تناول نمودن کمی) نمک شوع نما، همانا که در آن درمان و شفاء هفتاد نوع بلا و آفت خواهد بود، که دیوانگی، پیسی، جذام، درد و ناراحتی های حلق، دندان ها؛ و شکم و معده از آنها می باشد.

7 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «شَرُّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا، وَ شَرٌّ مِنْ ذَلِكَ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ». (7)

فرمود: بدترین افراد کسی است که آخرت خود را به دنیایش بفروشد و بدتر از او آن کسی خواهد بود که آخرت خود را برای دنیای دیگری بفروشد.

8 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «ثَلَاثَةٌ أَخَافُهُنَّ عَلَى أُمَّتِي: الضَّلَالَةُ بَعْدَ الْمَعْرِفَةِ، وَ مُضِلَّاتُ الْفِتَنِ، وَ شَهْوَةُ الْبَطْنِ وَ

الْفَرْجِ». (8)

فرمود: در سه چیز برای امت خود احساس خطر می کنم: گمراهی، بعد از آن که هدایت و معرفت پیدا کرده

باشند. گمراهی ها و لغزش های به وجود آمده از فتنه ها. مشتهیات شکم، و آرزوهای نفسانی و شهوت پرستی.

9 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «ثَلَاثَةٌ مِنَ الذُّنُوبِ تُعَجِّلُ عُقُوبَتَهَا وَ لَا تُؤَخَّرُ إِلَى الْآخِرَةِ: عُقُوقُ الْوَالِدَيْنِ، وَ الْبَغْيُ عَلَى

النَّاسِ، وَ كُفْرُ الْأَخْسَانِ». (9)

فرمود: عقاب و مجازات سه دسته از گناهان زودرس می باشد و به قیامت کشانده نمی شود: ایجاد ناراحتی برای پدر و مادر، ظلم در حق مردم، ناسپاسی در مقابل کارهای نیک دیگران.

10 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «إِنَّ أَعْجَزَ النَّاسِ مَنْ عَجَزَ الدُّعَاءِ، وَ إِنَّ أَبْخَلَ النَّاسِ مَنْ بَخَلَ بِالسَّلَامِ». (10)

فرمود: عاجز و ناتوان ترین افراد کسی است که از دعا و مناجات با خداوند ناتوان و محروم باشد، و بخیل ترین اشخاص کسی خواهد بود که از سلام کردن خودداری نماید.

11 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «إِذَا تَلَاقَيْتُمْ فَتَلَاَقُوا بِالتَّسْلِيمِ وَ التَّصَافُحِ، وَ إِذَا تَفَرَّقْتُمْ فَتَفَرَّقُوا بِالِاسْتِغْفَارِ». (11)

فرمود: هنگام بر خورد و ملاقات با یکدیگر سلام و مصافحه نمائید و موقع جدا شدن برای همدیگر طلب آمرزش کنید.

12 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «بَكِّرُوا بِالصَّدَقَةِ، فَإِنَّ الْبَلَاءَ لَا يَتَخَطَّاهَا». (12)

فرمود: صبحگاهان حرکت و کار خود را با دادن صدقه شروع نمائید چون که بلاها و آفت ها را بر طرف می گرداند.

13 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «يُؤْتَى الرَّجُلُ فِي قَبْرِهِ بِالْعَذَابِ، فَإِذَا أُتِيَ مِنْ قَبْلِ رَأْسِهِ دَفَعَتْهُ تِلَاوَةُ الْقُرْآنِ، وَ إِذَا

أُتِيَ مِنْ قَبْلِ يَدَيْهِ دَفَعَتْهُ الصَّدَقَةُ، وَ إِذَا أُتِيَ مِنْ قَبْلِ رِجْلَيْهِ دَفَعَهُ مَشْيُهُ إِلَى الْمَسْجِدِ». (13)

فرمود: هنگامی که بدن مرده را در قبر قرار دهند، چنانچه عذاب از بالای سر بخواند وارد شود تلاوت قرآنش مانع عذاب می گردد و چنانچه از مقابل وارد شود صدقه و کارهای نیک مانع آن می باشد. و چنانچه از پائین پا بخواند وارد گردد، رفتن به سوی مسجد مانع آن خواهد گشت.

14 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ بَعَثَنِي بِهَا، وَ إِنَّ مِنْ مَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ: أَنْ

يَغْفُوَ الرَّجُلُ عَمَّنْ ظَلَمَهُ، وَ يُعْطِيَ مَنْ حَرَمَهُ، وَ يَصِلَ مَنْ قَطَعَهُ، وَ أَنْ يَعُودَ مَنْ لَا يَعُودُهُ». (14)

فرمود: بر شما باد رعایت مکارم اخلاق، که خداوند مرا بر آن ها مبعوث نمود، و - بعضی از - آن ها عبارتند از: کسی که بر تو ظلم کند - به جهت غرض شخصی - او را ببخش، کسی که تو را نسبت به چیزی محروم گرداند کمکش نما، با شخصی که با تو قطع دوستی کند رابطه دوستی داشته باش، شخصی که به دیدار تو نیاید به دیدارش برو.

15 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «مَنْ وَجَدَ كَسْرَةً أَوْ تَمَرَةً فَاقْلَهَا لَمْ يُفَارِقْ جَوْفَهُ حَتَّى يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُ». (15)

فرمود: هر کس تکه ای نان یا دانه ای خرما در جایی ببیند، و آن را بردارد و میل کند، مورد رحمت و مغفرت خداوند قرار می گیرد.

16 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «مَا تَوَاضَعَ أَحَدٌ إِلَّا رَفَعَهُ اللَّهُ». (16)

فرمود: کسی اظهار تواضع و فروتنی نکرده، مگر آن که خداوند متعال او را رفعت و عزت بخشیده است.

17 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «مَنْ أَنْظَرَ مُعْسِرًا، كَانَ لَهُ بِكُلِّ يَوْمٍ صَدَقَةٌ». (17)

فرمود: هر کس بدهکار ناتوانی را مهلت دهد برای هر روزش ثواب صدقه در راه خدا می باشد.

18 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «مَا مِنْ هُذْهَدٍ إِلَّا وَفِي جَنَاحِهِ مَكْتُوبٌ بِالسَّرْيَانِيَةِ «آلُ مُحَمَّدٍ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ». (18)

فرمود: هیچ پرندۀ ای به نام هدهد وجود ندارد مگر آن که روی بال هایش به لغت سریانی نوشته شده است: آل محمد (صلوات الله عليهم اجمعين) بهترین مخلوق روی زمین می باشند.

19 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ، الصَّابِرُ مِنْهُمْ عَلَى دِينِهِ كَالْقَائِضِ عَلَى الْجَمْرِ». (19)

فرمود: زمانی بر مردم خواهد آمد که صبر نمودن در برابر مسائل دین - و عمل به دستورات آن - همانند در دست گرفتن آتش گداخته است.

20 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «سَيَأْتِي زَمَانٌ عَلَى أُمَّتِي يَفْرُونَ مِنَ الْعُلَمَاءِ كَمَا يَفِرُّ الْغَنَمُ مِنَ الذَّنْبِ، إِبْتِلَاهُمُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ أَشْيَاءٍ: الْأَوَّلُ: يَرْفَعُ الْبَرَكَةَ مِنْ أَمْوَالِهِمْ، وَ الثَّانِي: سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا جَائِرًا، وَ الثَّالِثُ: يَخْرِجُونَ مِنَ الدُّنْيَا بِلاَ إِيمَانٍ». (20)

فرمود: زمانی بر امت من خواهد آمد که مردم از علماء گریزان شوند همان طوری که گوسفند از گرگ گریزان است، خداوند چنین جامعه ای را به سه نوع عذاب مبتلا می گرداند: 1 - برکت و رحمت خود را از اموال ایشان برمی دارد. 2 - حکمفرمائی ظالم و بی مروت را بر آن ها مسلط می گرداند. 3 - هنگام مرگ و جان دادن، بی ایمان از این دنیا خواهند رفت.

21 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «الْعَالِمُ بَيْنَ الْجَهَالِ كَالْحَيِّ بَيْنَ الْأَمْوَاتِ، وَ إِنَّ طَالِبَ الْعِلْمِ يَسْتَغْفِرُ كُلَّ شَيْءٍ حَتَّى حَيْتَانِ الْبَحْرِ، وَ هَوَاهُ، وَ سُبَاعُ الْبَرِّ وَ أَنْعَامُهُ، فَاطْلُبُوا الْعِلْمَ، فَإِنَّهُ السَّبَبُ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَ إِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ». (21)

پیامبر مکرم اسلام (صلى الله عليه وآله) فرمود: دانشمندی که بین گروهی نادان قرار گیرد همانند انسان زنده ای است بین مردگان، و کسی که در حال تحصیل علم باشد تمام موجودات برایش طلب مغفرت و آمرزش می کنند، پس علم را فرا گیرید چون علم وسیله قرب و نزدیکی شما به خداوند است، و فراگیری علم، بر هر فرد مسلمانی فریضه است.

22 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «مَنْ زَارَ عَالِمًا فَكَأْتَمَا زَارَنِي، وَ مَنْ صَافَحَ عَالِمًا فَكَأْتَمَا صَافَحَنِي، وَ مَنْ جَالَسَ عَالِمًا فَكَأْتَمَا جَالَسَنِي، وَ مَنْ جَالَسَنِي فِي الدُّنْيَا أَجْلَسْتُهُ مَعِيَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». (22)

فرمود: هر کس به دیدار و زیارت عالم و دانشمندی برود مثل آن است که مرا زیارت کرده، هر که با دانشمندی دست دهد و مصافحه کند مثل آن که با من مصافحه نموده، هر شخصی همنشین دانشمندی گردد مثل آن

است که با من مجالست کرده، و هر که در دنیا با من همنشین شود، در آخرت همنشین من خواهد گشت.

23 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «مَنْ تَزَوَّجَ إِمْرَأَةً لِمَالِهَا وَكَلَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ، وَ مَنْ تَزَوَّجَهَا لِحِمَالِهَا رَأَى فِيهَا مَا يَكْرَهُ، وَ مَنْ تَزَوَّجَهَا لِدِينِهَا جَمَعَ اللَّهُ لَهُ ذَلِكَ.» (23)

فرمود: هر کس زنی را به جهت ثروتش ازدواج کند خداوند او را به همان واگذار می نماید، و هر که با زنی به جهت زیبایی و جمالش ازدواج کند خوشی نخواهد دید، و کسی که با زنی به جهت دین و ایمانش تزویج نماید خداوند خواسته های او را تأمین می گرداند.

24 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «مَنْ قَلَّ طَعَامُهُ، صَحَّ بَدَنُهُ، وَ صَفَا قَلْبُهُ، وَ مَنْ كَثُرَ طَعَامُهُ سَقَمَ بَدَنُهُ وَ قَسَا قَلْبُهُ.» (24)

فرمود: هر که خوراکش کمتر باشد بدنش سالم و قلبش با صفا خواهد بود، و هر کس خوراکش زیاد باشد امراض جسمی بدنش و کدورت، قلبش را فرا خواهد گرفت.

25 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «لَا تُشْبِعُوا، فَيُطْفَأُ نُورُ الْمَعْرِفَةِ مِنْ قُلُوبِكُمْ.» (25)

فرمود: شکم خود را از خوراک سیر و پر مگردانید، چون که سبب خاموشی نور عرفان و معرفت - در افکار و - قلب هایتان می گردد.

26 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «مَنْ تَوَلَّى عَمَلًا وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ لَيْسَ لَهُ بِأَهْلٍ، فَلْيَتَّبِعْهُ مَقْعَدُهُ مِنَ النَّارِ.» (26)

فرمود: هر که ریاست و مسئولیتی را بپذیرد و بداند که اهلیت آن را ندارد، - در قبر و قیامت - جایگاه او پر از آتش خواهد شد.

27 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيُبْغِضُ الْمُؤْمِنَ الضَّعِيفَ الَّذِي لَادِينَ لَهُ، فَقِيلَ: وَ مَا الْمُؤْمِنُ الضَّعِيفُ الَّذِي لَا دِينَ لَهُ؟ قَالَ: الَّذِي لَا يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ.» (27)

فرمود: همانا خداوند دشمن دارد آن مؤمنی را که ضعیف و بی دین است، سؤال شد: مؤمن ضعیف و بی دین کیست؟ پاسخ داد: کسی که نهی از منکر و جلوگیری از کارهای زشت نمی کند.

28 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «صَدَقَهُ السَّرُّ تُطْفِئُ الْخَطِيئَةَ، كَمَا تُطْفِئُ الْمَاءُ النَّارَ، وَ تَدْفَعُ سَبْعِينَ بَاباً مِنَ الْبَلَاءِ.» (28)

فرمود: صدقه ای که محرمانه و پنهانی داده شود سبب پاکی گناهان می باشد، همان طوری که آب، آتش را خاموش می کند، همچنین صدقه هفتاد نوع بلا و آفت را بر طرف می نماید.

29 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «عَجِبْتُ لِمَنْ يَحْتَمِي مِنَ الطَّعَامِ مَخَافَةَ الدَّاءِ، كَيْفَ لَا يَحْتَمِي مِنَ الذُّنُوبِ، مَخَافَةَ النَّارِ.» (29)

فرمود: تعجب دارم از کسانی که نسبت به خورد و خوراک خود اهمیت می دهند تا مبادا مریض شوند ولیکن اهمیتی نسبت به گناهان نمی دهند و باکی از آتش سوزان جهنم ندارند.

30 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «حُبُّ الْجَاهِ وَ الْمَالِ يُنْبِتُ النَّفَاقَ فِي الْقَلْبِ، كَمَا يُنْبِتُ الْمَاءُ الْبَقْلَ.» (30)

فرمود: علاقه نسبت به ریاست و ثروت سبب روئیدن نفاق در قلب و درون خواهد شد، همان طوری که آب و باران سبب روئیدن سبزیجات می باشند.

31 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «مَنْ أَصَابَ مِنْ إِمْرَأَةٍ نَظْرَةً حَرَامًا، مَلَكَ اللَّهُ عَيْنَيْهِ نَارًا.» (31)

فرمود: هرکس نگاه حرامی به زن نامحرمی بیفکند، خداوند چشم های او را پر از آتش می گرداند.

32 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «حَسِّنُوا أَخْلَاقَكُمْ، وَ أَلْطِفُوا جِيرَانَكُمْ، وَ أَكْرِمُوا نِسَائَكُمْ، تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ بِغَيْرِ

فرمود: رفتار و اخلاق خود را نیکو سازید، نسبت به همسایگان با ملاطفت و محبت برخورد نمائید، زنان و همسران خود را گرمی دارید تا بدون حساب وارد بهشت گردید.

33 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مَنْ يُخَالِطُ». (33)

فرمود: انسان بر روش و اخلاق دوستش پرورش می یابد و شناخته می شود، پس متوجّه باشید با چه کسی دوست و همنشین می باشید.

34 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «الْصَّدَقَةُ بِعَشْرٍ، وَالْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ، وَصِلَةُ الرَّحِمِ بِأَرْبَعَةٍ وَعِشْرِينَ». (34)

فرمود: پاداش و ثواب دادن صدقه ده برابر درجه، و دادن قرض الحسنه هیجده درجه، و انجام صله رحم بیست و چهار درجه افزایش خواهد داشت.

35 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «لَا يَمْرُضُ مُؤْمِنٌ وَلَا مُؤْمِنَةٌ إِلَّا حَطَّ اللَّهُ بِهِ خَطَايَاهُ». (35)

فرمود: هیچ مؤمن و مؤمنه ای مریض نمی گردد مگر آن که خطاها و لغزش هایش پاک و بخشوده می شود.

36 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «مَنْ وَقَرَ ذَا شَيْبِهِ فِي الْأَسْلَامِ أَمَّنَهُ اللَّهُ مِنْ فَرْعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ». (36)

فرمود: هر کس بزرگ سال مسلمانی را گرمی دارد و احترام نماید، خداوند او را در قیامت از سختی ها و مشکلات در امان می دارد.

37 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «كُلُّ عَيْنٍ بِاِكْيَةِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِلَّا ثَلَاثَ أَغْيُنٍ: عَيْنٌ بَكَتْ مِنْ حَسْبِهِ اللَّهُ، وَ عَيْنٌ

عُصَّتْ عَنْ مَحَارِمِ اللَّهِ، وَ عَيْنٌ بَاتَتْ سَاهِرَةً فِي سَبِيلِ اللَّهِ». (37)

فرمود: تمامی چشم ها در روز قیامت گریانند، مگر سه دسته: 1 - آن چشمی که به جهت خوف و ترس از عذاب خداوند گریه کرده باشد. 2 - چشمی که از گناهان و موارد خلاف بسته و نگاه نکرده باشد. 3 - چشمی که شبها در عبادت و بندگی خداوند متعال بیدار بوده باشد.

38 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «سَادَةُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا الْأَسْخِيَاءُ، سَادَةُ النَّاسِ فِي الْآخِرَةِ الْأَتْقِيَاءُ». (38)

فرمود: سرور و سیّد مردم در دنیا افراد سخاوتمند خواهند بود، و سیّد و سرور انسان ها در قیامت پرهیزکاران می باشند.

39 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «وَعَظَنِي جِبْرِئِيلُ (عليه السلام): يَا مُحَمَّدُ، أَحِبِّ مَنْ شِئْتَ فَإِنَّكَ مُفَارِقُهُ، وَ اَعْمَلْ

مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مُلَاقِيهِ». (39)

فرمود: جبرئیل مرا موعظه و نصیحت کرد: با هر کس که خواهی دوست باش، بالأخره بین تو و او جدائی خواهد افتاد. هر چه خواهی انجام ده، ولی بدان نتیجه و پاداش آنرا خواهی گرفت.

40 - قَالَ (صلى الله عليه وآله): «أَوْصَانِي رَبِّي بِتَسْعٍ: أَوْصَانِي بِالْأَخْلَاصِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَ الْعَدْلِ فِي الرِّضَا وَ

الْعَصَبِ، وَ الْقَصْدِ فِي الْفَقْرِ وَالْغِنَى، وَ أَنْ أَعْفُوَ عَمَّنْ ظَلَمَنِي، وَ أَعْطِيَ مَنْ حَرَمَنِي، وَ أَصِلَ مَنْ قَطَعَنِي، وَ أَنْ يَكُونَ

صُمْتُ فِكْرًا، وَ مَنْطِقِي ذِكْرًا، وَ نَظْرِي عِبْرًا». (40)

فرمود: پروردگار متعال، مرا به 9 چیز سفارش نمود: اخلاص در آشکار و پنهان، دادگری در خوشنودی و خشم، میانه روی در نیاز و توانمندی، بخشیدن کسی که در حق من ستم روا داشته است، کمک به کسی که مرا محروم گردانده، دیدار خویشاوندانی که با من قطع رابطه نموده اند، و این که خاموشیم اندیشه و سخنم، یادآوری خداوند؛ و نگاهم عبرت و پند باشد.

پاورقی ها :

- 1 - وسائل الشَّیعه: ج 4، ص 30، ح 4431.
- 2 - عقاب الأعمال: ص 343، س 14، وسائل الشَّیعه: ج 5، ص 201، ح 6328.
- 3 - وسائل الشَّیعه: ج 4، ص 31، ح 4434.
- 4 - تأویل الآیات الظاهره: ص 549، س 5؛ و تفسیر البرهان: ج 4، ص 184، س 26.
- 5 - أمالی طوسی: ج 2، ص 142، بحار الأنوار: ج 74، ص 80، ح 3.
- 6 - محاسن برقی: ص 593، ح 110، بحار: ج 63، ص 398، ح 20.
- 7 - من لا یحضره الفقیه: ج 4، ص 353، ح 5762 چاپ جامعه مدرّسین.
- 8 - أمالی طوسی: ج 1، ص 158، بحار الأنوار: ج 10، ص 368، ح 15.
- 9 - أمالی طوسی: ج 1، ص 13، بحار الأنوار: ج 70، ص 373، ح 7.
- 10 - أمالی طوسی: ج 1، ص 87، بحار الأنوار: ج 90، ص 291، ح 11.
- 11 - أمالی طوسی: ج 1، ص 219، بحار الأنوار: ج 73، ص 4، ح 13.
- 12 - أمالی طوسی: ج 1، ص 157، بحار الأنوار: ج 93، ص 177، ح 8.
- 13 - مسکن الفؤاد شهید ثانی: ص 50، س 1.
- 14 - أمالی طوسی: ج 2، ص 92، بحار الأنوار: ج 66، ص 375، ح 24.
- 15 - أمالی صدوق: ص 246، ح 14، بحار الأنوار: ج 63، ص 430، ح 12.
- 16 - أمالی طوسی: ج 1، ص 56، بحار الأنوار: ج 72، ص 120، ح 7.
- 17 - أعیان الشَّیعه: ج 1، ص 305، بحار الأنوار: ج 100، ص 151، ح 17.
- 18 - أمالی طوسی: ج 1، ص 360، بحار الأنوار: ج 27، ص 261، ح 2.
- 19 - أمالی طوسی: ج 2، ص 92، بحار الأنوار: ج 28، ص 47، ح 9.
- 20 - مستدرک الوسائل: ج 11، ص 376، ح 13301.
- 21 - بحار الأنوار: ج 1، ص 172، ح 25.
- 22 - مستدرک الوسائل: ج 17، ص 300، ح 21406.
- 23 - تهذیب الأحکام: ج 7، ص 399، ح 5.
- 24 - تنبیه الخواطر، معروف به مجموعه ورام: ص 548، بحار الأنوار: ج 59، ص 268، ح 53.
- 25 - مستدرک الوسائل: ج 16، ص 218، ح 19646.
- 26 - تاریخ الإسلام: ج 101-120، ص 285.
- 27 - وسائل الشَّیعه: ج 16، ص 122، ح 21139.
- 28 - مستدرک الوسائل: ج 7، ص 184، ح 7984.
- 29 - بحار الأنوار: ج 70، ص 347، ح 34.
- 30 - تنبیه الخواطر، معروف به مجموعه ورام: ص 264.
- 31 - مستدرک الوسائل: ج 14، ص 270، ح 16685.
- 32 - أعیان الشَّیعه: ج 1، ص 301.
- 33 - أمالی طوسی: ج 2، ص 132، بحار الأنوار: ج 71، ص 192، ح 12.

- 34 - مستدرک الوسائل: ج 7، ص 194، ح 8010
- 35 - جامع الأحادیث: ج 3، ص 89، ح 35، مستدرک الوسائل: ج 2، ص 66، ح 1422
- 36 - کافی: ج 2، ص 658، ح 3، بحار الأنوار: ج 7، ص 302، ح 53
- 37 - ثواب الأعمال: ص 211، ح 1، بحار الأنوار: ج 46، ص 100، ح 88
- 38 - أعيان الشَّيْخَة: ج 1، ص 302، بحار الأنوار: ج 68، ص 350، ح 1
- 39 - أمالی طوسی: ج 2، ص 203، بحار الأنوار: ج 68، ص 188، ح 54
- 40 - أعيان الشَّيْخَة: ج 1، ص 300، بحار الأنوار: ج 74، ص 139، ضمن ح 1

حضرت امام علی (علیه السلام)

1 - قَالَ الْأَمَامُ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) : «إِغْتَنِمُوا الدُّعَاءَ عِنْدَ خَمْسَةِ مَوَاطِنَ: عِنْدَ قِرَائَةِ الْقُرْآنِ، وَ عِنْدَ الْأَذَانِ، وَ عِنْدَ نُزُولِ الْعَيْثِ، وَ عِنْدَ التَّقَاءِ الصَّفِّينِ لِلشَّهَادَةِ، وَ عِنْدَ دَعْوَةِ الْمُظْلُومِ، فَإِنَّهُ لَيْسَ لَهَا حِجَابٌ دُونَ الْعَرْشِ».(1)

حضرت امیر المومنین امام علی (علیه السلام) فرمود: پنج موقع را برای دعا و حاجت خواستن غنیمت شمارید: موقع تلاوت قرآن، موقع اذان، موقع بارش باران، موقع جنگ و جهاد - فی سبیل الله - موقع ناراحتی و آه کشیدن مظلوم. در چنین موقعیت ها مانعی برای استجابت دعا نیست.

2 - قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «الْعِلْمُ وَرَأْيُهُ كَرِيمَةٌ، وَ الْأَدَبُ حُلٌّ حَسَنٌ، وَ الْفِكْرَةُ مِرَآةٌ صَافِيَةٌ، وَ الْأَعْتِدَارُ مُنْذِرٌ نَاصِحٌ، وَ كَفَى بِكَ أَدَبًا تَرْكُكَ مَا كَرِهْتَهُ مِنْ غَيْرِكَ».(2)

فرمود: علم؛ ارثیه ای با ارزش، و ادب؛ زیوری نیکو، و اندیشه؛ آئینه ای صاف، و پوزش خواستن؛ هشدار دهنده ای دلسوز خواهد بود. و برای با ادب بودن همین بس که آنچه برای خود دوست نداری، در حق دیگران روا نداشته باشی.

3 - قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «الْحَقُّ جَدِيدٌ وَ إِنْ طَالَتِ الْأَيَّامُ، وَ الْبَاطِلُ مَخْذُولٌ وَ إِنْ نَصَرَهُ أَقْوَامٌ».(3)

فرمود: حق و حقیقت در تمام حالات جدید و تازه است گر چه مدتی بر آن گذشته باشد. و باطل همیشه پست و بی اساس است گر چه افراد بسیاری از آن حمایت کنند.

4 - قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «الْذُّنْيَا تُطْلَبُ لِثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ: الْغِنَى، وَ الْعِزُّ، وَ الرَّاحَةُ، فَمَنْ زَهَدَ فِيهَا عَزَّ، وَ مَنْ قَنَعَ إِسْتَعْنَى، وَ مَنْ قَلَّ سَعْيُهُ إِسْتَرَاخَ».(4)

فرمود: دنیا و اموال آن، برای سه هدف دنبال می شود: بی نیازی، عزت و شوکت، آسایش و آسوده بودن. هر که زاهد باشد؛ عزیز و با شخصیت است، هر که قانع باشد؛ بی نیاز و غنی گردد، هر که کمتر خود را در تلاش و زحمت قرار دهد؛ همیشه آسوده و در آسایش است.

5 - قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «لَوْ لَا الدِّينُ وَ التَّقَى، لَكُنْتُ أَذْهَى الْعَرَبِ».(5)

فرمود: چنانچه دین داری و تقوای الهی نمی بود، هر آینه سیاستمدارترین افراد بودم - ولی دین و تقوا مانع سیاست بازی می شود - .

6 - قَالَ (عليه السلام): «الْمُلُوكُ حُكَّامٌ عَلَى النَّاسِ، وَالْعِلْمُ حَاكِمٌ عَلَيْهِمْ، وَحَسْبُكَ مِنَ الْعِلْمِ أَنْ تَخْشَى اللَّهَ، وَحَسْبُكَ مِنَ الْجَهْلِ أَنْ تَعْجِبَ بِعِلْمِكَ». (6)

فرمود: ملوک بر مردم حاکم هستند و علم بر تمامی ایشان حاکم خواهد بود، تو را در علم کافی است که از خداوند ترسناک باشی؛ و به دانش و علم خود بالیدن، بهترین نشانه نادانی است.

7 - قَالَ (عليه السلام): «مَا مِنْ يَوْمٍ يَمُتُّ عَلَى ابْنِ آدَمَ إِلَّا قَالَ لَهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ: يَا بْنَ آدَمَ أَنَا يَوْمٌ جَدِيدٌ وَأَنَا عَلَيْكَ شَهِيدٌ. فَقُلْ فِي خَيْرٍ، وَاعْمَلْ فِي خَيْرٍ، أَشْهَدُ لَكَ بِهِ فِي الْقِيَامَةِ، فَإِنَّكَ لَنْ تَرَانِي بَعْدَهُ أَبَدًا». (7)

فرمود: هر روزی که بر انسان وارد شود، گوید: من روز جدیدی هستم، من بر اعمال و گفتار تو شاهد می باشم. سعی کن سخن خوب و مفید بگوئی، کار خوب و نیک انجام دهی. من در روز قیامت شاهد اعمال و گفتار تو خواهم بود. و بدان امروز که پایان یابد دیگر مرا نخواهی دید و قابل جبران نیست.

8 - قَالَ (عليه السلام): «فِي الْمَرَضِ يُصِيبُ الصَّبِيَّ، كَفَّارَةٌ لِوَالِدَيْهِ». (8)

فرمود: مریضی کودک، کفاره گناهان پدر و مادرش می باشد.

9 - قَالَ (عليه السلام): «الرَّبِيبُ يَشُدُّ الْقَلْبَ، وَ يَذْهَبُ بِالْمَرَضِ، وَ يُطْفِئُ الْحَرَارَةَ، وَ يُطَيِّبُ النَّفْسَ». (9)

فرمود: خوردن مویز - کشمش سیاه - قلب را تقویت، مرض ها را برطرف، و حرارت بدن را خاموش، و روان را پاک می گرداند.

10 - قَالَ (عليه السلام): «أَطْعَمُوا صَبْيَانَكُمْ الرُّمَانَ، فَإِنَّهُ أَسْرَعُ لِلْإِسْنَتِهِمْ». (10)

فرمود: به کودکان خود انار بخورانید تا زبانشان بهتر و زودتر باز شود.

11 - قَالَ (عليه السلام): «أَطْرِفُوا أَهَالِيَكُمْ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ جَمْعَهُ بِشَيْءٍ مِنَ الْفَاكِهَةِ، كَى يَفْرَحُوا بِالْجَمْعَةِ». (11)

فرمود: در هر شب جمعه همراه با مقداری میوه - یا شیرینی، ... - بر اهل منزل و خانواده خود وارد شوید تا موجب شادمانی آن ها در جمعه گردد.

12 - قَالَ (عليه السلام): «كُلُوا مَا يَسْقُطُ مِنَ الْخَوَانِ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ يَأْذِنُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَسْتَشْفِيَ بِهِ». (12)

فرمود: آنچه اطراف ظرف غذا و سفره می ریزد جمع کنید و بخورید، که همانا هرکس آن ها را به قصد شفا میل نماید، به اذن حق تعالی شفای تمام دردهای او خواهد شد.

13 - قَالَ (عليه السلام): «لَا يَنْبَغِي لِلْعَبْدِ أَنْ يَثِقَ بِخَصْلَتَيْنِ: الْعَافِيَةِ وَالْغَنَى، بَيْنَا تَرَاهُ مُعَافَاً إِذْ سَقَمَ، وَ بَيْنَا تَرَاهُ غَنِيًّا إِذَا افْتَقَرَ». (13)

فرمود: سزاوار نیست که بنده خدا، در دوران زندگی به دو خصوصیت اعتماد کند و به آن دلبسته باشد: یکی عافیت و تندرستی و دیگری ثروت و بی نیازی است. زیرا چه بسا در حال صحت و سلامتی می باشد ولی ناگهان انواع مریضی ها بر او عارض می گردد و یا آن که در موقعیت و امکانات خوبی است، ناگهان فقیر و بیچاره می شود، - پس بدانیم که دنیا و تمام امکانات آن بی ارزش و بؤفا خواهد بود و تنها عمل صالح مفید و سودبخش می باشد - .

14 - قَالَ (عليه السلام): «لِلْمُرَأِيِّ ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ: يَكْسِلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ، وَ يَنْشَطُ إِذَا كَانَ فِي النَّاسِ، وَ يَزِيدُ فِي الْعَمَلِ إِذَا أُتْنِيَ عَلَيْهِ، وَ يَنْقُصُ إِذَا دُمَّ». (14)

فرمود: برای ریاکار سه نشانه است: در تنهایی کسل و بی حال، در بین مردم سرحال و بانشاط می باشد. هنگامی که او را تمجید و تعریف کنند خوب و زیاد کار می کند و اگر انتقاد شود سُستی و کم کاری می کند.

15 - قال (عليه السلام): «أَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى إِلَى نَبِيِّ مِنَ الْأَنْبِيَاءِ: قُلْ لِقَوْمِكَ لَا يَلْبِسُوا لِبَاسَ أَعْدَائِي، وَ لَا يَطْعُمُوا مَطَاعِمَ أَعْدَائِي، وَ لَا يَتَشَكَّلُوا بِمَشَاكِلِ أَعْدَائِي، فَيَكُونُوا أَعْدَائِي».(15)

فرمود: خداوند تبارک و تعالی بر یکی از پیامبرانش وحی فرستاد: به امت خود بگو: لباس دشمنان مرا نپوشند و غذای دشمنان مرا میل نکنند و هم شکل دشمنان من نگردند، وگرنه ایشان هم دشمن من خواهند بود.

16 - قال (عليه السلام): «الْعُقُولُ أَيْمَةُ الْأَفْكَارِ، وَ الْأَفْكَارُ أَيْمَةُ الْقُلُوبِ، وَ الْقُلُوبُ أَيْمَةُ الْحَوَاسِّ، وَ الْحَوَاسُّ أَيْمَةُ الْأَعْضَاءِ».(16)

فرمود: عقل هر انسانی پیشوای فکر و اندیشه اوست؛ و فکر پیشوای قلب و درون او خواهد بود؛ و قلب پیشوای حواس پنج گانه می باشد، و حواس پیشوای تمامی اعضاء و جوارح است.

17 - قال (عليه السلام): «تَفَضَّلْ عَلَى مَنْ شِئْتَ فَأَنْتَ أَمِيرُهُ، وَ اسْتَغْنِ عَمَّنْ شِئْتَ فَأَنْتَ نَظِيرُهُ، وَ اقْتَصِرْ إِلَى مَنْ شِئْتَ فَأَنْتَ أَسِيرُهُ».(17)

فرمود: بر هر که خواهی نیکی و احسان نما، تا رئیس و سرور او گردی؛ و از هر که خواهی بی نیازی جوی تا همانند او باشی. و خود را نیازمند هر که خواهی بدان - و از او تقاضای کمک نما - تا اسیر او گردی.

18 - قال (عليه السلام): «أَعَزُّ الْعِزِّ الْعِلْمُ، لِإِنَّ بِهِ مَعْرِفَةَ الْمَعَادِ وَ الْمَعَاشِ، وَ أَذَلُّ الذُّلِّ الْجَهْلُ، لِإِنَّ صَاحِبَهُ أَصَمُّ، أَبْكَمُّ، أَعْمَى، حَيْرَانٌ».(18)

فرمود: عزیزترین عزت ها علم و کمال است، برای این که شناخت معاد و تأمین معاش انسان، به وسیله آن انجام می پذیرد. و پست ترین ذلت ها جهل و نادانی است، زیرا که صاحبش همیشه در کوری و لالی و کوری می باشد و در تمام امور سرگردان خواهد بود.

19 - قال (عليه السلام): «جُلُوسُ سَاعَةٍ عِنْدَ الْعُلَمَاءِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ عِبَادَةِ أَلْفِ سَنَةٍ، وَ النَّظَرُ إِلَى الْعَالِمِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ إِعْتِكَافِ سَنَةٍ فِي بَيْتِ اللَّهِ، وَ زِيَارَةُ الْعُلَمَاءِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ سَبْعِينَ طَوَافاً حَوْلَ الْبَيْتِ، وَ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ حَجَّةً وَ عُمْرَةً مَبْرُورَةً مَقْبُولَةً، وَ رَفَعَ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ سَبْعِينَ دَرَجَةً، وَ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْهِ الرَّحْمَةَ، وَ شَهِدَتْ لَهُ الْمَلَائِكَةُ: أَنَّ الْجَنَّةَ وَ جَبَّتْ لَهُ».(19)

فرمود: یک ساعت در محضر علماء نشستن - که انسان را به مبدأ و معاد آشنا سازند - از هزار سال عبادت نزد خداوند محبوب تر خواهد بود. توجه و نگاه به عالم از اعتکاف و یک سال عبادت - مستحبی - در خانه خدا بهتر است. زیارت و دیدار علماء، نزد خداوند از هفتاد مرتبه طواف اطراف کعبه محبوب تر خواهد بود، و نیز افضل از هفتاد حجّ و عمره قبول شده می باشد. همچنین خداوند او را هفتاد مرحله ترفیع درجه می دهد و رحمت و برکت خود را بر او نازل می گرداند، و ملائکه شهادت می دهند به این که او اهل بهشت است.

20 - قال (عليه السلام): «يَا ابْنَ آدَمَ، لَا تَحْمِلْ هَمَّ يَوْمِكَ الَّذِي لَمْ يَأْتِكَ عَلَى يَوْمِكَ الَّذِي أَنْتَ فِيهِ، فَإِنْ يَكُنْ بَقِيَ مِنْ أَجَلِكَ، فَإِنَّ اللَّهَ فِيهِ يَرْزُقُكَ».(20)

فرمود: ای فرزند آدم، غصه رزق و آذوقه آن روزی که در پیش داری و هنوز نیامده است نخور، زیرا چنانچه زنده بمانی و عمرت باقی باشد خداوند متعال روزی آن روز را هم می رساند.

21 - قال (عليه السلام): «قَدَّرَ الرَّجُلُ عَلَى قَدَرِ هِمَّتِهِ، وَ شَجَاعَتُهُ عَلَى قَدَرِ نَفَقَتِهِ، وَ صِدَاقَتُهُ عَلَى قَدَرِ مَرْوَتِهِ، وَ عِفَّتُهُ عَلَى قَدَرِ غَيْرَتِهِ».(21)

فرمود: ارزش هر انسانی به قدر همت اوست، و شجاعت و توان هر شخصی به مقدار گذشت و احسان اوست، و درستکاری و صداقت او به قدر جوانمردی اوست، و پاکدامنی و عفت هر فرد به اندازه غیرت او خواهد بود.

22 - قَالَ (عليه السلام): «مَنْ شَرِبَ مِنْ سُورِ أَخِيهِ تَبَرَّكَأَ بِهِ، خَلَقَ اللَّهُ بَيْنَهُمَا مَلِكًا يَسْتَعْفِرُ لَهُمَا حَتَّى تَقُومَ السَّاعَةُ».(22)

فرمود: کسی که دهن خورده برادر مؤمنش را به عنوان تبرک میل نماید، خداوند متعال ملکی را مأمور می گرداند تا برای آن دو نفر تا روز قیامت طلب آمرزش و مغفرت نماید.

23 - قَالَ (عليه السلام): «لَا خَيْرَ فِي الدُّنْيَا إِلَّا لِرَجُلَيْنِ: رَجُلٌ يَزِدَادُ فِي كُلِّ يَوْمٍ إِحْسَانًا، وَ رَجُلٌ يَنْدَارُكَ ذَنْبُهُ بِالتَّوْبَةِ، وَ أَنَّى لَهُ بِالتَّوْبَةِ، وَاللَّهُ لَوْ سَجَدَ حَتَّى يَنْقَطِعَ عُنُقُهُ مَا قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ إِلَّا بِوَلَايَتِنَا أَهْلِ الْبَيْتِ».(23)

فرمود: خیر و خوبی در دنیا وجود ندارد مگر برای دو دسته: دسته اول آنان که سعی نمایند در هر روز، نسبت به گذشته کار بهتری انجام دهند. دسته دوم آنان که نسبت به خطاها و گناهان گذشته خود پشیمان و سرافکنده گردند و توبه نمایند، و توبه کسی پذیرفته نیست مگر آن که با اعتقاد بر ولایت ما اهل بیت عصمت و طهارت باشد.

24 - قَالَ (عليه السلام): «عَجِبْتُ لِابْنِ آدَمَ، أَوَّلُهُ نُطْقَةٌ، وَ آخِرُهُ جِيفَةٌ، وَ هُوَ قَائِمٌ بَيْنَهُمَا وَعَاءٌ لِلْغَائِطِ، ثُمَّ يَتَكَبَّرُ».(24)

فرمود: تعجب می کنم از کسی که اولش قطره ای آب ترش شده و عاقبتش لاشه ای متعفن - بد بو - خواهد بود و خود را ظرف فضولات قرار داده است، با این حال تکبر و بزرگ منشی هم می نماید.

25 - قَالَ (عليه السلام): «إِيَّاكُمْ وَ الدِّينَ، فَإِنَّهُ هَمٌّ بِاللَّيْلِ وَ ذُلٌّ بِالنَّهَارِ».(25)

فرمود: از گرفتن نسیه و قرض، خود را برهانید، چون که سبب غم و اندوه شبانه و ذلت و خواری در روز خواهد گشت.

26 - قَالَ (عليه السلام): «إِنَّ الْعَالِمَ الْكَاتِمَ عِلْمَهُ يُبْعَثُ أَتَنَ أَهْلِ الْقِيَامَةِ، تَلْعَنُهُ كُلُّ دَابَّةٍ مِنَ دَوَابِّ الْأَرْضِ الصَّغَارِ».(26)

فرمود: آن عالم و دانشمندی که علم خود را - در بیان حقایق - برای دیگران کتمان کند، روز قیامت با بدترین بوها محشور می شود و مورد نفرت و نفرین تمام موجودات قرار می گیرد.

27 - قَالَ (عليه السلام): «يَا كَمِيلُ، قُلِ الْحَقُّ عَلَى كُلِّ حَالٍ، وَوَادِدِ الْمُتَّقِينَ، وَاهْجُرِ الْفَاسِقِينَ، وَجَانِبِ الْمُنَافِقِينَ، وَلَا تُصَاحِبِ الْخَائِنِينَ».(27)

فرمود: در هر حالتی حق را بگو و مدافع آن باش، دوستی و معاشرت با پرهیزگاران را ادامه ده، و از فاسقین و معصیت کاران کناره گیری کن، و از منافقان دوری و فرار کن، و با خیانتکاران همراهی و هم نشینی منما.

28 - قَالَ (عليه السلام): فِي وَصِيَّتِهِ لِلْحَسَنِ (عليه السلام): «سَلْ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ، وَعَنِ الْجَارِ قَبْلَ الدَّارِ».(28)

ضمن سفارشی به فرزندش امام حسن (عليه السلام) فرمود: پیش از آن که بخواهی مسافرت بروی، رفیق مناسب راه را جویا باش، و پیش از آن که منزلی را تهیه کنی همسایگان را بررسی کن که چگونه هستند.

29 - قَالَ (عليه السلام): «إِعْجَابُ الْمَرْءِ بِنَفْسِهِ دَلِيلٌ عَلَى ضَعْفِ عَقْلِهِ».(29)

فرمود: فخر کردن انسان به خودش، نشانه کم عقلی او می باشد.

30 - قَالَ (عليه السلام): «أَيُّهَا النَّاسُ، إِيَّاكُمْ وَحُبَّ الدُّنْيَا، فَإِنَّهَا رَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ، وَبَابُ كُلِّ بَلِيَّةٍ، وَدَاعِي كُلِّ زَرِيَّةٍ».(30)

فرمود: ای گروه مردم، نسبت به محبت و علاقه به دنیا مواظب باشید، چون که علاقه و محبت به دنیا اساس هر

خطا و انحرافی است، و دروازه هر بلا و گرفتاری است، و نزدیک کننده هر فتنه و آشوب؛ و نیز آورنده هر مصیبت و مشکلی است.

31 - قَالَ (علیه السلام): «السُّكْرُ أَرْبَعُ السُّكْرَاتِ: سَكْرُ الشَّرَابِ، وَسَكْرُ الْمَالِ، وَسَكْرُ النَّوْمِ، وَسَكْرُ الْمُلْكِ». (31)

فرمود: مستی در چهار چیز است: مستی از شراب (و خمر)، مستی مال و ثروت، مستی خواب، مستی ریاست و مقام.

32 - قَالَ (علیه السلام): «اللِّسَانُ سَبْعٌ إِنْ خُلِيَ عَنْهُ عَقَرٌ». (32)

فرمود: زبان، همچون دژنده ای است که اگر آزاد باشد زخم و جراحت (سختی به جسم و ایمان) خواهد زد.

33 - قَالَ (علیه السلام): «يَوْمُ الْمَظْلُومِ عَلَى الظَّالِمِ أَشَدُّ مِنْ يَوْمِ الظَّالِمِ عَلَى الْمَظْلُومِ». (33)

فرمود: روز داد خواهی مظلوم بر علیه ظالم سخت تر است از روزی که ظالم ستم بر مظلوم می کند.

34 - قَالَ (علیه السلام): «فِي الْقُرْآنِ نَبَأٌ مَا قَبْلَكُمْ، وَخَبَرٌ مَا بَعْدَكُمْ، وَحُكْمٌ مَا بَيْنَكُمْ». (34)

فرمود: قرآن احوال گذشتگان، و اخبار آینده را در بردارد، و شرح وظایف شما را بیان کرده است.

35 - قَالَ (علیه السلام): «نَزَلَ الْقُرْآنُ ثَلَاثًا، ثُلُثٌ فِينَا وَفِي عَدُوِّنَا، وَثُلُثٌ سُنَنٌ وَ أَمْثَالٌ، وَثُلُثٌ فَرَائِضٌ وَأَحْكَامٌ». (35)

فرمود: نزول قرآن بر سه قسمت است: یک قسمت آن درباره اهل بیت عصمت و طهارت : و دشمنان و مخالفان

ایشان؛ و قسمت دیگر آن، اخلاقیات و ضرب المثلهای؛ و قسمت سوم در بیان واجبات و احکام الهی می باشد.

36 - قَالَ (علیه السلام): «الْمُؤْمِنُ نَفْسُهُ مِنْهُ فِي تَعَبٍ، وَالنَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ». (36)

فرمود: مؤمن آن کسی است که خود را به جهت رفاه مردم در زحمت بیندازد و دیگران از او در امنیت و آسایش باشند.

37 - قَالَ (علیه السلام): «كَتَبَ اللَّهُ الْجِهَادَ عَلَى الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ، فَجِهَادُ الرَّجُلِ بَذْلُ مَالِهِ وَنَفْسِهِ حَتَّى يُقْتَلَ فِي

سَبِيلِ اللَّهِ، وَجِهَادُ الْمَرْأَةِ أَنْ تَصْبِرَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ أذى زَوْجِهَا وَغَيْرَتِهِ». (37)

فرمود: خداوند جهاد را بر مردان و زنان لازم دانسته است. پس جهاد مرد، آن است که از مال و جانش بگذرد تا

جائی که در راه خدا کشته و شهید شود. و جهاد زن آن است که در مقابل زحمات و صدمات شوهر و بر غیرت و

جوانمردی او صبر نماید.

38 - قَالَ (علیه السلام): «فِي تَقَلُّبِ الْأَحْوَالِ عِلْمٌ جَوَاهِرُ الرِّجَالِ». (38)

فرمود: در تغییر و دگرگونی حالات و حوادث، فطرت و حقیقت اشخاص شناخته می شود.

39 - قَالَ (علیه السلام): «إِنَّ الْيَوْمَ عَمَلٌ وَلَا حِسَابَ، وَعَدَاً حِسَابٌ وَلَا عَمَلَ». (39)

فرمود: امروزه - در دنیا - زحمت و فعالیت، بدون حساب است و فردای قیامت، حساب و بررسی اعمال و دریافت

پاداش است.

40 - قَالَ (علیه السلام): «إِنتَفُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ». (40)

فرمود: دوری و اجتناب کنید از معصیت های الهی، حتّی در پنهانی، پس به درستی که خداوند شاهد اعمال و

نیّات است؛ و نیز او حاکم و قاضی خواهد بود.

پاورقی ها :

1 - أمالی صدوق : ص 97، بحار الأنوار: ج 90، ص 343، ح 1.

2 - أمالی طوسی : ج 1، ص 114 ح 29، بحار الأنوار: ج 1، ص 169، ح 20.

- 3 - وسائل الشَّيعة: ج 25، ص 434، ح 32292.
- 4 - وافي: ج 4، ص 402، س 3.
- 5 - أعيان الشَّيعة: ج 1، ص 350، بحار الأنوار: ج 41، ص 150، ضمن ح 40.
- 6 - أمالي طوسي: ج 1، ص 55، بحار الأنوار: ج 2، ص 48، ح 7.
- 7 - أمالي صدوق: ص 95، بحار الأنوار: ج 68، ص 181، ح 35.
- 8 - بحار الأنوار: ج 5، ص 317، ح 16، به نقل از ثواب الأعمال.
- 9 - أمالي طوسي : ج 1، ص 372، بحار الأنوار: ج 63، ص 152، ح 5.
- 10 - أمالي طوسي: ج 1، ص 372، بحار الأنوار: ج 63، ص 155، ح 5.
- 11 - عدّه الدّاعي: ص 85، ص 1، بحار الأنوار: ج 101، ص 73، ح 24.
- 12 - مستدرک الوسائل : ج 16، ص 291، ح 19920.
- 13 - بحار الأنوار: ج 69، ص 68، س 2، ضمن ح 28.
- 14 - محبّه البيضاء: ج 5، ص 144، تنبيه الخواطر: ص 195، س 16.
- 15 - مستدرک الوسائل: ج 3، ص 210، ح 3386.
- 16 - بحار الأنوار: ج 1، ص 96، ح 40.
- 17 - بحار الأنوار: ج 70، ص 13.
- 18 - نزهه الناظر و تنبيه خاطر حلواني: ص 70، ح 65.
- 19 - عدّه الدّاعي: ص 75، س 8، بحار الأنوار: ج 1، ص 205، ح 33.
- 20 - نزهه الناظر و تنبيه خاطر حلواني: ص 52، ح 26.
- 21 - نزهه الناظر و تنبيه خاطر حلواني: ص 46، ح 12.
- 22 - اختصاص شيخ مفيد: ص 189، س 5.
- 23 - وسائل الشَّيعة: ج 16 ص 76 ح 5.
- 24 - وسائل الشَّيعة: ج 1، ص 334، ح 880.
- 25 - وسائل الشَّيعة: ج 18، ص 316، ح 23750.
- 26 - وسائل الشَّيعة: ج 16، ص 270، ح 21539.
- 27 - تحف العقول: ص 120، بحار الأنوار: ج 77، ص 271، ح 1.
- 28 - بحار الأنوار: ج 76، ص 155، ح 36، و ص 229، ح 10.
- 29 - اصول کافی: ج 1، ص 27، بحار الأنوار: ج 1، ص 161، ح 15.
- 30 - تحف العقول: ص 152، بحار الأنوار: ج 78، ص 54، ح 97.
- 31 - خصال : ج 2، ص 170، بحار الأنوار: ج 73، ص 142، ح 18.
- 32 - شرح نهج البلاغه ابن عبده: ج 3، ص 165.
- 33 - شرح نهج البلاغه فيض الاسلام: ص 1193.
- 34 - شرح نهج البلاغه فيض الاسلام: ص 1235.
- 35 - اصول کافی، ج 2، ص 627، ح 2.
- 36 - بحار الأنوار: ج 75، ص 53، ح 10.

- 37 - وسائل الشَّيْعَه: ج 15، ص 23، ح. 19934
- 38 - شرح نهج البلاغه فيض الإسلام: ص. 1183
- 39 - شرح نهج البلاغه ابن عبده: ج 1، ك. 41.
- 40 - شرح نهج البلاغه ابن عبده: ج 3، ص 324.

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله عليها)

1 - قَالَتْ فَاطِمَةُ الرَّهْءَاءِ (سلام الله عليها) : «نَحْنُ وَسَيَلَتُهُ فِي خَلْقِهِ، وَ نَحْنُ خَاصَّتُهُ وَ مَحَلُّ قُدْسِهِ، وَ نَحْنُ حُجَّتُهُ فِي غَيْبِهِ، وَ نَحْنُ وَرَثَتُهُ أَنْبِيَائِهِ».(1)

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله عليها) فرمود: ما اهل بيت پیامبر، وسیله ارتباط خداوند با خلق او هستیم، ما برگزیدگان پاک و مقدس پروردگار می باشیم، ما حجت و راهنما خواهیم بود؛ و ما وارثان پیامبران الهی هستیم.

2 - عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مَسْعُودٍ، قَالَ: «أَتَيْتُ فَاطِمَةَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهَا، فَقُلْتُ: أَيْنَ بَعْلُكَ؟ فَقَالَتْ (عليها السلام): عَرَجَ بِهِ جِبْرِئِيلُ إِلَى السَّمَاءِ، فَقُلْتُ: فِيمَاذَا؟ فَقَالَتْ: إِنَّ نَفَرًا مِنَ الْمَلَائِكَةِ تَشَاجَرُوا فِي شَيْءٍ، فَسَأَلُوا حَكَمًا مِنَ الْأَدَمِيِّينَ، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِمْ أَنْ تَتَخَيَّرُوا، فَاخْتَارُوا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ (عليه السلام)».(2)

عبد الله بن مسعود گوید: روزی بر فاطمه زهراء (عليها السلام) وارد شدم و عرضه داشتم: همسرت کجا است؟ فرمود: همراه جبرائیل به آسمان عروج نموده است، گفتم: برای چه موضوعی؟! فرمود: بین عده ای از ملائکه الهی مشاجره ای شده است؛ و تقاضا کرده اند یک نفر از آدم ها بین ایشان حکم و قضاوت نماید؛ و خداوند به ملائکه وحی فرستاد: خودتان یک نفر را انتخاب نمائید؛ و آن ها هم حضرت علی بن ابی طالب (عليه السلام) را برگزیدند.

3 - قَالَتْ (عليها السلام): «وَهُوَ الْإِمَامُ الرَّبَّانِيُّ، وَالْهَيْكَلُ الثُّورَانِيُّ، قُطْبُ الْأَقْطَابِ، وَسَلَالَةُ الْأَطْيَابِ، النَّاطِقُ بِالصَّوَابِ، نُقْطَةُ دَائِرَةِ الْإِمَامَةِ».(3)

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله عليها) در تعریف امام علی (عليه السلام) فرمود: او پیشوای الهی و ربّانی است، تجسم نور و روشنائی است، مرکز توجه تمامی موجودات و عارفان است، فرزندی پاک از خانواده پاکان می باشد، گوینده ای حقّ گو و هدایتگر است، او مرکز و محور امامت و رهبریّت است.

4 - قَالَتْ (عليها السلام): «أَبُو هَذِهِ الْأُمِّهِ مُحَمَّدٌ وَ عَلِيٌّ، يُقِيمَانِ أَوْدَهُمَ، وَ يُنْقِذَانِ مِنَ الْعَذَابِ الدَّائِمِ إِنْ أَطَاعُوهُمَا، وَ يُبِيحَانِهِمُ النَّعِيمَ الدَّائِمَ إِنْ أَقْفَوْهُمَا».(4)

فرمود: حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) و علی (عليه السلام)، والدین این امت هستند، چنانچه از آن دو پیروی کنند آن ها را از انحرافات دنیوی و عذاب همیشگی آخرت نجات می دهند؛ و از نعمت های متنوع و وافر بهشتی بهره مندشان می سازند.

5 - قَالَتْ (عليها السلام): «مَنْ أَصْعَدَ إِلَى اللَّهِ خَالِصَ عِبَادَتِهِ، أَهْبَطَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ».(5)

فرمود: هرکس عبادات و کارهای خود را خالصانه برای خدا انجام دهد، خداوند بهترین مصلحت ها و برکات خود را برای او تقدیر می نماید.

6 - قَالَتْ (عليها السلام): «إِنَّ السَّعِيدَ كُلَّ السَّعِيدِ، حَقَّ السَّعِيدِ مَنْ أَحَبَّ عَلِيًّا فِي حَيَاتِهِ وَ بَعْدَ مَوْتِهِ».(6)

فرمود: همانا حقیقت و واقعیت تمام سعادت ها و رستگاری ها در دوستی علی (علیه السلام) در زمان حیات و پس از رحلتش خواهد بود.

7 - قَالَتْ (علیها السلام): «إِلَهِي وَ سَيِّدِي، أَسْأَلُكَ بِالَّذِينَ اصْطَفَيْتَهُمْ، وَ بُكَاءٍ وَلَدَيْ فِي مُفَارِقَتِي أَنْ تَغْفِرَ لِعَصَاهِ شِيعَتِي، وَ شِيعَةِ ذُرِّيَّتِي.» (7)

فرمود: خداوند، به حق اولیاء و مقربانی که آن ها را برگزیده ای، و به گریه فرزندانم پس از مرگ و جدائی من با ایشان، از تو می خواهم گناه خطاکاران شیعیان و پیروان ما را ببخشی.

8 - قَالَتْ (علیها السلام): «شِيعَتُنَا مِنْ خِيَارِ أَهْلِ الْجَنَّةِ وَ كُلُّ مُحِبِّينَا وَ مَوَالِي أَوْلِيَانِنَا وَ مُعَادِي أَعْدَائِنَا وَ الْمُسْلِمِ بِقَلْبِهِ وَ لِسَانِهِ لَنَا.» (8)

فرمود: شیعیان و پیروان ما، و همچنین دوستداران اولیاء ما و آنان که دشمن دشمنان ما باشند، نیز آن هائی که با قلب و زبان تسلیم ما هستند بهترین افراد بهشتیان خواهند بود.

9 - قَالَتْ (علیها السلام): «وَاللَّهِ يَابْنَ الْخَطَّابِ لَوْ لَا أَنِّي أَكْرَهُ أَنْ يُصِيبَ الْبَلَاءُ مَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ، لَعَلِمْتُ أَنِّي سَأُقْسِمُ عَلَى اللَّهِ ثُمَّ أَجِدُهُ سَرِيعَ الْأَجَابَةِ.» (9)

حضرت به عمر بن خطاب فرمود: سوگند به خداوند، اگر نمی ترسیدم که عذاب الهی بر بی گناهی، نازل گردد؛ متوجه می شدی که خدا را قسم می دادم و نفرین می کردم. و می دیدی چگونه دعایم سریع مستجاب می گردید.

10 - قَالَتْ (علیها السلام): «وَاللَّهِ! لَا كَلَمْتُكَ أَبَدًا، وَاللَّهِ! لَأَدْعُوَنَّ اللَّهَ عَلَيْكَ فِي كُلِّ صَلَوَةٍ.» (10)

پس از ماجرای هجوم به خانه حضرت، خطاب به ابوبکر کرد و فرمود: به خدا سوگند، دیگر با تو سخن نخواهم گفت، سوگند به خدا، در هر نمازی تو را نفرین خواهم کرد.

11 - قَالَتْ (علیها السلام): «إِنِّي أَشْهَدُ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ، أَنْكُمَا أَسَخَطْتُمَانِي، وَ مَا رَضِيتُمَانِي، وَ لَئِنْ لَقِيتُ النَّبِيَّ لَأَشْكُوَنَّكُمَا إِلَيْهِ.» (11)

هنگامی که ابوبکر و عمر به ملاقات حضرت آمدند فرمود: خدا و ملائکه را گواه می گیرم که شما مرا خشنام کرده و آزرده اید، و مرا راضی نکردید، و چنانچه رسول خدا را ملاقات کنم شکایت شما دو نفر را خواهم کرد.

12 - قَالَتْ (علیها السلام): «لَا تُصَلِّيَ عَلَى أُمِّهِ نَقَضَتْ عَهْدَ اللَّهِ وَ عَهْدَ أَبِي رَسُولِ اللَّهِ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ، وَ ظَلَمُوا لِي حَقِّي، وَ أَخَذُوا إِرْثِي، وَ خَرَقُوا صَحِيفَتِي الَّتِي كَتَبَهَا لِي أَبِي بِمُلْكٍ فَدَك.» (12)

فرمود: افرادی که عهد خدا و پیامبر خدا را درباره امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) شکستند، و در حق من ظلم کرده و ارثیه ام را گرفتند و نامه پدرم را نسبت به فدک پاره کردند، نباید بر جنازه من نماز بگذارند.

13 - قَالَتْ (علیها السلام): «إِلَيْكُمْ عَنِّي، فَلَا عُدْرَ بَعْدَ عَدِيرِكُمْ، وَ الْأَمْرُ بَعْدَ تَقْصِيرِكُمْ، هَلْ تَرَكَ أَبِي يَوْمَ عَدِيرِ حُمٍّ لِأَحَدٍ عُدْوًا.» (13)

خطاب به مهاجرین و انصار کرد و فرمود: از من دور شوید و مرا به حال خود رها کنید، با آن همه بی تفاوتی و سهل انگاری هایتان، عذری برای شما باقی نمانده است. آیا پدرم در روز غدیر خم برای کسی جای عذری باقی گذاشت؟

14 - قَالَتْ (علیها السلام): «جَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيرًا لَكُمْ مِنَ الشَّرِّ، وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيهًا لَكُمْ مِنَ الْكِبَرِ، وَ الزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ، وَ نِمَاءً فِي الرِّزْقِ، وَ الصَّيَامَ تَنْبِيئًا لِلْأَخْلَاصِ، وَ الْحَجَّ تَشْيِيدًا لِلدِّينِ.» (14)

فرمود: خداوند سبحان، ایمان و اعتقاد را برای طهارت از شرک و نجات از گمراهی ها و شقاوت ها قرار داد. و نماز

را برای خضوع و فروتنی و پاکی از هر نوع تکبر، مقرر نمود. و زکات (و خمس) را برای تزکیه نفس و توسعه روزی تعیین نمود. و روزه را برای استقامت و اخلاص در اراده، لازم دانست. و حج را برای استحکام اساس شریعت و بناء دین اسلام واجب نمود.

15 - قَالَتْ (علیها السلام): «يَا أَبَا الْحَسَنِ! إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) عَهَدَ إِلَيَّ وَ حَدَّثَنِي أَنِّي أَوَّلُ أَهْلِهِ لُحُوقًا بِهِ وَ لَا بُدَّ مِنْهُ، فَأَصْبِرْ لِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى وَ ارْضَ بِقَضَائِهِ.» (15)

فرمود: ای ابا الحسن! - همسر من - ، همانا رسول خدا با من عهد بست و اظهار نمود: من اوّل کسی هستم از اهل بیتش که به او ملحق می شوم و چاره ای از آن نیست، پس تو صبر نما و به قضا و مقدرات الهی خوشنود باش.

16 - قَالَتْ (علیها السلام): «مَنْ سَلَّمَ عَلَيْهِ أَوْ عَلَيَّ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أُوجِبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ، قُلْتُ لَهَا: فِي حَيَاتِهِ وَ حَيَاتِكَ؟ قَالَتْ: نَعَمْ وَ بَعْدَ مَوْتِنَا.» (16)

فرمود: هر که بر پدرم - رسول خدا - و بر من به مدّت سه روز سلام کند خداوند بهشت را برای او واجب می گرداند. راوی گوید: عرضه داشتم: آیا در زمان حیات و زنده بودن؟ فرمود: چه در زمان حیات ما باشد؛ و یا پس از مرگ.

17 - قَالَتْ (علیها السلام): «مَا صَنَعَ أَبُو الْحَسَنِ إِلَّا مَا كَانَ يَنْبَغِي لَهُ، وَ لَقَدْ صَنَعُوا مَا اللَّهُ حَسْبُهُمْ وَ طَالِبُ هُمْ.» (17)

فرمود: آنچه را امام علی (علیه السلام) - نسبت به دفن رسول خدا و جریان بیعت - انجام داد، وظیفه الهی او بوده است، و آنچه را دیگران انجام دادند خداوند آن ها را محاسبه و مجازات می نماید.

18 - قَالَتْ (علیه السلام): «خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالُ.» (18)

فرمود: بهترین چیز برای حفظ شخصیت زن آن است که مردی را نبیند و نیز مورد مشاهده مردان قرار نگیرد.

19 - قَالَتْ (علیها السلام): «أُوصِيكَ يَا أَبَا الْحَسَنِ أَنْ لَا تَنْسَانِي، وَ تَزُورَنِي بَعْدَ مَمَاتِي.» (19)

ضمن وصیّتی به همسرش اظهار داشت: مرا پس از مرگم فراموش نکن؛ و به زیارت و دیدار من - بر سر قبرم - بیا.

20 - قَالَتْ (علیها السلام): «إِنِّي قَدِ اسْتَقْبَحْتُ مَا يُصْنَعُ بِالنِّسَاءِ، إِنَّهُ يُطْرَحُ عَلَى الْمَرْثَةِ الثَّوبُ فَيُصَفُّهَا لِمَنْ رَأَى، فَلَا تَحْمِلْنِي عَلَى سَرِيرِ ظَاهِرٍ، أَسْتُرْنِي، سَتَرَكَ اللَّهُ مِنَ النَّارِ.» (20)

در آخرین روزهای عمر پر برکتش ضمن وصیّتی به اسماء فرمود: من بسیار زشت و زننده می دانم که جنازه زنان را پس از مرگ با انداختن پارچه ای روی بدنش تشییع می کنند. و افرادی اندام و حجم بدن او را مشاهده کرده و برای دیگران تعریف می نمایند. مرا بر تخت - و بلانکاردی - که اطرافش پوشیده نیست و مانع مشاهده دیگران نباشد قرار مده - بلکه مرا با پوشش کامل تشییع کن - ، خداوند تو را از آتش جهنّم مستور و محفوظ نماید.

21 - قَالَتْ (علیها السلام): «... إِنْ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَإِنِّي أَرَاهُ، وَ هُوَ يَشْمُ الرِّيحَ.» (21)

مرد نابینائی وارد منزل شد و حضرت زهراء (علیها السلام) پنهان گشت، وقتی رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) علّت آن را جویا شد در پاسخ پدر اظهار داشت: اگر آن نابینا مرا نمی بیند، من او را می بینم، دیگر آن که مرد، حسّاس است و بوی زن را استشمام می کند.

22 - قَالَتْ (علیها السلام): «أَصْبَحْتُ وَ اللَّهُ! عَاتِقَهُ لِدُنْيَاكُمْ، قَالِيَهُ لِرَجَالِكُمْ.» (22)

بعد از جریان غصب فدک و احتجاج حضرت، بعضی از زنان مهاجر و انصار به منزل حضرت آمدند و احوال وی را جویا شدند، حضرت در پاسخ فرمود: به خداوند سوگند، دنیا را آزاد کردم و هیچ علاقه ای به آن ندارم، همچنین دشمن و مخالف مردان شما خواهم بود.

23 - قَالَتْ (علیها السلام): «إِنْ كُنْتَ تَعْمَلُ بِمَا أَمَرْنَاكَ وَتَنْتَهِي عَمَّا زَجَرْنَاكَ عَنْهُ، قَأْنَتْ مِنْ شِيعَتِنَا، وَ إِلَّا فَلَا». (23)
فرمود: اگر آنچه را که ما - اهل بیت عصمت و طهارت - دستور داده ایم عمل کنی و از آنچه نهی کرده ایم خودداری نمایی، تو از شیعیان ما هستی وگرنه، خیر.

24 - قَالَتْ (علیها السلام): «حُبِّبَ إِلَيَّ مِنْ دُنْيَاكُمْ ثَلَاثٌ: تِلَاوَةُ كِتَابِ اللَّهِ، وَالنَّظَرُ فِي وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ، وَالْإِنْفَاقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». (24)

فرمود: سه چیز از دنیا برای من دوست داشتنی است: تلاوت قرآن، نگاه به صورت رسول خدا؛ و انفاق و کمک - به نیازمندان - در راه خداوند متعال.

25 - قَالَتْ (علیها السلام): «أَوْصِيكَ أَوَّلًا أَنْ تَتَزَوَّجَ بَعْدِي بِابْنَةِ أَخْتِي أُمَامَةَ، فَإِنَّهَا تَكُونُ لَوْلَدِي مِثْلِي، فَإِنَّ الرِّجَالَ لَا بُدَّ لَهُمْ مِنَ النِّسَاءِ». (25)

در آخرین لحظات عمرش به همسر خود چنین سفارش نمود: پس از من با دختر خواهرم أمامه ازدواج نما، چون که او نسبت به فرزندانم مانند خودم دلسوز و متدین است. همانا مردان در هر حال، نیازمند به زن می باشند.

26 - قَالَتْ (علیها السلام): «الزَّمْ رِجْلَهَا، فَإِنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ أَقْدَامِهَا، وَ الزَّمْ رِجْلَهَا فَتَمَّ الْجَنَّةَ». (26)

فرمود: همیشه در خدمت مادر و پای بند او باش، چون بهشت زیر پای مادران است؛ و نتیجه آن نعمت های بهشتی خواهد بود.

27 - قَالَتْ (علیها السلام): «مَا يَصْنَعُ الصَّائِمُ بِصِيَامِهِ إِذَا لَمْ يَصُنْ لِسَانَهُ وَ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ وَ جَوَارِحَهُ». (27)

فرمود: روزه داری که زبان و گوش و چشم و دیگر اعضا و جوارح خود را کنترل ننماید هیچ سودی از روزه خود نمی برد.

28 - قَالَتْ (علیها السلام): «الْبُشْرَى فِي وَجْهِ الْمُؤْمِنِ يُوجِبُ لِصَاحِبِهِ الْجَنَّةَ، وَ بُشْرَى فِي وَجْهِ الْمُعَانِدِ يَقِي صَاحِبَهُ عَذَابَ النَّارِ». (28)

فرمود: تبسم و شادمانی در برابر مؤمن موجب دخول در بهشت خواهد گشت، و نتیجه تبسم در مقابل دشمنان و مخالفان سبب ایمنی از عذاب خواهد بود.

29 - قَالَتْ (علیها السلام): «لَا يَلُومَنَّ امْرَأٌ إِلَّا نَفْسَهُ، يَبِيتُ وَ فِي يَدِهِ رِيحُ عَمَرٍ». (29)

فرمود: کسی که بعد از خوردن غذا، دست های خود را نشوید دست هایش آلوده باشد، - چنانچه ناراحتی برایش بوجود آید - کسی جز خودش را سرزنش نکند.

30 - قَالَتْ (علیها السلام): «أَصْعَدْ عَلَى السَّطْحِ، فَإِنْ رَأَيْتَ نِصْفَ عَيْنِ الشَّمْسِ قَدْ تَدَلَّى لِلْغُرُوبِ فَأَعْلِمْنِي حَتَّى أَدْعُو». (30)

روز جمعه نزدیک غروب آفتاب به غلام خود می فرمود: بالای پشت بام برو، هر موقع نصف خورشید غروب کرد مرا خبر کن تا برای خود - و دیگران - دعا کنم.

31 - قَالَتْ (علیها السلام): «إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً وَلَا يُبَالِي». (31)

فرمود: همانا خداوند متعال تمامی گناهان بندگان را می آمرزد و از کسی باکی نخواهد داشت.

32 - قَالَتْ (علیها السلام): «الرَّجُلُ أَحَقُّ بِصَدْرٍ دَابَّتِهِ، وَ صَدْرٍ فَرَّاشِهِ، وَالصَّلَاةُ فِي مَنْزِلِهِ إِلَّا الْأَمَامَ يَجْتَمِعُ النَّاسُ عَلَيْهِ». (32)

فرمود: هر شخصی نسبت به مرکب سواری، و فرش منزل خود و برگزاری نماز در آن از دیگری در اُلویّت است، مگر آن که دیگری امام جماعت باشد و مردم بخواهند با او نماز جماعت را إقامة نمایند.

33 - قَالَتْ (عليها السلام): «يَا أَبَه، ذَكَرْتُ الْمَحْشَرَ وَوُقُوفَ النَّاسِ عُرَاهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَاسْوَأَتُهُ يَوْمَئِذٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ». (33)

اظهار داشت: ای پدر، من به یاد روز قیامت افتادم که مردم چگونه در پیشگاه خداوند با حالت برهنه خواهند ایستاد - و فریاد رسی ندارد، جز اعمال و علاقه نسبت به اهل بیت (علیهم السلام) -.

34 - قَالَتْ (عليها السلام): «إِذَا حُشِرْتُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، أَشْفَعُ عَصَاهُ أُمِّهِ النَّبِيِّ». (34)

فرمود: هنگامی که در روز قیامت برانگیخته و محشور شوم، خطاکاران امت پیامبر (صلی الله علیه وآله وسلم)، را شفاعت می نمایم.

35 - قَالَتْ (عليها السلام): «فَأَكْثَرُ مِنْ تِلَاوَةِ الْقُرْآنِ، وَالِدُعَاءِ، فَإِنَّهَا سَاعَةٌ يَحْتَاجُ الْمَيِّتُ فِيهَا إِلَى أَنْسِ الْأَحْيَاءِ». (35)

ضمن وصیّتی به امام علی (علیه السلام) اظهار نمود: پس از آن که مرا دفن کردی، برایم قرآن را بسیار تلاوت نما، و برایم دعا کن، چون که میّت در چنان موقعیّتی بیش از هر چیز نیازمند به انس با زندگان می باشد.

36 - قَالَتْ (عليها السلام): «يَا أَبَا الْحَسَنِ، إِنِّي لَأَسْتَحْيِي مِنَ إِلَهِي أَنْ أَكَلِّفَ نَفْسَكَ مَا لَا تَقْدِرُ عَلَيْهِ». (36)

خطاب به همسرش امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) کرد و اظهار نمود: من از خدای خود شرم دارم که از تو چیزی را در خواست نمایم و تو توان تهیه آنرا نداشته باشی.

37 - قَالَتْ (عليها السلام): «خَابَتْ أُمُّهُ فَتَلَّتْ ابْنَ بِنْتِ نَبِيِّهَا». (37)

فرمود: رستگار و سعادتمند نخواهند شد آن گروهی که فرزند پیامبر خود را به قتل رسانند.

38 - قَالَتْ (عليها السلام): «... وَ النَّهْيُ عَنِ شَرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهًا عَنِ الرَّجْسِ، وَاجْتِنَابُ الْقَذْفِ حِجَابًا عَنِ اللَّعْنَةِ، وَ تَرْكُ السَّرْقَةِ إِجَابًا لِلْعَفَةِ». (38)

فرمود: خداوند متعال منع و نهی از شرابخواری را جهت پاکی جامعه از زشتی ها و جنایت ها؛ و دوری از تهمت ها و نسبت های ناروا را مانع از غضب و نفرین قرار داد؛ و دزدی نکردن، موجب پاکی جامعه و پاکدامنی افراد می گردد.

39 - قَالَتْ (عليها السلام): «وَحَرَّمَ - اللَّهُ - الشِّرْكَ إِخْلَاصًا لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ، فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ، وَ لَا تَمُوتُوا إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ، وَ أَطِيعُوا اللَّهَ فِيمَا أَمَرَكُمْ بِهِ، وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ، فَإِنَّهُ، إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ». (39)

فرمود: خداوند سبحان شرک را (در امور مختلف) حرام گرداند تا آن که همگان تن به ربوبیت او در دهند و به سعادت نائل آیند؛ پس آن طوری که شایسته است باید تقوای الهی داشته باشید و کاری کنید تا با اعتقاد به دین اسلام از دنیا بروید. بنابر این باید اطاعت و پیروی کنید از خداوند متعال در آنچه شما را به آن دستور داده یا از آن نهی کرده است، زیرا که تنها علماء و دانشمندان (اهل معرفت) از خدای سبحان خوف و وحشت خواهند داشت.

40 - قَالَتْ (عليها السلام): «أَمَّا وَاللَّهِ، لَوْ تَرَكُوا الْحَقَّ عَلَى أَهْلِهِ وَ اتَّبَعُوا عِثْرَةَ نَبِيِّهِ، لَمَا اخْتَلَفَ فِي اللَّهِ أَثْنَانِ، وَ لَوَرَّثَهَا سَلَفٌ عَنْ سَلَفٍ، وَ خَلَفٌ بَعْدَ خَلَفٍ، حَتَّى يَقُومَ قَائِمُنَا، التَّاسِعُ مِنْ وَلَدِ الْحُسَيْنِ (عليه السلام)». (40)

فرمود: به خدا سوگند، اگر حق - یعنی خلافت و امامت - را به اهلش سپرده بودند؛ و از عترت و اهل بیت پیامبر صلوات الله علیهم پیروی و متابعت کرده بودند حتی دو نفر هم با یکدیگر درباره خدا - و دین - اختلاف نمی کردند. و مقام خلافت و امامت توسط افراد شایسته یکی پس از دیگری منتقل می گردید و در نهایت تحویل قائم آل محمد (عجل الله فرجه الشریف) ، و صلوات الله علیهم اجمعین می گردید که او نهمین فرزند از حسین (علیه السلام) می باشد.

پاورقی ها :

- 1 - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحديد: ج 16، ص 211.
- 2 - اختصاص شیخ مفید: ص 213، س 7، بحار الأنوار: ج 37، ص 150، ح 15.
- 3 - ریاحین الشریعه: ج 1، ص 93.
- 4 - تفسیر الإمام العسکری (علیه السلام): ص 330، ح 191، بحار الأنوار: ج 23، ص 259، ح 8.
- 5 - تنبيه الخواطر معروف به مجموعه ورام: ص 108 و 437، بحار: ج 67، ص 249، ح 25.
- 6 - شرح نهج البلاغه ابن ابی الحديد: ج 2، ص 449 مجمع الزوائد: ج 9، ص 132.
- 7 - کوكب الدرّی: ج 1، ص 254.
- 8 - بحار الأنوار: ج 68، ص 155، س 20، ضمن ح 11.
- 9 - اصول کافی: ج 1، ص 460، بیت الأحزان: ص 104، بحار الأنوار: ج 28، ص 250، ح 30.
- 10 - صحیح مسلم: ج 2، ص 72، صحیح بخاری: ج 6، ص 176.
- 11 - بحار الأنوار: ج 28، ص 303، صحیح مسلم: ج 2، ص 72، بخاری: ج 5، ص 5.
- 12 - بیت الأحزان: ص 113، كشف الغمّه: ج 2، ص 494.
- 13 - خصال: ج 1، ص 173، احتجاج: ج 1، ص 146.
- 14 - ریاحین الشریعه: ج 1، ص 312، فاطمه الزّهراء (علیها السلام): ص 360، قطعه ای از خطبه طولانی و معروف آن مظلومه در جمع مهاجرین و انصار.
- 15 - بحار الأنوار: ج 43، ص 200، ح 30.
- 16 - بحار الأنوار: ج 43، ص 185، ح 17.
- 17 - الإمامه والسیاسه: ص 30، بحار الأنوار: ج 28، ص 355، ح 69.
- 18 - بحار الأنوار: ج 43، ص 54، ح 48.
- 19 - زهره الریاض - کوكب الدرّی: ج 1، ص 253.
- 20 - تهذیب الأحکام: ج 1، ص 429، كشف الغمّه: ج 2، ص 67، بحار: ج 43، ص 189، ح 19.
- 21 - بحار الأنوار: ج 43، ص 91، ح 16، إحقاق الحقّ: ج 10، ص 258.
- 22 - دلائل الإمامه: ص 128، ح 38، معانی الأخبار: ص 355، ح 2.
- 23 - تفسیر الإمام العسکری (علیه السلام): ص 320، ح 191.
- 24 - وقایع الایام خیابانی، جلد صیام، ص 295.
- 25 - بحار الأنوار: ج 43، ص 192، ح 20، أعیان الشّیعه: ج 1، ص 321.
- 26 - کنز العمال: ج 16، ص 462، ح 45443.
- 27 - مستدرک الوسائل: ج 7، ص 336، ح 2، بحار الأنوار: ج 93، ص 294، ح 25.
- 28 - تفسیر الإمام العسکری (علیه السلام): ص 354، ح 243، مستدرک الوسائل: ج 12، ص 262، بحار الأنوار: ج 72، ص 401، ح 43.
- 29 - کنز العمال: ج 15، ص 242، ح 40759.
- 30 - دلائل الإمامه: ص 71، س 16، معانی الأخبار: ص 399، ضمن ح 9.

- 31 - تفسیر التَّبَّیان: ج 9، ص 37، س 16.
- 32 - مجمع الزَّوائد: ج 8، ص 108، مسند فاطمه: ص 33 و 52.
- 33 - كشف الغمَّة: ج 2، ص 57، بحار الأنوار: ج 8، ص 53، ح 62.
- 34 - إحقاق الحقِّ: ج 19، ص 129.
- 35 - بحارالأنوار: ج 79، ص 27، ضمن ح 13.
- 36 - أمالی شیخ طوسی: ج 2، ص 228.
- 37 - مدینه المعاجز: ج 3، ص 430.
- 38 - ریاحین الشَّریعه: ج 1، ص 312، فاطمه الزهراء (علیها السلام): ص 360، قطعه ای از خطبه طولانی و معروف آن مظلومه.
- 39 - همان مدرک قبل.
- 40 - الإمامه والتبصرة: ص 1، بحارالأنوار: ج 36، ص 352، ح 224.

حضرت امام حسن مجتبی (علیه السلام)

- 1 - قَالَ الْإِمَامُ الْحَسَنُ الْمُجْتَبَى (عَلَيْهِ السَّلَام): «يَا ابْنَ آدَمَ! عَفَّ عَنِ مَحَارِمِ اللَّهِ تَكُنْ عَابِدًا، وَ اَرْضَ بِمَا قَسَمَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لَكَ تَكُنْ غَنِيًّا، وَ أَحْسِنْ جَوَارَ مَنْ جَاوَزَكَ تَكُنْ مُسْلِمًا، وَ صَاحِبِ النَّاسِ بِمِثْلِ مَا تُحِبُّ أَنْ يُصَاحِبُوكَ بِهِ تَكُنْ عَدْلًا».(1)
- امام حسن مجتبی (علیه السلام) فرمود: ای فرزند آدم! نسبت به محرّمات الهی عفی و پاکدامن باش تا عابد و بنده خدا باشی. راضی باش بر آنچه که خداوند سبحان برایت تقسیم و مقدّر نموده است، تا همیشه غنی و بی نیاز باشی. نسبت به همسایگان، دوستان و همنشینان خود نیکی و احسان نما تا مسلمان محسوب شوی. با افراد (مختلف) آنچنان بر خورد کن که انتظار داری دیگران همانگونه با تو بر خورد نمایند.
- 2 - قَالَ (علیه السلام): «وَ نَحْنُ رِيحَانَتَا رَسُولِ اللَّهِ، وَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ، فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ يَتَقَدَّمُ، أَوْ يُقَدِّمُ عَلَيْنَا أَحَدًا».(2)
- امام حسن مجتبی (علیه السلام) به دنباله وصیّتش در حضور جمعی از أصحاب فرمود: و ما دو نفر - یعنی حضرت و برادرش امام حسین (علیهما السلام) - ریحانه رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) و دو سرور جوانان اهل بهشت هستیم، پس خدا لعنت کند کسی را که بر ما پیشقدم شود یا دیگری را بر ما مقدّم دارد.
- 3 - قَالَ (علیه السلام): «وَ إِنْ حُبَّنَا لَيَسَاقِطُ الذُّنُوبُ مِنْ بَنِي آدَمَ، كَمَا يُسَاقِطُ الرِّيحُ الْوَرَقَ مِنَ الشَّجَرِ».(3)
- فرمود: همانا محبّت و دوستی با ما (اهل بیت رسول الله (صلی الله علیه وآله)) سبب ریزش گناهان - از نامه اعمال - می شود، همان طوری که وزش باد، برگ درختان را می ریزد.
- 4 - قَالَ (علیه السلام): «لَقَدْ فَارَقَكُمْ رَجُلٌ بِالْأَمْسِ لَمْ يَسْبِقْهُ الْأَوَّلُونَ، وَ لَا يَذُرُّهُ الْآخِرُونَ».(4)
- پس از شهادت پدرش امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)، در جمع اصحاب فرمود: شخصی از میان شماها رفت که در گذشته مانند او نیامده است، و کسی در آینده نمی تواند هم تراز او قرار گیرد.

5 - قَالَ (عليه السلام): «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ كَانَتْ لَهُ دَعْوَةٌ مُجَابَةٌ، إِمَّا مُعْجَلَةٌ وَإِمَّا مُؤَجَّلَةٌ». (5)

فرمود: کسی که قرآن را - با دقت - قرائت نماید، در پایان آن - اگر مصلحت باشد - دعایش سریع مستجاب خواهد شد - و اگر مصلحت نباشد - در آینده مستجاب می گردد.

6 - قَالَ (عليه السلام): «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ فِيهِ مَصَابِيحُ التَّوْرِ وَشِفَاءُ الصُّدُورِ». (6)

فرمود: همانا در این قرآن چراغ های هدایت به سوی نور و سعادت موجود است و این قرآن شفای دل ها و سینه ها است.

7 - قَالَ (عليه السلام): «مَنْ صَلَّى، فَجَلَسَ فِي مُصَلَّاهُ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ كَانَ لَهُ سِتْرًا مِنَ النَّارِ». (7)

فرمود: هر که نماز - صبح - را به خواند و در جایگاه خود بنشیند تا خورشید طلوع کند، برایش پوششی از آتش خواهد بود.

8 - قَالَ (عليه السلام): «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ مِصْمَارًا لِيَخْلُقَهُ، فَيَسْتَبِقُونَ فِيهِ بِطَاعَتِهِ إِلَى مَرْضَاتِهِ، فَسَبَقَ قَوْمٌ فَفَازُوا، وَقَصَرَ آخَرُونَ فَخَابُوا». (8)

فرمود: خداوند متعال ماه رمضان را برای بندگان خود میدان مسابقه قرار داد. پس عده ای در آن ماه با اطاعت و عبادت به سعادت و خوشنودی الهی از یکدیگر سبقت خواهند گرفت و گروهی از روی بی توجهی و سهل انگاری خسارت و ضرر می نمایند.

9 - قَالَ (عليه السلام): «مَنْ أَدَامَ الْأَخْتِلَافَ إِلَى الْمَسْجِدِ أَصَابَ إِحْدَى ثَمَانٍ: آيَةٌ مُحْكَمَةٌ، أَخَا مُسْتَفَادًا، وَعِلْمًا

مُسْتَطَرَفًا، وَرَحْمَةً مُنْتَظَرَةً، وَكَلِمَةً تَذُلُّهُ عَلَى الْهُدَى، أَوْ تَرْذُهُ عَنِ الرَّدَى، وَتَرْكُ الذُّنُوبِ حَيَاءً أَوْ حَشْيَةً». (9)

فرمود: هرکس جایگاه - عبادات - خود را در مسجد قرار دهد یکی از هشت فایده شاملش می گردد: برهان و نشانه ای - برای معرفت -، دوست و برادری سودمند، دانش و اطلاعاتی جامع، رحمت و محبت عمومی، سخن و مطلبی که او را هدایت گر باشد، - توفیق اجباری - در ترک گناه به جهت شرم از مردم و یا به جهت ترس از عقاب.

10 - قَالَ (عليه السلام): «مَنْ أَكْثَرَ مُجَالِسَةَ الْعُلَمَاءِ أَطْلَقَ عِقَالَ لِسَانِهِ، وَفَتَّقَ مَرَاتِقَ ذَهْنِهِ، وَ سَرَّ مَا وَجَدَ مِنَ

الزِّيَادَةِ فِي نَفْسِهِ، وَكَانَتْ لَهُ وَلَايَةٌ لِمَا يَعْلَمُ، وَ إِفَادَةٌ لِمَا تَعْلَمُ». (10)

فرمود: هر که با علماء بسیار مجالست نماید، سخنش و بیانش در بیان حقایق آزاد و روشن خواهد شد، و ذهن و اندیشه اش باز و توسعه می یابد و بر معلوماتش افزوده می گردد و به سادگی می تواند دیگران را هدایت نماید.

11 - قَالَ (عليه السلام): «تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ، فَإِنْ لَمْ تَسْتَطِيعُوا حِفْظَهُ فَاكْتُبُوهُ وَ صُغُوهُ فِي بُيُوتِكُمْ». (11)

فرمود: علم و دانش را - از هر طریقی - فرا گیرید، و چنانچه نتوانستید آنرا در حافظه خود نگه دارید، ثبت کنید و بنویسید و در منازل خود در جای مطمئن قرار دهید.

12 - قَالَ (عليه السلام): «مَنْ عَرَفَ اللَّهَ أَحَبَّهُ، وَ مَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا زَهَدَ فِيهَا». (12)

فرمود: هرکس خدا را بشناسد، (در عمل و گفتار) او را دوست دارد و کسی که دنیا را بشناسد آن را رها خواهد کرد.

13 - قَالَ (عليه السلام): «هَلَاكُ الْمَرْءِ فِي ثَلَاثٍ: الْكِبَرُ، وَالْحِرْصُ، وَالْحَسَدُ؛ فَالْكِبَرُ هَلَاكُ الدِّينِ، وَبِهِ لُعِنَ إِبْلِيسُ.

وَالْحِرْصُ عَدُوُّ النَّفْسِ، وَبِهِ خَرَجَ آدَمُ مِنَ الْجَنَّةِ. وَالْحَسَدُ رَائِدُ السُّوءِ، وَمِنْهُ قَتَلَ قَابِيلُ هَابِيلَ». (13)

فرمود: هلاکت و نابودی دین و ایمان هر شخص در سه چیز است: تکبر، حرص، حسد. تکبر سبب نابودی دین و ایمان شخص می باشد و به وسیله تکبر شیطان - با آن همه عبادت ملعون گردید. حرص و طمع دشمن شخصیت انسان است، همان طوری که حضرت آدم (علیه السلام) به وسیله آن از بهشت خارج شد. حسد سبب

همه خلاف ها و زشتی ها است و به همان جهت قابیل برادر خود هابیل را به قتل رساند.

14 - قَالَ (عليه السلام): «بَيْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ أَرْبَعُ أَصَابِعٍ، مَا رَأَيْتَ بَعْثِيكَ فَهُوَ الْحَقُّ وَقَدْ تَسَمَّعُ بِأَذْنِيكَ بِاطِلًا كَثِيرًا».(14)

فرمود: بین حق و باطل چهار انگشت فاصله است، آنچه که را با چشم خود ببینی حق است؛ و آنچه را شنیدی یا آن که برایت نقل کنند چه بسا باطل باشد.

15 - قَالَ (عليه السلام): «أَلْعَارُ أَهْوَنُ مِنَ النَّارِ».(15)

فرمود: سرزنش و ننگ شمردن مردم انسان را، آسان تر است از معصیت و گناهی که موجب آتش جهنم شود.

16 - قَالَ (عليه السلام): «إِذَا لَقِيَ أَحَدُكُمْ أَخَاهُ فَلْيَقْبَلْ مَوْضِعَ الثُّورِ مِنْ جَبْهَتِهِ».(16)

فرمود: وقتی انسان برادر مؤمن - و دوست - خود را ملاقات نمود، باید پیشانی و سجده گاه او را ببوسد.

17 - قَالَ (عليه السلام): «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَخْلُقْكُمْ عَبَثًا، وَلَيْسَ بِتَارِكِكُمْ سُدًى، كَتَبَ آجَالَكُمْ، وَقَسَمَ بَيْنَكُمْ مَعَائِشَكُمْ، لِيَعْرِفَ كُلُّ ذِي لُبٍّ مَنَزِلَتَهُ، وَأَنَّ مَا قَدَرَ لَهُ أَصَابَهُ، وَمَا صُرِفَ عَنْهُ فَلَنْ يُصِيبَهُ».(17) «وَقَالَ: مَنْ عَبَدَ اللَّهَ، عَبَدَ اللَّهَ لَهُ كُلَّ شَيْءٍ».(18)

فرمود: خداوند شما انسان ها را بیهوده و بدون غرض نیافریده و شما را آزاد، رها نکرده است. لحظات آخر عمر هر یک معین و ثبت می باشد، نیازمندی ها و روزی هرکس سهمیه بندی و تقسیم شده است تا آن که موقعیت و منزلت شعور و درک اشخاص شناخته گردد. و نیز فرمود: هر کسی که خداوند را عبادت و اطاعت کند، خدای متعال همه چیزها را مطیع او گرداند.

18 - قَالَ (عليه السلام) لِبَعْضِ وَلَدِهِ: «يَا بُنَيَّ! لَا تُؤَاخِ أَحَدًا حَتَّى تَعْرِفَ مَوَارِدَهُ وَ مَصَادِرَهُ، فَإِذَا اسْتَنْبَطْتَ الْخَبْرَةَ، وَ رَضِيتَ الْعِشْرَةَ، فَآخِهِ عَلَى إِقَالَةِ الْعَثْرَةِ، وَ الْمَوَاسَاهِ فِي الْعُسْرَةِ».(19)

به بعضی از فرزندان فرمود: ای پسر! با کسی دوستی و برادری بر قرار نکن مگر آن که او را از هر جهت بشناسی و مورد اطمینان باشد، پس هنگامی که چنین فردی را یافتی در همه امور با او باش.

19 - سُئِلَ (عليه السلام): «عَنِ الْبُخْلِ؟ فَقَالَ: هُوَ أَنْ يَرَى الرَّجُلُ مَا أَنْفَقَهُ تَلْفًا، وَمَا أَمْسَكَهُ شَرْفًا».(20)

از حضرت پیرامون بخل سؤال شد؟ در جواب فرمود: معنای آن چنین است که انسان آنچه را به دیگری کمک و انفاق کند فکر نماید که از دست داده و تلف شده است و آنچه را ذخیره کرده و نگه داشته است خیال کند برایش باقی می ماند و موجب شخصیت و شرافت او خواهد بود.

20 - قَالَ (عليه السلام): «تَرَكَ الزَّانَا، وَكُنُسَ الْفِنَاءِ، وَغَسَلَ الْأَنَاءَ مَجْلَبَةً لِلْغِنَاءِ».(21)

فرمود: انجام ندادن زنا، جاروب و نظافت کردن راهرو و درب منزل، و شستن ظروف سبب رفاه و بی نیازی می گردد.

21 - قَالَ (عليه السلام): «السِّيَاسَةُ أَنْ تَرعى حُقُوقَ اللَّهِ، وَحُقُوقَ الْأَحْيَاءِ، وَحُقُوقَ الْأَمْوَاتِ».(22)

فرمود: - مفهوم و معنای - سیاست آن است که حقوق خداوند و حقوق موجودات زنده و حقوق مردگان را رعایت کنی.

22 - قَالَ (عليه السلام): «مَا تَشَاوَرَ قَوْمٌ إِلَّا هُدُوا إِلَى رُشْدِهِمْ».(23)

فرمود: هیچ گروهی در کارهای - اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ... - با یکدیگر مشورت نکرده اند مگر آن که به رشد فکری و عملی و ... رسیده اند.

23 - قَالَ (عليه السلام): «الْخَيْرُ الَّذِي لَا شَرَفِيهِ: الشُّكْرُ مَعَ النِّعَمِ، وَالصَّبْرُ عَلَى النَّازِلَةِ».(24)

فرمود: آن خوبی که شرّ و آفتی در آن نباشد شکر در مقابل نعمت ها و صبر و شکیبائی در برابر سختی ها است.

24 - قَالَ (عليه السلام): «يَا بَنَ آدَمَ! لَمْ تَزَلْ فِي هَذِهِ عُمْرِكَ مُنْذُ سَقَطْتَ مِنْ بَطْنِ أُمِّكَ، فَخُذْ مِمَّا فِي يَدَيْكَ لِمَا بَيْنَ يَدَيْكَ، فَإِنَّ الْمُؤْمِنَ بَتَزَوُّدٍ وَ الْكَافِرُ يَتَمَتَّعُ».(25)

فرمود: ای فرزند آدم از موقعی که به دنیا آمده ای، در حال گذراندن عمرت هستی، پس از آنچه داری برای آینده ات (قبر و قیامت) ذخیره نما، همانا که مؤمن در حال تهیّه زاد و توشه می باشد؛ ولیکن کافر در فکر لذّت و آسایش است.

25 - قَالَ (عليه السلام): «إِنَّ مَنْ خَوَّفَكَ حَتَّى تَبْلُغَ الْأَمْنَ، خَيْرٌ مِمَّنْ يُؤْمِنُكَ حَتَّى تَلْتَقِيَ الْخَوْفَ».(26)

فرمود: همانا کسی تو را - در برابر عیب ها و کم بودها - هشدار دهد تا آگاه و بیدار شوی، بهتر است از آن کسی که فقط تو را تعریف و تمجید کند تا بر عیب هایت افزوده گردد.

26 - قَالَ (عليه السلام): «الْقَرِيبُ مَنْ قَرَّبَتْهُ الْمَوَدَّةُ وَإِنْ بَعْدَ نَسْبِهِ، وَالْبَعِيدُ مَنْ بَاعَدَتْهُ الْمَوَدَّةُ وَإِنْ قَرَّبَ نَسْبُهُ».(27)

فرمود: بهترین دوست نزدیک به انسان، آن کسی است که در تمام حالات دلسوز و با محبّت باشد گرچه خویشاوندی نزدیکی هم نداشته باشد. و بیگانه ترین افراد کسی است که از محبّت و دلسوزی بیگانه باشد گرچه از نزدیک ترین خویشاوندان باشد.

27 - وَ سُئِلَ عَنِ الْمُرُوءَةِ؟ فَقَالَ (عليه السلام): «شُحُّ الرَّجُلِ عَلَى دِينِهِ، وَإِصْلَاحُهُ مَالَهُ، وَقِيَامُهُ بِالْحَقُوقِ».(28)

از حضرت (علیها السلام) پیرامون مُرُوت و جوانمردی سؤال شد، فرمود: جوانمرد کسی است که در نگهداری دین و عمل به آن تلاش نماید، در اصلاح اموال و ثروت خود همت گمارد، و در رعایت حقوق طبقات مختلف پا بر جا باشد.

28 - قَالَ (عليه السلام): «عَجِبْتُ لِمَنْ يُفَكِّرُ فِي مَأْكُولِهِ كَيْفَ لَا يَفَكِّرُ فِي مَعْقُولِهِ، فَيَجْنِبُ بَطْنَهُ مَا يُؤْذِيهِ، وَيُودِّعُ صَدْرَهُ مَا يُزْدِيهِ».(29)

فرمود: تعجّب می کنم از کسی که در فکر خوراک و تغذیه جسم و بدن هست ولی درباره تغذیه معنوی روحی خود نمی اندیشد، پس از غذاهای فاسد شده و خراب دوری می کند. و عقل و قلب و روح خود را کاری ندارد - هر چه و هر مطلب و برنامه ای به هر شکل و نوعی باشد استفاده می کند - .

29 - قَالَ (عليه السلام): «غَسَلَ الْيَدَيْنِ قَبْلَ الطَّعَامِ يُنْفِي الْفَقْرَ، وَبَعْدَهُ يُنْفِي الْهَمَّ».(30)

فرمود: شستن دست ها قبل از طعام فقر و تنگدستی را می زداید و بعد از آن ناراحتی ها و آفات را از بین می برد.

30 - قَالَ (عليه السلام): «حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ».(31)

فرمود: کسی که عادت سؤال و حالت پرس و جو دارد مثل آن است که نصف علم ها را فرا گرفته باشد.

31 - قَالَ (عليه السلام): «إِنَّ الْجِلْمَ زِينَةً، وَالْوَفَاءَ مَرْوَةً، وَالْعَجَلَةَ سَفَهَةً».(32)

فرمود: صبر و شکیبائی زینت شخص، وفای به عهد علامت جوانمردی، و عجله و شتابزدگی (در کارها بدون اندیشه) دلیل بی خردی می باشد.

32 - قَالَ (عليه السلام): «مَنْ اسْتَخَفَّ بِإِخْوَانِهِ فَسَدَتْ مَرْوَتُهُ».(33)

فرمود: کسی که دوستان و برادرانش را سبک شمارد و نسبت به آن ها بی اعتناء باشد، مروت و جوانمردیش فاسد گشته است.

33 - قَالَ (عليه السلام): «إِنَّمَا يُجْزَى الْعِبَادُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَى قَدْرِ عُقُولِهِمْ».(34)

فرمود: همانا در روز قیامت بندگان به مقدار عقل و درک و شعورشان مجازات می شوند.

34 - قَالَ (علیه السلام): «إِنَّ الْقُرْآنَ فِيهِ مَصَابِيحُ النُّورِ، وَ شِفَاءُ الصُّدُورِ، فَيَجِلُ جَالٌ بَصَرُهُ، وَ لَيَلْجَمُ الصِّفَّةَ قَلْبُهُ، فَإِنَّ التَّفَكِيرَ حَيَاةُ الْقَلْبِ الْبَصِيرِ، كَمَا يَمْشِي الْمُسْتَنِيرُ فِي الظُّلُمَاتِ بِالنُّورِ». (35)

فرمود: همانا در قرآن چراغ های روشنائی بخش؛ و شفا بخش دردها و گرفتاری های درونی وجود دارد، پس کسی که (خود را) با قرآن جلی دهد چشمانش قوی و روشن می گردد؛ و قلب و درون خویش را صفا خواهد داد، چون که تفکر و اندیشه (در قرآن سبب) حیات قلب آگاه می باشد، همچنان که شخص روشن دل در تاریکی ها به وسیله نور چراغ حرکت می نماید و راه می رود.

35 - قَالَ (علیه السلام): «الْمِزَاجُ يَأْكُلُ الْهَيْبَةَ، وَ قَدْ أَكْثَرَ مِنَ الْهَيْبَةِ الصَّامِتُ» (36)

فرمود: مزاج و شوخی - های زیاد و بیجا - شخصیت و وقار انسان را از بین می برد، و چه بسا افراد ساکت دارای شخصیت و وقار عظیمی می باشند.

36 - قَالَ (علیه السلام): «الْلُّؤْمُ أَنْ لَا تَشْكُرَ النِّعْمَةَ». (37)

فرمود: از علائم پستی شخص، شکر نکردن از ولی نعمت است.

37 - قَالَ (علیه السلام): «لَقَضَاءُ حَاجَةِ أَحَدٍ لِي فِي اللَّهِ أَحَبُّ مِنِّي إِعْتِكَافٍ شَهْرٍ». (38)

فرمود: هر آینه برآوردن حاجت و رفع مشکل دوست و برادرم، از یک ماه اعتکاف، در مسجد - و عبادت مستحبی، نزد من - بهتر و محبوب تر است.

38 - قَالَ (علیه السلام): «إِنَّ الدُّنْيَا فِي حَلَالِهَا حِسَابٌ، وَ فِي حَرَامِهَا عِقَابٌ، وَ فِي الشُّبُهَاتِ عِتَابٌ، فَأَنْزِلِ الدُّنْيَا بِمَنْزِلَةِ الْمَيْتَةِ، خُذْ مِنْهَا مَا يَكْفِيكَ». (39)

فرمود: چیزهای دنیا اگر حلال باشد حساب و بررسی می شود و اگر از حرام به دست آید عذاب و عقاب دارد و اگر حلال و حرام آن معلوم نباشد سختی و ناراحتی خواهد داشت. پس باید دنیا (و موجوداتش) را همچون میته و مرداری بشناسی که به مقدار نیاز و اضطرار از آن استفاده کنی.

39 - قَالَ (علیه السلام): «وَ أَعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا، وَ أَعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا». (40)

فرمود: در دنیا - از نظر اقتصاد و صرفه جوئی و... - چنان برنامه ریزی کن مثل آن که می خواهی همیشه دوام داشته باشی، و نسبت به آخرت به نوعی حرکت و کار کن مثل این که فردا خواهی مُرد.

40 - قَالَ (علیه السلام): «أَكْيَسُ الْكَيْسِ الثَّقِيُّ، وَ أَحَقُّ الْحَقْمِ الْفُجُورُ، الْكَرِيمُ هُوَ التَّبَرُّعُ قَبْلَ السُّؤَالِ». (41)

فرمود: زیرک ترین و هوشیارترین افراد، شخص باتقوا و پرهیزکار می باشد؛ أحق و نادان ترین افراد، کسی است که تبه کار و اهل معصیت باشد؛ گرامی ترین و با شخصیت ترین افراد، آن کسی است که به نیازمندان پیش از اظهار نیازشان، کمک نماید.

پاورقی ها :

1 - نزهه الناظر و تنبيه خاطر: ص 79، ح 33، بحار الأنوار: ج 78، ص 112، س 8.

2 - کلمه الإمام الحسن (علیه السلام): 7، ص 211.

3 - کلمه الإمام الحسن (علیه السلام): 7، ص 25، بحار الأنوار: ج 44، ص 23، ح 7.

4 - إحقاق الحق: ج 11، ص 183، س 2 و ص 185.

5 - دعوات الزاوندی: ص 24، ح 13، بحار الأنوار: ج 89، ص 204، ح 21.

- 6 - بحار الأنوار: ج 75، ص 111، ضمن ح. 6
- 7 - وافي: ج 4، ص 1553، ح 2، تهذيب الأحكام: ج 2، ص 321، ح. 166.2
- 8 - تحف العقول: ص 234، س 14، من لا يحضره الفقيه: ج 1، ص 511، ح. 1479
- 9 - تحف العقول: ص 235، س 7، مستدرک: ج 3، ص 359، ح. 3778
- 10 - إحقاق الحقّ: ج 11، ص 238، س. 2
- 11 - إحقاق الحقّ: ج 11، ص 235، س. 7
- 12 - كلمه الإمام الحسن (عليه السلام): ص. 140
- 13 - أعيان الشّيعة: ج 1، ص 577، بحار الأنوار: ج 75، ص 111، ح. 6
- 14 - تحف العقول: ص 229، س 5، بحار الأنوار: ج 10، ص 130، ح. 1
- 15 - كلمه الإمام حسن (عليه السلام): ص 138، تحف العقول: ص 234، س 6، بحار الأنوار: ج 75، ص 105، ح. 4
- 16 - تحف العقول: ص 236، س 13، بحار الأنوار: ج 75، ص 105، ح. 4
- 17 - تحف العقول: ص 232، س 2، بحار الأنوار: ج 75، ص 110، ح. 5
- 18 - تنبيه الخواطر، معروف به مجموعه ورام: ص 427، بحار: ج 68، ص 184، ضمن ح. 44
- 19 - تحف العقول: ص 164، س 21. بحار الأنوار: ج 75، ص 105، ح. 3
- 20 - أعيان الشّيعة: ج 1، ص 577، بحار الأنوار: ج 75، ص 113، ح. 7
- 21 - كلمه الإمام حسن (عليه السلام): ص 212، بحار الأنوار: ج 73، ص 318، ح. 6
- 22 - همان مدرک: ص. 57
- 23 - تحف العقول: ص 233، أعيان الشّيعة: ج 1، ص 577، بحار الأنوار: ج 75، ص 105، ح. 4
- 24 - تحف العقول: ص 234، س 7، بحار الأنوار: ج 75، ص 105، ح. 4
- 25 - نزّه الناظر و تنبيه خاطر: ص 79، س 13، بحار الأنوار: ج 75، ص 111، ح. 6
- 26 - إحقاق الحقّ: ج 11، ص 242، س. 2
- 27 - تحف العقول: ص 234، س 3، بحار الأنوار: ج 75، ص 106، ح. 4
- 28 - تحف العقول: ص 235، س 14، بحار الأنوار: ج 73، ص 312، ح. 3
- 29 - كلمه الإمام الحسن (عليه السلام)، ص 39، بحار الأنوار: ج 1، ص 218، ح. 43
- 30 - كلمه الإمام الحسن (عليه السلام): ص. 46
- 31 - كلمه الإمام الحسن (عليه السلام): ص. 129
- 32 - كلمه الإمام الحسن (عليه السلام): ص. 198
- 33 - كلمه الإمام الحسن (عليه السلام): ص. 209
- 34 - كلمه الإمام الحسن (عليه السلام): ص. 209
- 35 - نزّه الناظر و تنبيه خاطر: ص 73، ح 18، بحار الأنوار: ج 78، ص 112، س. 15
- 36 - كلمه الإمام الحسن (عليه السلام): ص 139، بحار الأنوار: ج 75، ص 113، ح. 7
- 37 - كلمه الإمام الحسن (عليه السلام): ص 139، بحار الأنوار: ج 75، ص 105، ح. 4
- 38 - كلمه الإمام الحسن (عليه السلام): ص. 139
- 39 - كلمه الإمام الحسن (عليه السلام): ص 36، بحار الأنوار: ج 44، ص 138، ح. 6

40 - کلمه الإمام الحسن (علیه السلام) ص 37، بحار الأنوار: ج 44، ص 138، ح 6.

41 - إحقاق الحقّ: ج 11، ص 20 س 1، بحار الأنوار: ج 44، ص 30.

حضرت امام حسین (علیه السلام)

1- قَالَ الْأَمَامُ سَيِّدُ الشَّهَدَاءِ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ (عَلَيْهِ السَّلَام) : «إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَغْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ التَّجَارِ، وَ إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ رَهْبَةً فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْعَبِيدِ، وَ إِنَّ قَوْمًا عَبَدُوا اللَّهَ شُكْرًا فَتِلْكَ عِبَادَةُ الْأَحْرَارِ، وَ هِيَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ.» (1)

حضرت امام حسین (علیه السلام) فرمود: همانا عده ای خداوند متعال را به جهت طمع و آرزوی بهشت عبادت می کنند که آن یک معامله و تجارت خواهد بود و عده ای دیگر از روی ترس خداوند را عبادت و ستایش می کنند که همانند عبادت و اطاعت نوکر از ارباب باشد و طائفه ای هم به عنوان شکر و سپاس از روی معرفت، خداوند متعال را عبادت و ستایش می نمایند؛ و این نوع، عبادت آزادگان است که بهترین عبادات می باشد.

2- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): «إِنَّ أَجْوَدَ النَّاسِ مَنْ أَعْطَى مَنْ لَا يَرْجُوهُ، وَ إِنَّ أَعْفَى النَّاسِ مَنْ عَفَى عَنْ قُدْرِهِ، وَ إِنَّ أَوْصَلَ النَّاسِ مَنْ وَصَلَ مَنْ قَطَعَهُ.» (2)

فرمود: همانا سخاوتمندترین مردم آن کسی است که کمک نماید به کسی که امیدی به وی نداشته است. و بخشنده ترین افراد آن شخصی است که - نسبت به ظلم دیگری با آن که توان انتقام دارد - گذشت نماید. صله رحم کننده ترین مردم و دید و بازدید کننده نسبت به خویشان، آن کسی ست که صله رحم نماید با کسی که با او قطع رابطه کرده است.

3- قِيلَ: «مَا الْفَضْلُ؟ قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): مُلْكُ اللِّسَانِ، وَ بَذْلُ الْأَخْسَانِ، قِيلَ: فَمَا النَّقْصُ؟ قَالَ: التَّكَلُّفُ لِمَا لَا يُعْنِيكَ.» (3)

از حضرت سؤال شد کرامت و فضیلت انسان در چیست؟ در پاسخ فرمود: کنترل و در اختیار داشتن زبان و سخاوت داشتن، سؤال شد نقص انسان در چیست؟ فرمود: خود را وا داشتن بر آنچه که مفید و سودمند نباشد.

4- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): «النَّاسُ عِبِيدُ الدُّنْيَا، وَ الدِّينُ لِعِبٍّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ، يَحْطُوبُونَهُ مَا دَارَتْ بِهِ مَعَائِشُهُمْ، فَإِذَا مُحِصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ.» (4)

فرمود: افراد جامعه بنده و تابع دنیا هستند و مذهب، بازیچه زبانشان گردیده است و برای إمرار معاش خود، دین را محور قرار داده اند - و سنگ اسلام را به سینه می زنند - . پس اگر بلائی همانند خطر - مقام و ریاست، جان، مال، فرزند و موقعیت، ... - انسان را تهدید کند، خواهی دید که دین داران واقعی کمیاب خواهند شد.

5- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): «إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَا يُسِيءُ وَ لَا يَعْتَذِرُ، وَ الْمُنَافِقُ كُلُّ يَوْمٍ يُسِيءُ وَ يَعْتَذِرُ.» (5)

ضمن فرمایشی فرمود: همانا شخص مؤمن خلاف و کار زشت انجام نمی دهد و عذرخواهی هم نمی کند. ولی فرد منافق هر روز مرتکب خلاف و کارهای زشت می گردد و همیشه عذرخواهی می نماید.

6- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): «إِعْمَلْ عَمَلًا رَجُلٌ يَعْلَمُ أَنَّهُ مَأْخُودٌ بِالْأَجْرَامِ، مُجْزَى بِالْأَخْسَانِ.» (6)

فرمود: کارها و امور خود را همانند کسی تنظیم کن و انجام ده که می داند و مطمئن است که در صورت خلاف

تحت تعقیب قرار می گیرد و مجازات خواهد شد. و در صورتی که کارهایش صحیح باشد پاداش خواهد گرفت.

7- قَالَ (علیه السلام): «عِبَادَ اللَّهِ! لَا تَشْتَغِلُوا بِالدُّنْيَا، فَإِنَّ الْقَبْرَ بَيْتُ الْعَمَلِ، فَأَعْمَلُوا وَ لَا تَغْلُوا».(7)

فرمود: ای بندگان خدا، خود را مشغول و سرگرم دنیا - و تجمّلات آن - قرار ندهید که همانا قبر، خانه ای است که تنها عمل - صالح - در آن مفید و نجات بخش می باشد، پس مواظب باشید که غفلت نکنید.

8- قَالَ (علیه السلام): «لَا تَقُولَنَّ فِي أَخِيكَ الْمُؤْمِنِ إِذَا تَوَارَى عَنكَ إِلَّا مِثْلَ مَا تُحِبُّ أَنْ يَقُولَ فِيكَ إِذَا تَوَارَيْتَ

عَنَّهُ».(8)

فرمود: سخنی - که ناراحت کننده باشد - پشت سر دوست و برادر خود مگو، مگر آن که دوست داشته باشی که همان سخن پشت سر خودت گفته شود.

9- قَالَ (علیه السلام): «يَا بُنَيَّ! إِيَّاكَ وَظَلَمَ مَنْ لَا يَجِدُ عَلَيْكَ نَاصِرًا إِلَّا اللَّهَ».(9)

فرمود: بپرهیز از ظلم و آزار رساندن نسبت به کسی که یآوری غیر از خداوند متعال نمی یابد.

10- قَالَ (علیه السلام): «إِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا سَعَادَةً، وَ لَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بَرَمًا».(10)

فرمود: به درستی که من از مرگ نمی هراسم و آن را جز سعادت نمی بینم؛ و زندگی با ستمگران و ظالمان را عار و ننگ می شناسم.

11- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ لَبِسَ ثَوْبًا يُشِيرُهُ كِسَاهُ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثَوْبًا مِنَ النَّارِ».(11)

فرمود: هرکس لباس شهرت - و انگشت نما از هر جهت - بپوشد، خداوند او را در روز قیامت لباسی از آتش می پوشاند.

12- قَالَ (علیه السلام): «أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ، لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا اسْتَعْبَرَ».(12)

فرمود: من کشته گریه ها و اشک ها هستم، هیچ مؤمنی مرا یاد نمی کند مگر آن که عبرت گرفته و اشک هایش جاری خواهد شد.

13- قَالَ (علیه السلام): «لَوْ شَتَمَنِي رَجُلٌ فِي هَذِهِ الْأُذُنِ، وَ أَوْمَى إِلَى الْيُمْنَى، وَ اعْتَذَرَ لِي فِي الْأُخْرَى لَقَبِلْتُ ذَلِكَ

مِنْهُ، وَ ذَلِكَ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (علیه السلام) حَدَّثَنِي أَنَّهُ سَمِعَ جَدِّي رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله) يَقُولُ: لَا يَرُدُّ الْخَوْصُ مَنْ لَمْ يَقْبَلِ الْعَذْرَ مِنْ مُحِقٍّ أَوْ مُبْطِلٍ».(13)

فرمود: چنانچه با گوش خود بشنوم که شخصی مرا دشنام می دهد و سپس معذرت خواهی او را بفهمم، از او می پذیرم و گذشت می نمایم، چون که پدرم امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از جَدِّم رسول خدا (صلى الله عليه وآله) روایت نمود:

کسی که پوزش و عذرخواهی دیگران را نپذیرد، بر حوض کوثر وارد نخواهد شد.

14- قِيلَ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ (علیه السلام): «مَنْ أَعْظَمُ النَّاسِ قَدْرًا؟ قَالَ: مَنْ لَمْ يُبَالِ الدُّنْيَا فِي يَدَيَّ مَنْ

كَانَتْ».(14) از حضرت سؤال شد: با شخصیت ترین افراد چه کسی است؟ در جواب فرمود: آن کسی است که اهمیت ندهد که دنیا در دست چه کسی می باشد.

15- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ عَبْدَ اللَّهِ حَقَّ عِبَادَتِهِ، آتَاهُ اللَّهُ فَوْقَ أَمَانِيهِ وَ كِفَايَتِهِ».(15)

فرمود: هرکس خداوند متعال را با صداقت و خلوص، عبادت و پرستش نماید؛ خدای متعال او را به بهترین

آرزوهایش می رساند و امور زندگیش را تأمین می نماید.

16- قَالَ (علیه السلام): «احْذَرُوا كَثْرَةَ الْخَلْفِ، فَإِنَّهُ يَخْلِفُ الرَّجُلُ لِعَلِّ أَرْبَعَ: إِمَّا لِمَهَانَةٍ يَجِدُهَا فِي نَفْسِهِ، تَحْتُهُ عَلَى

الصَّرَاعَةِ إِلَى تَصْدِيقِ النَّاسِ إِيَّاهُ. وَ إِمَّا لِعَيٍّ فِي الْمَنْطِقِ، فَيَتَّخِذُ الْإِيمَانَ حَشَوًا وَصِلَةً لِكَلَامِهِ. وَ إِمَّا لِثُغْمَةٍ عَرَفَهَا مِنْ

النَّاسِ لَهُ، فَيَرَى أَنَّهُمْ لَا يَقْبَلُونَ قَوْلَهُ إِلَّا بِالْيَمِينِ. وَإِنَّمَا لِإِزْسَالِهِ لِسَانَهُ مِنْ غَيْرِ تَثْبِيتٍ» (16)

فرمود: خود را از قسم و سوگند برهانید که همانا انسان به جهت یکی از چهار علت سوگند یاد می کند: در خود احساس سستی و کمبود دارد، به طوری که مردم به او بی اعتماد شده اند، پس برای جلب توجه مردم که او را تصدیق و تأیید کنند، سوگند می خورد. و یا آن که گفتارش معیوب و به دور از حقیقت است، و می خواهد با سوگند، سخن خود را تقویت و جبران کند. و یا در بین مردم متهم است - به دروغ و بی اعتمادی - پس می خواهد با سوگند و قسم خوردن جبران ضعف نماید. و یا آن که سخنان و گفتارش متزلزل است - هر زمان به نوعی سخن می گوید - و زبانش به سوگند عادت کرده است.

17- قَالَ (عليه السلام): «أَيُّمَا اثْنَيْنِ جَرَى بَيْنَهُمَا كَلَامٌ، فَطَلِبَ أَحَدُهُمَا رَضَى الْآخَرَ، كَانَ سَابِقَهُ إِلَى الْجَنَّةِ» (17)

فرمود: چنانچه دو نفر با یکدیگر نزاع و اختلاف نمایند و یکی از آن دو نفر، در صلح و آشتی پیشقدم شود، همان شخص سبقت گیرنده، جلوتر از دیگری به بهشت وارد می شود.

18- قَالَ (عليه السلام): «وَأَعْلَمُوا أَنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ مِنْ نِعَمِ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، فَلَا تَمِيلُوا النَّعَمَ فَتَحُولَ نِقْمًا» (18)

فرمود: توجه داشته باشید که احتیاج و مراجعه مردم به شما از نعمت های الهی است، پس نسبت به نعمت ها روی، بر نگردانید؛ وگرنه به نقمت و بلا گرفتار خواهد شد.

19- قَالَ (عليه السلام): «يَا ابْنَ آدَمَ! أَذْكَرُ مَضْرَعَكَ وَ مَضْجَعَكَ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ، تَشْهَدُ جَوَارِحُكَ عَلَيْكَ يَوْمَ تَزِلُّ فِيهِ

الْأُقْدَامُ» (19)

فرمود: ای فرزند آدم، بیاد آور لحظات مرگ و خواب گاه خود را در قبر، همچنین بیاد آور که در پیشگاه خداوند قرار خواهی گرفت و اعضاء و جوارحت بر علیه تو شهادت خواهند داد، در آن روزی که قدم ها لرزان و لغزان می باشد.

20- قَالَ (عليه السلام): «مُجَالَسَةُ أَهْلِ الدُّنْيَا شَرٌّ، وَ مُجَالَسَةُ أَهْلِ الْفُسْقِ رَيْبَةٌ» (20)

فرمود: همنشینی با اشخاص پست و رذل سبب شرّ و بد یختی خواهد گشت؛ و همنشینی و مجالست با معصیت کاران موجب شکّ و بدبینی خواهد شد.

21- قَالَ (عليه السلام): «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الدُّنْيَا لِلْبَلَاءِ، وَ خَلَقَ أَهْلَهَا لِلْفَنَاءِ» (21)

فرمود: به درستی که خداوند متعال دنیا - و اموال آن - را برای آزمایش افراد آفریده است. و همچنین موجودات دنیا را جهت فناء - و انتقال از این دنیا به جهانی دیگر - آفریده است.

22- قَالَ (عليه السلام): «لَا يَأْمَنُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَّا مَنْ قَدْ خَافَ اللَّهَ فِي الدُّنْيَا» (22)

فرمود: کسی در روز قیامت از شدائد و احوال آن در امان نمی باشد، مگر آن که در دنیا از خداوند متعال ترس داشته باشد - و اهل گناه و معصیت نگردد - .

23- قَالَ (عليه السلام): «لِكُلِّ دَاءٍ دَوَاءٌ، وَ دَوَاءُ الذُّنُوبِ الْإِسْتِغْفَارُ» (23)

فرمود: برای هر غم و دردی درمان و دوائی است و جبران و درمان گناه، طلب مغفرت و آمرزش از درگاه خداوند می باشد.

24- قَالَ (عليه السلام): «مَنْ قَرَأَ آيَةَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ فِي صَلَاتِهِ قَائِمًا، يُكْتَبُ لَهُ بِكُلِّ حَرْفٍ مِائَةٌ

حَسَنَةً» (24)

فرمود: هرکس آیه ای از قرآن را در نمازش تلاوت نماید، خداوند متعال در مقابل هر حرفی از آن یکصد حسنه در نامه اعمالش ثبت می نماید.

25- قَالَ (عليه السلام): «سَبْعَةُ أَشْيَاءَ لَمْ تُخْلَقْ فِي رَجْمٍ: فَأَوْلُهَا آدَمُ «عليه السلام»، ثُمَّ حَوَاءُ، وَ الْغُرَابُ، وَ كَبُشُّ

إِبْرَاهِيمَ «عليه السلام»، وَ نَاقَهُ اللَّهُ، وَ عَصَا مُوسَى «عليه السلام»، وَ الطَّيْرَ الَّذِي خَلَقَهُ عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ (عليهما السلام)». (25)

ضمن جواب سؤال های پادشاه روم، فرمود: آن هفت موجودی که بدون خلقت در رحم مادر، آفریده شده اند، عبارتند از: حضرت آدم (علیه السلام) و همسرش حواء. و کلاهی که برای راهنمایی دفن هابیل آمد. و گوسفندی که برای قربانی، به جای حضرت اسماعیل (علیه السلام) آمد. و شتری که خداوند برای پیامبرش، حضرت صالح فرستاد. و عصای حضرت موسی (علیه السلام). و هفتمین موجود آن پرنده ای بود که توسط حضرت عیسی (علیه السلام) آفریده شد.

26- قَالَ (عليه السلام): «إِنَّ أَعْمَالَ هَذِهِ الْأُمَّةِ مَا مِنْ صَبَاحٍ إِلَّا وَ تُعْرَضُ عَلَى اللَّهِ تَعَالَى». (26)

فرمود: همانا - نامه کردار و - اعمال این امت، در هر صبحگاه بر خداوند متعال عرضه می گردد.

27- قَالَ (عليه السلام): «إِجْتَنِبُوا الْغَشْيَانَ فِي اللَّيْلِ الَّتِي تُرِيدُونَ فِيهَا السَّفَرَ، فَإِنَّ مَنْ فَعَلَ ذَلِكَ، ثُمَّ رَزِقَ وَلَدٌ كَانَ جَوَالَةً». (27)

فرمود: در آن شبی که قصد مسافرت دارید، با همسر خود زناشوئی نکنید، که چنانچه عمل زناشوئی انجام گردد و در آن زمان فرزندی منعقد شود، بسیار متحرک و افکارش مغشوش می باشد.

28- قَالَ (عليه السلام): «الرُّكْنُ الْيَمَانِي بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ، لَمْ يَمْنَعُهُ مُنْذُ فَتَحَهُ، وَ إِنَّ مَا بَيْنَ الرُّكْنَيْنِ - الْأَسْوَدَ وَ الْيَمَانِي - مَلَكٌ يُدْعَى هُجَيْرٌ، يُؤْمِنُ عَلَى دُعَاءِ الْمُؤْمِنِينَ». (28)

فرمود: رُکنِ یمانی کعبه الهی، دربی از درب های بهشت است و مابین رکن یمانی و حجرالأسود ملک و فرشته ای است که برای استجابت دعای مؤمنین آمین می گوید.

29- قَالَ (عليه السلام): «إِنَّ الْغِنَى وَ الْإِعْزَازَ حَرَجَا يَجُولَانِ، فَلَقِيَ التَّوَكُّلَ فَاسْتَوْطَنَا». (29)

فرمود: عزّت و بی نیازی - هر دو - شتاب زده به دنبال پناهگاهی می دویدند، چون به توکل برخورد کردند، آرامش پیدا نموده و آن را پناهگاه خود قرار دادند.

30- قَالَ (عليه السلام): «مَنْ نَفَسَ كُرْبَةً مُؤْمِنٍ، فَرَجَّ اللَّهُ عَنْهُ كَرْبَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ». (30)

فرمود: هرکس گره ای از مشکلات مؤمنی باز کند و مشکلش را برطرف نماید، خداوند متعال مشکلات دنیا و آخرت او را اصلاح می نماید.

31- قَالَ (عليه السلام): «مَنْ وَالَانَا فَلِجَدِّي (صلى الله عليه وآله وسلم) والى، وَ مَنْ عَادَانَا فَلِجَدِّي عَادَى». (31)

فرمود: هر که ما را دوست بدارد و پیرو ما باشد، پس دوستی و محبتش به جهت جدّم رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) می باشد. و هرکس با ما دشمن و کینه توز باشد، پس دشمنی و مخالفت او به جهت جدّم رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) خواهد بود.

32- قَالَ (عليه السلام): «يَا ابْنَ آدَمَ! أُذْكَرُ مَصَارِعَ آبَائِكَ وَ أَبْنَائِكَ، كَيْفَ كَانُوا، وَ حَيْثُ حَلُّوا، وَ كَأَنَّكَ عَنْ قَلِيلٍ قَدْ حَلَلْتَ مَحَلَّهُمْ». (32)

فرمود: ای فرزند آدم، بیاد آور آن لحظاتی را که پدران و فرزندان - و دوستان - تو چگونه در چنگال مرگ قرار گرفتند، آن ها در چه وضعیتی بودند و سرانجام به کجا منتهی شدند و کجا رفتند. و بیندیش که تو نیز همانند آن ها به ایشان خواهی پیوست - پس مواظب اعمال و رفتار خود باش - .

33- قَالَ (عليه السلام): «يَا ابْنَ آدَمَ، إِنَّمَا أَنْتَ أَيَّامٌ، كُلَّمَا مَضَى يَوْمٌ ذَهَبَ بَعْضُكَ». (33)

فرمود: ای فرزند آدم، بدرستی که تو مجموعه ای از زمان ها و روزگار هستی، هر آنچه از آن بگذرد، زمانی از تو فانی

و سپری گشته است - بنابراین لحظات عمرت را غنیمت شمار که جبران ناپذیر است - .

34- قال(عليه السلام): «مَنْ حَاوَلَ أَمْرًا بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ كَانَ أَفْوَتْ لِمَا يَرْجُو وَ أَسْرَعَ لِمَجْبِيءٍ مَا يَحْذَرُ». (34)

فرمود: هرکس از روی نافرمانی و معصیت خداوند، کاری را انجام دهد، آنچه را آرزو دارد سریع تر از دست می دهد و به آنچه هراسناک و بیمناک می باشد مبتلا می گردد.

35- قال(عليه السلام): «الْبُكَاءُ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ نَجَاتٌ مِنَ النَّارِ وَ قَالَ: بُكَاءُ الْعُيُونِ، وَ خَشْيَةُ الْقُلُوبِ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ». (35)

فرمود: گریان بودن به جهت ترس از - عذاب - خداوند، سبب نجات از آتش دوزخ خواهد بود؛ و فرمود: گریان بودن چشم و خشیت داشتن دل ها یکی از نشانه های رحمت الهی - برای بنده - است.

36- قال(عليه السلام): «لَا يَكْمُلُ الْعَقْلُ إِلَّا بِاتِّبَاعِ الْحَقِّ». (36)

فرمود: بینش و عقل و درک انسان تکمیل نمی گردد مگر آن که - اهل حق و صداقت باشد و - از حقایق، تبعیت و پیروی کند.

37- قال(عليه السلام): «أَهْلَكَ النَّاسُ إِثْنَانِ: خَوْفُ الْفَقْرِ، وَ طَلَبُ الْفَخْرِ». (37)

فرمود: دو چیز مردم را هلاک و بیچاره گردانده است: یکی ترس از این که مبادا در آینده فقیر و نیازمند دیگران گردند. و دیگری فخر کردن - در مسائل مختلف - و مباهات بر دیگران است.

38- قال(عليه السلام): «مَنْ عَرَفَ حَقَّ أَبِيهِ الْأَفْضَلَيْنِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ، وَ أَطَاعَهُمَا، قِيلَ لَهُ: تَبَخَّحَ فِي أَيْ الْجَنَانِ شِئْنٌ». (38)

فرمود: هر شخصی که حق والدینش محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) ، و علی (علیه السلام) را که با شرافت و با فضیلت ترین انسان ها هستند، بشناسد و - در تمام امور زندگی - از ایشان تبعیت و اطاعت کند؛ در قیامت به او خطاب می شود: هر قسمتی از بهشت را که خواستار باشی، می توانی انتخاب کنی و در آن وارد شوی.

39- قال(عليه السلام): «مَنْ طَلَبَ رِضَى اللَّهِ بِسَخَطِ النَّاسِ كَفَاهُ اللَّهُ أُمُورَ النَّاسِ، وَ مَنْ طَلَبَ رِضَى النَّاسِ بِسَخَطِ اللَّهِ وَ كَلَّهُ اللَّهُ إِلَى النَّاسِ». (39)

فرمود: هرکس رضایت و خوشنودی خداوند را - در امور زندگی - طلب نماید گرچه همه افراد از او رنجیده شوند، خداوند مهمات و مشکلات او را کفایت خواهد نمود. و کسی که رضایت و خوشنودی مردم را طالب گردد گرچه مورد خشم و غضب پروردگار باشد، خداوند امور این شخص را به مردم واگذار می کند.

40- قال(عليه السلام): «إِنَّ شِيعَتَنَا مَنْ سَلِمَتْ قُلُوبُهُمْ مِنْ كُلِّ غِشٍّ وَ غِلٍّ وَ دَغَلٍ». (40)

فرمود: شیعیان و پیروان ما - اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) - آن کسانی هستند که افکار و درون آن ها از هر گونه حيله و نیرنگ و عوام فریبی سلامت و تهی باشد.

پاورقی ها :

1 - تحف العقول: ص 177، بحار الأنوار: ج 75، ص 117، ح 5.

2 - نهج الشَّهادة: ص 39، بحار الأنوار: ج 75، ص 121، ح 4.

3 - مستدرک الوسائل: ج 9، ص 24، ح 10099 به نقل از مجموعه شهید.

4 - محجَّه البيضاء: ج 4، ص 228، بحار الأنوار: ج 75، ص 116، ح 2.

5 - تحف العقول: ص 179، بحار الأنوار: ج 75، ص 119، ح 2.

- 6 - بحار الأنوار: ج 2، ص 130، ح 15 و ج 75، ص 127، ح 10.
- 7 - نهج الشَّهادة: ص 47.
- 8 - بحار الأنوار: ج 75، ص 127، ح 10.
- 9 - وسائل الشَّيعه: ج 11، ص 339، بحار الأنوار: ج 46، ص 153، ح 16.
- 10 - بحار الأنوار: ج 44، ص 192، ضمن ح 4، و ص 381، ضمن ح 2.
- 11 - كافي: ج 6، ص 445، ح 4.
- 12 - أمالي شيخ صدوق: ص 118، بحار الأنوار: ج 44، ص 284، ح 19.
- 13 - إحقاق الحق: ج 11، ص 431.
- 14 - تنبيه الخواطر، معروف به مجموعه ورام: ص 348، س 11.
- 15 - تنبيه الخواطر: ص 427، س 14، بحار الأنوار: ج 68، ص 183، ح 44.
- 16 - تنبيه الخواطر، معروف به مجموعه ورام: ص 429، س 6.
- 17 - محجَّه البيضاء: ج 4، ص 228.
- 18 - نهج الشَّهادة: ص 38.
- 19 - نهج الشَّهادة: ص 59.
- 20 - نهج الشَّهادة: ص 47، بحار الأنوار: ج 78، ص 122، ح 5.
- 21 - نهج الشَّهادة: ص 196.
- 22 - بلاغه الحسين(عليه السلام): ص 285، بحار الأنوار: ج 44، ص 192، ح 5.
- 23 - وسائل الشَّيعه: ج 16، ص 65، ح 20993، كافي: ج 2، ص 439، ح 8.
- 24 - اصول كافي: ج 2، ص 611، بحار الأنوار: ج 89، ص 200، ح 17.
- 25 - تحف العقول: ص 174، و بحار الأنوار: ج 10، ص 137، ح 4.
- 26 - بحار الأنوار: ج 70، ص 353، ح 54، به نقل از عيون الأخبار الرضا(عليه السلام).
- 27 - وسائل الشَّيعه: ج 20، ص 3، ح 243، بحار الأنوار: ج 100، ص 292، ح 39.
- 28 - مستدرک الوسائل: ج 9، ص 391، ح 1، بحار الأنوار: ج 69، ص 354، ح 11.
- 29 - مستدرک الوسائل: ج 11، ص 218، ح 15، بحار الأنوار: ج 75، ص 257، ح 108.
- 30 - مستدرک الوسائل: ج 12، ص 416، ح 13، بحار الأنوار: ج 75، ص 121، ح 4.
- 31 - ينابيع المودَّة: ج 2، ص 37، ح 58.
- 32 - نهج الشَّهادة: ص 60.
- 33 - نهج الشَّهادة: ص 346.
- 34 - اصول كافي: ج 2، ص 373، ح 3، بحار الأنوار: ج 75، ص 120، س 6، و وسائل الشَّيعه: ج 16، ص 153، ح 3.
- 35 - نهج الشَّهادة: ص 370، مستدرک الوسائل: ج 11، ص 245، ح 12881.
- 36 - نهج الشَّهادة: ص 356، بحار الأنوار: ج 75، ص 127، ح 11.
- 37 - بحار الأنوار: ج 75، ص 54، ح 96.
- 38 - نهج الشَّهادة: ص 293، تفسير الامام العسكري (عليه السلام): ص 330، بحار: ج 23، ص 260، ح 8.
- 39 - أمالي شيخ صدوق: ص 167، مستدرک الوسائل: ج 12، ص 209، ح 13902.

حضرت امام سجاد (علیه السلام)

1- قَالَ الْأَمَامُ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ، زَيْنُ الْعَابِدِينَ (عَلَيْهِ السَّلَام) : «ثَلَاثٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ كَانَ فِي كَنْفِ اللَّهِ، وَأَظْلَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي ظِلِّ عَرْشِهِ، وَآمَنَهُ مِنْ فَرْعِ الْيَوْمِ الْأَكْبَرِ: مَنْ أَعْطَى النَّاسَ مِنْ نَفْسِهِ مَا هُوَ سَائِلُهُمْ لِنَفْسِهِ، وَرَجُلٌ لَمْ يَقْدِمْ يَدًا وَرَجُلًا حَتَّى يَعْلَمَ أَنَّهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ قَدِمَهَا أَوْ فِي مَعْصِيَتِهِ، وَرَجُلٌ لَمْ يَعْصِ أَخَاهُ بِعَيْبٍ حَتَّى يَنْزُكَ ذَلِكَ الْعَيْبُ مِنْ نَفْسِهِ».(1)

امام سجاد (علیه السلام) فرمود: سه حالت و خصلت در هر یک از مؤمنین باشد در پناه خداوند خواهد بود و روز قیامت در سایه رحمت عرش الهی می باشد و از سختی ها و شدايد صحرای محشر در امان است: اول آن که در کارگشائی و کمک به نیازمندان و درخواست کنندگان دریغ ننماید. دوم آن که قبل از هر نوع حرکتی بیندیشد که کاری را که می خواهد انجام دهد یا هر سخنی را که می خواهد بگوید آیا رضایت و خوشنودی خداوند در آن است یا مورد غضب و سخط او می باشد. سوم قبل از عیب جوئی و بازگوئی عیب دیگران، سعی کند عیب های خود را برطرف نماید.

2- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): «ثَلَاثٌ مُنْجِيَاتٌ لِلْمُؤْمِنِ: كَفَّ لِسَانَهُ عَنِ النَّاسِ وَ اغْتِيَابَهُمْ، وَ إِشْغَالُهُ نَفْسَهُ بِمَا يَنْفَعُهُ لِاخِرَتِهِ وَ دُنْيَاهُ، وَ طَوْلُ الْبُكَاءِ عَلَى خَطِيئَتِهِ».(2)

فرمود: سه چیز موجب نجات انسان خواهد بود: بازداشت زبان از بدگوئی و غیبت مردم، خود را مشغول به کارهائی کردن که برای آخرت و دنیایش مفید باشد. و همیشه بر خطاها و اشتباهات خود گریان و ناراحت باشد.

3- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): «أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَمَلُ إِسْلَامِهِ، وَ مَحَصَتْ ذُنُوبَهُ، وَ لَقِيَ رَبَّهُ وَ هُوَ عَنْهُ رَاضٍ: وَقَاءُ لِلَّهِ بِمَا يَجْعَلُ عَلَى نَفْسِهِ لِلنَّاسِ، وَ صِدْقُ لِسَانِهِ مَعَ النَّاسِ، وَ الْأَسْتَحْيَاءُ مِنْ كُلِّ قَبِيحٍ عِنْدَ اللَّهِ وَ عِنْدَ النَّاسِ، وَ حُسْنُ خُلُقِهِ مَعَ أَهْلِهِ».(3)

فرمود: هرکس دارای چهار خصلت باشد، ایمانش کامل، گناهانش بخشوده خواهد بود، و در حالتی خداوند را ملاقات می کند که از او راضی و خوشنود است: 1 - خصلت خودنگهداری و تقوای الهی به طوری که بتواند بدون توقع و چشم داشتی، نسبت به مردم خدمت نماید. 2 - راست گوئی و صداقت نسبت به مردم در تمام موارد زندگی. 3 - حیا و پاکدامنی نسبت به تمام زشتی های شرعی و عرفی.

4 - خوش اخلاقی و خوش برخوردی با اهل و عیال خود.

4- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): «يَا ابْنَ آدَمَ، إِنَّكَ لَا تَزَالُ بِخَيْرٍ مَا دَامَ لَكَ وَاعِظٌ مِنْ نَفْسِكَ، وَمَا كَانَتْ الْمُحَاسَبَةُ مِنْ هَمِّكَ، وَمَا كَانَ الْخَوْفُ لَكَ شِعَارًا».(4)

فرمود: ای فرزند آدم، تا آن زمانی که در درون خود واعظ و نصیحت کننده ای دلسوز داشته باشی، و در تمام امور بررسی و محاسبه کارهایت را اهمیّت دهی، و در تمام حالات - از عذاب الهی - ترس و خوف داشته باشی؛ در خیر و سعادت خواهی بود.

5- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): «وَأَمَّا حَقُّ بَطْنِكَ فَإِنَّ لَا تَجْعَلَهُ وِعَاءً لِقَلِيلٍ مِنَ الْحَرَامِ وَلَا لِكَثِيرٍ، وَ أَنْ تَقْتَصِدَ لَهُ فِي

الْحَلَالِ». (5)

فرمود: حَقِّی که شکم بر تو دارد این است که آن را ظرف چیزهای حرام - چه کم و چه زیاد - قرار ندهی و بلکه در چیزهای حلال هم صرفه جوئی کنی و به مقدار نیاز استفاده نمائی.

6- قَالَ (علیه السلام): «مَنِ اشْتَقَّ إِلَى الْجَنَّةِ سَارَعَ إِلَى الْحَسَنَاتِ وَسَلَّاعِنِ الشَّهَوَاتِ، وَمَنْ أَشْفَقَ مِنَ النَّارِ بَادَرَ بِالتَّوْبَةِ إِلَى اللَّهِ مِنْ ذُنُوبِهِ وَرَاجَعَ عَنِ الْمَحَارِمِ». (6)

فرمود: کسی که مشتاق بهشت باشد در انجام کارهای نیک، سرعت می نماید و شهوات را زیر پا می گذارد؛ و هرکس از آتش قیامت هراسناک باشد به درگاه خداوند توبه می کند و از گناهان و کاهای زشت دوری می جوید.

7- قَالَ (علیه السلام): «طَلَبُ الْخَوَائِجِ إِلَى النَّاسِ مَذَلَّةٌ لِلْحَيَاةِ وَمَذْهَبَةٌ لِلْحَيَاءِ، وَاسْتِخْفَافٌ بِالْوَقَارِ وَهُوَ الْفَقْرُ الْحَاضِرِ، وَقَلَّةٌ طَلَبُ الْخَوَائِجِ مِنَ النَّاسِ هُوَ الْغِنَى الْحَاضِرِ». (7)

فرمود: دست نیاز به سوی مردم دراز کردن، سبب ذلّت و خواری در زندگی و در معاشرت خواهد بود. و نیز موجب از بین رفتن حیاء و ناچیز شدن شخصیت خواهد گشت به طوری که همیشه احساس نیاز و تنگ دستی نماید. و هرچه کمتر به مردم رو بیندازد و کمتر درخواست کمک نماید بیشتر احساس خودکفائی و بی نیازی خواهد داشت.

8- قَالَ (علیه السلام): «الْخَيْرُ كُلُّهُ صَيَانَةُ الْإِنْسَانِ نَفْسَهُ». (8)

فرمود: سعادت و خوشبختی انسان در حفظ و کنترل اعضاء و جوارح خود از هرگونه کار زشت و خلاف است.

9- قَالَ (علیه السلام): «سَادَةُ النَّاسِ فِي الدُّنْيَا الْأَسْخِيَاءُ، وَ سَادَةُ النَّاسِ فِي الْآخِرَةِ الْأَتْقِيَاءُ». (9)

فرمود: در این دنیا سرور مرد، سخاوتمندان هستند؛ ولی در قیامت سید و سرور مردم، پرهیزکاران خواهند بود.

10- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ رَوَّجَ لِلَّهِ، وَوَصَلَ الرَّحِمَ تَوَجَّهَ اللَّهُ بِتَاجِ الْمَلِكِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». (10)

فرمود: هرکس برای رضا و خوشنودی خداوند ازدواج نماید و با خویشان خود صله رحم نماید، خداوند او را در قیامت مفتخر و سربلند می گرداند.

11- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ زَارَ أَخَاهُ فِي اللَّهِ طَلَبًا لِإِنْجَازِ مَوْعُودِ اللَّهِ، شَيَّعَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ، وَهَتَفَ بِهِ هَاتِفٌ مِنْ خَلْفِ الْأُطْبَاطِ وَطَابَتْ لَكَ الْجَنَّةُ، فَإِذَا صَافَحَهُ عَمَرَتْهُ الرَّحْمَةُ». (11)

فرمود: هرکس به دیدار دوست و برادر خود برود و برای رضای خداوند او را زیارت نماید به امید آن که به وعده های الهی برسد، هفتاد هزار فرشته او را همراه و مشایعت خواهند کرد، همچنین مورد خطاب قرار می گیرد که از آلودگی ها پاک شوی و بهشت گوارایت باد. پس چون با دوست و برادر خود دست دهد و مصافحه کند مورد رحمت قرار خواهد گرفت.

12- قَالَ (علیه السلام): «إِنْ شَتَمَكَ رَجُلٌ عَنْ يَمِينِكَ، ثُمَّ تَحَوَّلَ إِلَى يَسَارِكَ فَاعْتَذَرَ إِلَيْكَ فَأَقْبَلَ مِنْهُ». (12)

فرمود: چنانچه شخصی تو را بدگویی کند، و سپس برگردد و پوزش طلبد، عذرخواهی و پوزش او را پذیرا باش.

13- قَالَ (علیه السلام): «عَجِبْتُ لِمَنْ يَحْتَمِي مِنَ الطَّعَامِ لِمَضَرَّتِهِ، كَيْفَ لَا يَحْتَمِي مِنَ الذَّنْبِ لِمَعَرَّتِهِ». (13)

فرمود: تعجب دارم از کسی که نسبت به تشخیص خوب و بد خوراکش اهتمام مورزد که مبدا ضرری به او برسد، چگونه نسبت به گناهان و دیگر کارهایش اهمیّت نمی دهد، و نسبت به مفسد دنیائی، آخرتی روحی، فکری، اخلاقی و... بی تفاوت است.

14- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا مِنْ جُوعٍ أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ، وَمَنْ سَقَى مُؤْمِنًا مِنْ ظَمَأٍ سَقَاهُ اللَّهُ مِنَ الرَّحِيقِ الْمَخْتُومِ، وَمَنْ كَسَا مُؤْمِنًا كَسَاهُ اللَّهُ مِنَ الثِّيَابِ الْخُصْرِ». (14)

فرمود: هرکس مؤمن گرسنه ای را طعام دهد خداوند او را از میوه های بهشت اطعام می نماید، و هر که تشنه ای را آب دهد خداوند از چشمه گوارای بهشتی سیرآبش می گرداند، و هرکس برهنه ای را لباس بپوشاند خداوند او را از لباس سبز بهشتی - که بهترین نوع و رنگ می باشد - خواهد پوشاند.

15- قال(عليه السلام): «إِنَّ دِينَ اللَّهِ لَا يُصَابُ بِالْعُقُولِ النَّاقِصَةِ، وَالْأَرْءِ الْبَاطِلَةِ، وَالْمَقَايِيسِ الْفَاسِدَةِ، وَلَا يُصَابُ إِلَّا بِالتَّسْلِيمِ، فَمَنْ - سَلَّمَ لَنَا سَلِمَ، وَمَنْ اهْتَدَى بِهَا هَدَى، وَمَنْ دَانَ بِالْقِيَاسِ وَالرَّأْيِ هَلَكَ.» (15)

فرمود: به وسیله عقل ناقص و نظریه های باطل، و مقایسات فاسد و بی اساس نمی توان احکام و مسائل دین را به دست آورد؛ بنابراین تنها وسیله رسیدن به احکام واقعی دین، تسلیم محض می باشد؛ پس هرکس در مقابل ما اهل بیت تسلیم باشد از هر انحرافی در امان است و هر که به وسیله ما هدایت یابد خوشبخت خواهد بود. و شخصی که با قیاس و نظریات شخصی خود بخواهد دین اسلام را دریابد، هلاک می گردد.

16- قال(عليه السلام): «الدُّنْيَا سِنَةٌ، وَالْآخِرَةُ يَفْظَةٌ، وَنَحْنُ بَيْنَهُمَا أَصْغَاثُ أَحْلَامٍ.» (16)

فرمود: دنیا همچون نیمه خواب (چرت) است و آخرت بیداری می باشد و ما در این میان رهگذر، بین خواب و بیداری به سر می بریم.

17- قال(عليه السلام): «مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ أَنْ يَكُونَ مَنَجَّرَهُ فِي بِلَادِهِ، وَيَكُونَ خُلَاطَاؤُهُ صَالِحِينَ، وَتَكُونَ لَهُ أَوْلَادٌ يَسْتَعِينُ بِهِمْ.» (17)

فرمود: از سعادت مرد آن است که در شهر خود کسب و تجارت نماید و شریکان و مشتریانش افرادی صالح و نیکوکار باشند، و نیز دارای فرزندانی باشد که کمک حال او باشند.

18- قال(عليه السلام): «آيَاتُ الْقُرْآنِ خَزَائِنُ الْعِلْمِ، كُلَّمَا فَتِحَتْ خَزَائِنُهُ، فَيَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَنْظُرَ مَا فِيهَا.» (18)

فرمود: هر آیه ای از قرآن، خزینه ای از علوم خداوند متعال است، پس هر آیه را که مشغول خواندن می شوی، در آن دقت کن که چه می یابی.

19- قال(عليه السلام): «مَنْ خَتَمَ الْقُرْآنَ بِمَكَّةَ لَمْ يَمُتْ حَتَّى يَرَى رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم)، وَيَرَى مَنْزِلَهُ فِي الْجَنَّةِ.» (19)

فرمود: هر که قرآن را در مکه مکرمه ختم کند، نمی میرد مگر آن که حضرت رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم)؛ و نیز جایگاه خود را در بهشت رؤیت می نماید.

20- قال(عليه السلام): «يَا مَعْشَرَ مَنْ لَمْ يَحْجَّ اسْتَبْشِرُوا بِالْحَاجِّ إِذَا قَدِمُوا فَصَافِحُوهُمْ وَعَظِّمُوهُمْ، فَإِنَّ ذَلِكَ يَجِبُ عَلَيْكُمْ تَشَارِكُوهُمْ فِي الْأَجْرِ.» (20)

فرمود: شماهایی که به مکه نرفته اید و در مراسم حج شرکت نکرده اید، بشارت باد شماها را به آن حاجیانی که بر می گردند، با آن ها - دیدار و - مصافحه کنید تا در پاداش و ثواب حج آن ها شریک باشید.

21- قال(عليه السلام): «الرِّضَا بِمَكْرُوهِ الْقَضَاءِ، مِنْ أَعْلَى دَرَجَاتِ الْيَقِينِ.» (21)

فرمود: شادمانی و راضی بودن به سخت ترین مقدرات الهی از عالی ترین مراتب ایمان و یقین خواهد بود.

22- قال(عليه السلام): «مَا مِنْ جُرْعَةٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ جُرْعَتَيْنِ: جُرْعَةُ غَيْظٍ رَدَّهَا مُؤْمِنٌ بِحِلْمٍ، أَوْ جُرْعَةُ مُصِيبَةٍ رَدَّهَا مُؤْمِنٌ بِصَبْرٍ.» (22)

فرمود: نزد خداوند متعال حالتی محبوب تر از یکی از این دو حالت نیست: حالت غضب و غیظی که مؤمن با بردباری و حلم از آن بگذرد و دیگری حالت بلا و مصیبتی که مؤمن آن را با شکیبائی و صبر بگذراند.

23- قال(عليه السلام): «مَنْ رَمَى النَّاسَ بِمَا فِيهِمْ رَمَوْهُ بِمَا لَيْسَ فِيهِ.» (23)

فرمود: هرکس مردم را عیب جوئی کند و عیوب آنان را بازگو نماید و سرزنش کند، دیگران او را متهم به غیر واقعیات می کنند.

24- قال (علیه السلام): «مَجَالَسُهُ الصَّالِحِينَ دَاعِيَةٌ إِلَى الصَّلَاحِ، وَ أَدَبُ الْعُلَمَاءِ زِيَادَةٌ فِي الْعَقْلِ.» (24)

فرمود: هم نشینی با صالحان انسان را به سوی صلاح و خیر می کشاند؛ و معاشرت و هم صحبت شدن با علماء، سبب افزایش شعور و بینش می باشد.

25- قال (علیه السلام): «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ كُلَّ قَلْبٍ حَزِينٍ، وَ يُحِبُّ كُلَّ عَبْدٍ شَكُورٍ.» (25)

فرمود: همانا خداوند مهربان دوست دارد هر قلب حزین و غمگینی را (که در فکر نجات و سعادت خود باشد)؛ و نیز هر بنده شکرگذاری را دوست دارد.

26- قال (علیه السلام): «إِنَّ لِسَانَ ابْنِ آدَمَ يَشْرُفُ عَلَى جَمِيعِ جَوَارِحِهِ كُلِّ صَبَاحٍ فَيَقُولُ: كَيْفَ أَصْبَحْتُمْ؟ فَيَقُولُونَ: بِخَيْرٍ إِنْ تَرَكْتَنَا، إِنَّمَا نُنَابُ وَ نُعَاقِبُ بِكَ.» (26)

فرمود: هر روز صبحگاهان زبان انسان بر تمام اعضاء و جوارحش وارد می شود و می گوید: چگونه اید؟ و در چه وضعیتی هستید؟ جواب دهند: اگر تو ما را رها کنی خوب و آسوده هستیم، چون که ما به وسیله تو مورد ثواب و عقاب قرار می گیریم.

27- قال (علیه السلام): «مَا تَعَبَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ فِي الدُّنْيَا لِلدُّنْيَا، بَلْ تَعَبُوا فِي الدُّنْيَا لِلْآخِرَةِ.» (27)

فرمود: دوستان و اولیاء خدا در فعالیت های دنیوی خود را برای دنیا به زحمت نمی اندازند و خود را خسته نمی کنند بلکه برای آخرت زحمت می کشند.

28- قال (علیه السلام): «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي طَلَبِ الْعِلْمِ لَطَلَبُوهُ وَ لَوَسَفَكَ الْمُهْجَ وَ خَوْضِ اللَّجَجِ.» (28)

فرمود: چنانچه مردم منافع و فضایل تحصیل علوم را می دانستند هر آینه آن را تحصیل می کردند گرچه با ریخته شدن و یا فرو رفتن زیر آب ها در گرداب های خطرناک باشد.

29- قال (علیه السلام): «لَوْ اجْتَمَعَ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أَنْ يَصِفُوا اللَّهَ بِعَظَمَتِهِ لَمْ يَقْدِرُوا.» (29)

فرمود: چنانچه تمامی اهل آسمان و زمین گرد هم آیند و بخواهند خداوند متعال را در جهت عظمت و جلال توصیف و تعریف کنند، قادر نخواهند بود.

30- قال (علیه السلام): «مَا مِنْ شَيْءٍ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ بَعْدَ مَعْرِفَتِهِ مِنْ عَقَّةِ بَطْنٍ وَفَرْجٍ، وَمَا شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ.» (30)

فرمود: بعد از معرفت به خداوند چیزی محبوب تر از دور نگه داشتن شکم و عورت - از آلودگی ها و هوسرانی ها و گناهان - نیست، و نیز محبوبترین کارها نزد خداوند مناجات و درخواست نیازمندیها به درگاهش می باشد.

31- قال (علیه السلام): «إِنَّ أَفْضَلَ الْجِهَادِ عَقَّةَ الْبَطْنِ وَ الْفَرْجِ.» (31)

فرمود: با فضیلت ترین و مهمترین مجاهدت ها، عقیف نگه داشتن شکم و عورت است - از چیزهای حرام و شبهه ناک - .

32- قال (علیه السلام): «إِنَّ آدَمَ إِنَّكَ مَيِّتٌ وَ مَبْعُوثٌ وَ مَوْقُوفٌ بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَسْئُولٌ، فَأَعِدْ لَهُ جَوَابًا.» (32)

فرمود: ای فرزند آدم! (ای انسان! تو) خواهی مُرد و سپس محشور می شوی و در پیشگاه خداوند متعال جهت سؤال و جواب احضار خواهی شد، پس جوابی (قانع کننده و صحیح در مقابل سؤال ها) مهیا و آماده کن.

33- قال (علیه السلام): «نَظَرُ الْمُؤْمِنِ فِي وَجْهِ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ لِلْمَوَدَّةِ وَ الْمَحَبَّةِ لَهُ عِبَادَةٌ.» (33)

فرمود: نظر کردن مؤمن به صورت برادر مؤمنش از روی علاقه و محبت عبادت است.

34- قَالَ (عليه السلام): «إِيَّاكَ وَمُصَاحِبَهُ الْفَاسِقِ، فَإِنَّهُ بِإِعْجَكَ بِأَكْلِهِ أَوْ أَقَلِّ مِنْ ذَلِكَ وَإِيَّاكَ وَمُصَاحِبَهُ الْقَاطِعِ لِرَجْمِهِ فَإِنِّي وَجَدْتُهُ مَلْعُونًا فِي كِتَابِ اللَّهِ.» (34)

فرمود: بر حذر باش از دوستی و همراهی با فاسق چون که او به یک لقمه نان و چه بسا کمتر از آن هم، تو را می فروشد؛ و مواظب باش از دوستی و صحبت کردن با کسی که قاطع صله رحم می باشد چون که او را در کتاب خدا ملعون یافتیم.

35- قَالَ (عليه السلام): «أَشَدُّ سَاعَاتِ ابْنِ آدَمَ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ: السَّاعَةُ الَّتِي يُعَايِنُ فِيهَا مَلَكُ الْمَوْتِ، وَالسَّاعَةُ الَّتِي يَقُومُ فِيهَا مِنْ قَبْرِهِ، وَالسَّاعَةُ الَّتِي يَقِفُ فِيهَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، فَإِمَّا الْجَنَّةُ وَإِمَّا إِلَى النَّارِ.» (35)

فرمود: مشکل ترین و سخت ترین لحظات و ساعات دوران ها برای انسان، سه مرحله است:

1 - آن موقعی که عزرائیل بر بالین انسان وارد می شود و می خواهد جان او را برگیرد.

2 - آن هنگامی که از درون قبر زنده می شود و در صحرای محشر به پا می خیزد.

3 - آن زمانی که در پیشگاه خداوند متعال - جهت حساب و کتاب و بررسی اعمال - قرار می گیرد و نمی داند راهی بهشت و نعمت های جاوید می شود و یا راهی دوزخ و عذاب دردناک خواهد شد.

36- قَالَ (عليه السلام): «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنْ شِيعَتِنَا الْعَاهَةَ، وَجَعَلَ قُلُوبَهُمْ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ، وَجَعَلَ قُوَّةَ الرَّجُلِ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا.» (36)

فرمود: هنگامی که قائم ما (حضرت حجت، روحی له الفداء و عَج) قیام و خروج نماید خداوند بلا و آفت را از

شیعیان و پیروان ما بر می دارد و دل های ایشان را همانند قطعه آهن محکم می نماید، و نیرو و قوت هر یک از ایشان به مقدار نیروی چهل نفر دیگران خواهد شد.

37- قَالَ (عليه السلام): «عَجَبًا كُلُّ الْعَجَبِ لِمَنْ عَمِلَ لِدَارِ الْفَنَاءِ وَتَرَكَ دَارَ الْبَقَاءِ.» (37) فرمود: بسیار عجیب است از کسانی که برای این دنیای زودگذر و فانی کار می کنند و خون دل می خورند ولی آخرت را که باقی و ابدی است رها و فراموش کرده اند.

38- قَالَ (عليه السلام): «رَأَيْتُ الْخَيْرَ كُلَّهُ قَدْ اجْتَمَعَ فِي قَطْعِ الطَّمَعِ عَمَّا فِي أَيْدِي النَّاسِ.» (38)

فرمود: تمام خیرات و خوبی های دنیا و آخرت را در چشم پوشی و قطع طمع از زندگی و اموال دیگران می بینم (یعنی قناعت داشتن).

39- قَالَ (عليه السلام): «مَنْ لَمْ يَكُنْ عَقْلُهُ أَكْمَلَ مَا فِيهِ، كَانَ هَلَاكُهُ مِنْ أَيْسَرِ مَا فِيهِ.» (39)

فرمود: کسی که بینش و عقل خود را به کمال نرساند - و در زکود فکری و فرهنگی بسر برد - به سادگی در هلاکت و گمراهی و سقوط قرار خواهد گرفت.

40- قَالَ (عليه السلام): «إِنَّ الْمَعْرِفَةَ، وَكَمَالَ دِينِ الْمُسْلِمِ تَرْكُهُ الْكَلَامَ فِيمَا لَا يُغْنِيهِ، وَقِلَّةُ رِيَائِهِ، وَجِلْمُهُ، وَصَبْرُهُ، وَحُسْنُ خُلُقِهِ.» (40)

فرمود: همانا معرفت و کمال دین مسلمان در گرو رهاکردن سخنان و حرف هائی است که به حال او - و دیگران - سودی ندارد. همچنین از ریا و خودنمایی دوری جستن؛ و در برابر مشکلات زندگی بردبار و شکیبا بودن؛ و نیز دارای اخلاق پسندیده و نیک سیرت بودن است.

- 1 - تحف العقول: ص 204، بحار الأنوار: ج 75، ص 141، ح 3.
- 2 - تحف العقول: ص 204، بحار الأنوار: ج 75، ص 140، ح 3.
- 3 - مشكاة الأنوار: ص 172، بحار الأنوار: ج 66، ص 385، ح 48.
- 4 - مشكاة الأنوار: ص 246، بحار الأنوار: ج 67، ص 64، ح 5.
- 5 - تحف العقول: ص 186، بحار الأنوار: ج 71، ص 12، ح 2.
- 6 - تحف العقول: ص 203، بحار الأنوار: ج 75، ص 139، ح 3.
- 7 - تحف العقول: ص 210، بحار الأنوار: ج 75، ص 136، ح 3.
- 8 - تحف العقول: ص 201، بحار الأنوار: ج 75، ص 136، ح 3.
- 9 - مشكاة الأنوار: ص 232، س 20، بحار الأنوار: ج 78، ص 50، ح 77.
- 10 - مشكاة الأنوار: ص 166، س 3.
- 11 - مشكاة الأنوار: ص 207، س 18.
- 12 - مشكاة الأنوار: ص 229، س 10، بحار الأنوار: ج 78، ص 141، ح 3.
- 13 - أعيان الشيعة: ج 1، ص 645، بحار الأنوار: ج 78، ص 158، ح 19.
- 14 - مستدرک الوسائل: ج 7، ص 252، ح 8.
- 15 - مستدرک الوسائل: ج 17، ص 262، ح 25.
- 16 - تنبيه الخواطر، معروف به مجموعه ورام: ص 343، س 20.
- 17 - وسائل الشيعة: ج 17، ص 647، ح 1، ومشكاة الأنوار: ص 262.
- 18 - مستدرک الوسائل: ج 4، ص 238، ح 3.
- 19 - من لا يحضره الفقيه: ج 2، ص 146، ح 95.
- 20 - همان مدرک: ج 2، ص 147، ح 97.
- 21 - مستدرک الوسائل: ج 2، ص 413، ح 16.
- 22 - مستدرک الوسائل: ج 2، ص 424، ح 21.
- 23 - بحار الأنوار: ج 75، ص 261، ح 64.
- 24 - بحار الأنوار: ج 1، ص 141، ضمن ح 30، و ج 75، ص 304.
- 25 - کافی: ج 2، ص 99، بحار الأنوار: ج 71، ص 38، ح 25.
- 26 - اصول کافی: ج 2، ص 115، وسائل الشيعة: ج 12، ص 189، ح 1.
- 27 - بحار الأنوار: ج 73، ص 92، ضمن ح 69.
- 28 - اصول کافی: ج 1، ص 35، بحار الأنوار: ج 1، ص 185، ح 109.
- 29 - اصول کافی: ج 1، ص 102، ح 4.
- 30 - تحف العقول: ص 204، بحار الأنوار: ج 78، ص 41، ح 3.
- 31 - مشكاة الأنوار: ص 157، س 20.
- 32 - تحف العقول: ص 202، بحار الأنوار: ج 70، ص 64، ح 5.
- 33 - تحف العقول: ص 204، بحار الأنوار: ج 78، ص 140، ح 3.
- 34 - تحف العقول: ص 202، بحار الأنوار: ج 74، ص 196، ح 26.

- 35 - بحار الأنوار: ج 6، ص 159، ح 19، به نقل از خصال شیخ صدوق.
- 36 - خصال: ج 2، ص 542، بحارالأنوار: ج 52، ص 316، ح 12.
- 37 - بحارالأنوار: ج 73، ص 127، ح 128.
- 38 - اصول کافی: ج 2، ص 320، بحارالأنوار: ج 73، ص 171، ح 10.
- 39 - بحارالأنوار: ج 1، ص 94، ح 26، به نقل از تفسیر امام حسن عسکری (علیه السلام).
- 40 - تحف العقول: ص 202، بحارالأنوار: ج 2، ص 129، ح 11.

حضرت امام باقر (علیه السلام)

- 1- قَالَ الْأَمَامُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ الْبَاقِرِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) : «إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ أَنَّ فِيكَ خَيْرًا، فَانْظُرْ إِلَى قَلْبِكَ فَإِنْ كَانَ يُحِبُّ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَ يُبْغِضُ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَفِيكَ خَيْرٌ؛ وَاللَّهُ يُحِبُّكَ، وَإِذَا كَانَ يُبْغِضُ أَهْلَ طَاعَةِ اللَّهِ وَ يُحِبُّ أَهْلَ مَعْصِيَتِهِ فَلَيْسَ فِيكَ خَيْرٌ؛ وَاللَّهُ يُبْغِضُكَ، وَالْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ.» (1)
- حضرت امام محمد باقر (علیه السلام) فرمود: اگر خواستی بدانی که در وجودت خیر و خوشبختی هست یا نه، به درون خود دقت کن اگر اهل عبادت و طاعت را دوست داری و از اهل معصیت و گناه ناخوشایندی، پس در وجودت خیر و سعادت وجود دارد؛ و خداوند تو را دوست می دارد. ولی چنانچه از اهل طاعت و عبادت ناخوشایند باشی و به اهل معصیت عشق و علاقه ورزیدی، پس خیر و خوبی در تو نباشد؛ و خداوند تو را دشمن دارد. و هر انسانی با هر کسی که به او عشق و علاقه دارد، با همان محشور می گردد.
- 2- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «مَنْ كَفَّ عَنْ أَغْرَاضِ النَّاسِ أَقَالَهُ اللَّهُ نَفْسَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ مَنْ كَفَّ غَضَبَهُ عَنِ النَّاسِ كَفَّ اللَّهُ عَنْهُ غَضَبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.» (2)
- فرمود: هرکس دنبال هتک حرمت - ناموس و آبروی - دیگران نباشد، خداوند متعال او را در قیامت مورد عفو و بخشش قرار می دهد؛ و هرکس غضب و خشم خود را از دیگران باز دارد، خداوند نیز خشم و غضب خود را در قیامت از او بر طرف می سازد.
- 3- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «مَنْ ثَبَّتَ عَلَى وِلَايَتِنَا فِي غَيْبِهِ قَائِمِنَا، أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِيدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ حُنَيْنٍ.» (3)
- فرمود: کسی که در زمان غیبت امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) بر ایمان و ولایت ما اهل بیت عصمت و طهارت پا برجا و ثابت بماند، خداوند متعال پاداش و ثواب هزار شهید از شهدای جنگ بدر و حنین به او عطا می فرماید.
- 4- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «لَوْ أَنَّ الْأَمَامَ رُفِعَ مِنَ الْأَرْضِ سَاعَةً، لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا يَمْوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ.» (4)
- فرمود: اگر امام و حجت خدا لحظه ای از روی زمین و از بین افراد جامعه برداشته شود، زمین اهل خود را در خود می بلعد و فرو می برد همان طوری که دریا چیزهای خود را در خود متلاطم و آشفته می سازد.
- 5- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): «إِنَّ جَمِيعَ دَوَابِّ الْأَرْضِ لَتُصَلِّيَ عَلَى طَالِبِ الْعِلْمِ حَتَّى الْحَيَاتَانِ فِي الْبَحْرِ.» (5)
- فرمود: به درستی که تمام موجودات و جانوران زمین و بلکه ماهیان دریا برای تحصیل کنندگان علوم - اسلامی و

معارف الهی - تحیت و درود می فرستند.

6- قَالَ (علیه السلام): «لَوْ أُوتِيتُ بِشَابٍّ مِنْ شَبَابِ الشَّيْعَةِ لَا يَتَّقُهُ فِي الدِّينِ، لَأَوْجَعْتُهُ.» (6)

فرمود: اگر جوانی از جوانان شیعه را نزد من بیاورند که به مسائل دین - و زندگی - آشنا نباشد، او را تنبیه و تأدیب خواهم کرد (تا به دنبال تحصیل مسائل دین برود).

7- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ أَقْتَى النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ لَا هُدًى، لَعَنَتْهُ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ وَ مَلَائِكَةُ الْعَذَابِ، وَ لَحِقَهُ وَزْرٌ مَنْ عَمِلَ بِفُتْيَاهُ.» (7)

فرمود: هرکس درباره مسائل دین فتوا و نظریه ای دهد که بدون علم و اطلاع باشد، ملائکه رحمت و ملائکه عذاب او را لعن و نفرین می کنند و گناه عمل کننده - اگر خلاف باشد - بر عهده گوینده است.

8- قَالَ (علیه السلام): «الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ، مَثَلُهَا كَمَثَلِ عَمُودِ الْفُسْطَاطِ، إِذَا ثَبَتَ الْعَمُودُ ثَبَتَ الْأُوتَادُ وَ الْأُتُنَابُ، وَ إِذَا مَالَ الْعَمُودُ وَانْكَسَرَ لَمْ يَثْبُتْ وَ تَدَّ وَ لَا طَنْبٌ.» (8)

فرمود: نماز ستون دین است و مثالش همانند تیرک و ستون خیمه می باشد که چنانچه محکم و استوار باشد میخ ها و طناب های اطراف آن پا بر جا خواهد بود ولی اگر ستون سُست یا کج باشد میخ ها و طنابهای اطراف آن نمی تواند پا برجا باشد.

9- قَالَ (علیه السلام): «لَا تَتَهَاوَنَ بِصَلَاتِكَ، فَإِنَّ النَّبِيَّ (صلى الله عليه وآله وسلم) قَالَ عِنْدَ مَوْتِهِ: لَيْسَ مِنِّي مَنْ اسْتَحَفَّ بِصَلَاتِهِ، لَيْسَ مِنِّي، مَنْ شَرِبَ مُسْكِرًا، لَا يَرُدُّ عَلَى الْحَوْضِ، لَا وَ اللَّهِ.» (9)

فرمود: نسبت به نماز بی اعتنا مباش و آن را سبک و ناچیز مشمار، همانا که پیامبر خدا هنگام وفات خود فرمود: هرکس نماز را سبک شمارد و یا مسکرات بنوشد از - امت - من نیست و بر حوض کوثر وارد نخواهد شد.

10- قَالَ (علیه السلام): «بُنِيَ الْأِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ: عَلَى الصَّلَاةِ، وَ الزَّكَاةِ، وَ الْحَجِّ، وَ الصَّوْمِ، وَ الْوِلَايَةِ، وَ لَمْ يُنَادَ بِشَيْءٍ مِثْلَ مَا نُودِيَ لِلْوِلَايَةِ.» (10)

فرمود: دین مبین اسلام بر پنج پایه و اساس استوار است: نماز، زکات، خمس، حج، روزه، ولایت اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام). سپس افزود: آن مقداری که نسبت به ولایت سفارش شده است نسبت به هیچ کدام تأکید نگردیده است و ولایت اساس و محور تمام اعمال می باشد.

11- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ دَعَا اللَّهَ بِنَا أَفْلَحَ، وَ مَنْ دَعَاهُ بِغَيْرِنَا هَلَكَ وَ اسْتَهْلَكَ.» (11)

فرمود: هر که خداوند را به وسیله ما بخواند و ما را واسطه قرار دهد رستگار و موفق خواهد شد. و کسی که غیر از ما اهل بیت - عصمت و طهارت - را وسیله گرداند ناامید و هلاک خواهد گشت.

12- قَالَ (علیه السلام): «الْأَعْمَالُ تُضَاعَفُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَأَكْثَرُوا فِيهَا مِنَ الصَّلَاةِ وَ الصَّدَقَةِ وَ الدُّعَاءِ.» (12)

فرمود: پاداش اعمال - بد یا خوب - در روز جمعه دو برابر دیگر روزها است، پس سعی نمائید در این روز نماز و صدقه و دعا بسیار انجام دهید.

13- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ طَلَبَ الدُّنْيَا اسْتِغْفَافًا عَنِ النَّاسِ، وَ سَعْيًا عَلَى أَهْلِهِ، وَ تَعَطُّفًا عَلَى جَارِهِ، لَقِيَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ وَجْهُهُ مِثْلُ الْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ.» (13)

فرمود: هرکس دنیا را به جهت یکی از این سه حالت طلب کند: بی نیازی از مردم، آسایش و رفاه خانواده و عائله اش، کمک و رسیدگی به همسایه اش. روز قیامت در حالتی محشور می گردد و به ملاقات خداوند متعال نایل می شود که صورتش همچون ماه شب چهارده، نورانی است.

14- قَالَ (علیه السلام): «ثَلَاثٌ لَمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لِأَحَدٍ فِيهِنَّ رُخْصَةً: أَدَاءُ الْأَمَانَةِ إِلَى الْبَرِّ وَ الْفَاجِرِ، وَ الْوَفَاءُ بِالْعَهْدِ لِلْبَرِّ

وَالْفَاجِرِ، وَ بُرِّ الْوَالِدَيْنِ بَرِّينَ كَانَا أَوْ فَاجِرِينَ» (14)

فرمود: خداوند سبحان در سه چیز رخصت قرار نداده است: امانت را سالم تحویل صاحبش دادن، خواه آن که صاحبش آدم خوبی باشد یا فاجر. وفای به عهد نسبت به هر شخصی خوب باشد یا بد.

15- قَالَ (عليه السلام): «إِنَّ الْجَنَّةَ وَالْجُورَ لَتَشْتَاقُ إِلَى مَنْ يَكْسَحُ الْمَسْجِدَ، أَوْ يَأْخُذُ مِنْهُ الْقَذَى.» (15)

فرمود: همانا بهشت و حورالعین در انتظار افرادی است که در نظافت و تمیز کردن مسجد سعی و تلاش نمایند.

16- قَالَ (عليه السلام): «إِنَّمَا يَبْتَلِي الْمُؤْمِنُ فِي الدُّنْيَا عَلَى قَدَرِ دِينِهِ.» (16)

فرمود: همانا مؤمن در این دنیا هر مقداری که دین و ایمان داشته باشد به همان اندازه مورد امتحان و آزمایش قرار می گیرد.

17- قَالَ (عليه السلام): «لَا يَكُونُ الْعَبْدُ عَابِدًا لِلَّهِ حَقَّ عِبَادَتِهِ حَتَّى يَنْقَطِعَ عَنِ الْخَلْقِ كُلِّهِمْ، فَحِينَئِذٍ يَقُولُ: هَذَا

خَالِصٌ لِي، فَيَقْبَلُهُ بِكَرَمِهِ.» (17)

فرمود: کسی به بندگی و ستایش گر حقیقی در برابر خداوند نمی رسد مگر آن که از تمام افراد قطع امید کند و تنها امیدش خدای یکتا باشد. در یک چنین حالتی خداوند گوید: این عمل خالصانه برای من است و آن را مورد قبول و عنایت خود قرار می دهد.

18- قَالَ (عليه السلام): «أَقْسِمُ بِاللَّهِ وَهُوَ حَقٌّ، مَا فَتَحَ رَجُلٌ عَلَى نَفْسِهِ بَابَ الْمَسْأَلَةِ إِلَّا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَابَ فَقْرٍ.»

(18)

فرمود: سوگند به خدائی که بر حق است، چنانچه شخصی در موردی، تقاضای خود را به یکی از هم نوعان خود بگوید و بدون توجه به خداوند متعال درخواست کمک نماید، خداوند دری از درهای فقر و تنگ دستی را بر او بگشاید.

19- قَالَ (عليه السلام): «مَنْ قَضَى مُسْلِمًا حَاجَتَهُ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: ثَوَابُكَ عَلَيَّ وَلَا أَرْضَى لَكَ ثَوَابًا دُونَ الْجَنَّةِ.»

(19)

فرمود: هرکس حاجتی را برای مسلمانی برآورده کند و گره از مشکلیش بگشاید، خداوند متعال به او خطاب کند: ثواب و پاداش تو بر عهده من خواهد بود و غیر از بهشت چیز دیگری لایق تو نخواهد بود.

20- قَالَ (عليه السلام): «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَوْحَى إِلَى شُعَيْبِ النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله وسلم): إِنِّي مُعَذِّبُ مِنْ

قَوْمِكَ مِائَةَ أَلْفٍ، أَرْبَعِينَ أَلْفًا مِنْ شَرَارِهِمْ وَ سِتِّينَ أَلْفًا مِنْ خِيَارِهِمْ. فَقَالَ: يَا رَبِّ هَؤُلَاءِ الْأَشْرَارُ فَمَا بِالْأَخْيَارِ؟

فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهِ: إِنَّهُمْ دَاهِنُوا أَهْلَ الْمَعَاصِي وَ لَمْ يَغْضِبُوا لِغَضَبِي.» (20)

فرمود: همانا خداوند متعال، برای حضرت شعیب (علیه السلام) وحی فرستاد: من از قوم تو یکصد هزار نفر را عذاب و هلاک می نمایم که شصت هزار نفر ایشان، اشرار و چهل هزار نفر دیگرشان از خوبان و عبادت کنندگان خواهند بود. حضرت شعیب (علیه السلام) سؤال نمود: اشرار که مستحق عذاب هستند ولی خوبان را چرا عذاب می نمائی؟ خداوند وحی نمود: به جهت آن که این افراد، نسبت به گناهکاران بی تفاوت بوده و با ایشان سازش می کردند.

21- قَالَ (عليه السلام): «مَنْ أَطْعَمَ مُؤْمِنًا، أَطْعَمَهُ اللَّهُ مِنْ ثَمَارِ الْجَنَّةِ.» (21)

فرمود: هرکس مؤمنی را طعام دهد، خداوند از میوه های بهشتی روزی او گرداند.

22- قَالَ (عليه السلام): «مَنْ حَمَلَ أَخَاهُ عَلَى رَحْلِهِ بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِلَى الْمَوْقِفِ عَلَى نَاقِهِ مِنْ نُوقِ الْجَنَّةِ

يُبَاهِي بِهِ الْمَلَائِكَةَ.» (22)

فرمود: کسی که برادرش را (و هرکس که در مسیر راه بدون وسیله است) سوار وسیله نقلیه خود کند - و حتی امکان او را به مقصد برساند - خداوند متعال او را در قیامت سوار شتری از شترهای بهشتی می گرداند - که سریع او را به مقصد برساند و از شدائد و سختی های محشر در امان گردد ، و به بر ملائکه مباحات و افتخار می کنند.

23- قَالَ (علیه السلام): «إِذَا دَخَلَ أَحَدُكُمْ عَلَى أَخِيهِ فِي بَيْتِهِ، فَلْيَقْعُدْ حَيْثُ يَأْمُرُهُ صَاحِبُ الرَّحْلِ، فَإِنَّ صَاحِبَ الْبَيْتِ أَعْرَفُ بِغَوْرِهِ بَيْتِهِ مِنَ الدَّخِلِ عَلَيْهِ.» (23)

فرمود: هنگامی به منزل یکی از برادران و دوستانتان وارد شدید، هر کجا به شما گفت بنشینید، بپذیرید و همانجا بنشینید، چون که صاحب منزل بیش از دیگران به اسرار منزل خود آشنا و آگاه است.

24- قَالَ (علیه السلام): «الْجَنَّةُ مُحَرَّمَةٌ عَلَى الْفَتَّانِينَ الْمَشَائِينَ بِالنَّمِيمَةِ.» (24)

فرمود: بهشت - و نعمت های حیات بخش آن - برای اشخاص فتنه گر و سخن چین آشوب طلب، حرام است.

25- قَالَ (علیه السلام): «إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنَى خَمْسٍ سِنِينَ، فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ إِذَا كَانُوا بَنَى سَبْعٍ سِنِينَ.» (25)

فرمود: ما - اهل بیت عصمت و طهارت - کودکان خود را از دوران پنج سالگی به انجام نماز دستور می دهیم، ولی شما - دوستان و پیروان ما - فرزندان خود را از سنین هفت سالگی وادار به نماز نمائید.

26- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ حَمَلَ جِنَازَةً مِنْ أَرْبَعِ جَوَانِبِهَا، غَفَرَ اللَّهُ لَهُ أَرْبَعِينَ كَبِيرَةً.» (26)

فرمود: هرکس جنازه ای را تشییع نماید و چهار جانب تابوت را بر شانه خود حمل کند، خداوند چهل گناه از گناهانش را می آمرزد.

27- قَالَ (علیه السلام): «خَفِ اللَّهَ تَعَالَى لِقُدْرَتِهِ عَلَيْكَ، وَ اسْتَحِ مِنْهُ لِقُرْبِهِ مِنْكَ.» (27)

فرمود: بترس از قدرت بی منتهای خداوند متعال که از - جهات مختلف - بر تو دارد، و از خداوند شرم و حیا کن - در انجام گناهان - به جهت آن که از هر چیزی به تو نزدیک تر است.

28- قَالَ (علیه السلام): «الْحِكْمَةُ ضَالَّةُ الْمُؤْمِنِ، فَحَيْثُ مَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ ضَالَّتَهُ فَلْيَأْخُذْهَا.» (28)

فرمود: دانش و حکمت، گمشده - ارزشمندی است برای - مؤمن که هر کجا و نزد هرکس یافت شود باید آن را دریافت نماید.

29- قَالَ (علیه السلام): «فِي الْمِلْحِ شِفَاءٌ مِنْ سَبْعِينَ دَاءً، ثُمَّ قَالَ: لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي الْمِلْحِ مَا تَدَاوَوْا إِلَّا بِهِ.» (29)

فرمود: نمک شفا بخش و درمان کننده هفتاد نوع مرض و درد خواهد بود و افزود چنانچه مردم خواص نمک می شناختند به چیزی غیر از نمک مداوا و درمان نمی کردند.

30- قَالَ (علیه السلام): «إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا صَافَحَ الْمُؤْمِنَ تَقَرَّقَا مِنْ غَيْرِ ذَنْبٍ.» (30)

فرمود: همانا مؤمنی که با برادر مؤمنش دیدار و مصافحه نماید، گناهانشان ریخته می شود و بدون گناه از یکدیگر جدا خواهند شد.

31- قَالَ (علیه السلام): «مَثَلُ الْحَرِيصِ عَلَى الدُّنْيَا مَثَلُ ذَرَوِهِ الْقَرْ، كُلَّمَا ارْزَادَتْ عَلَى نَفْسِهَا لَقًا كَانَ أَبْعَدُ مِنَ الْخُرُوجِ حَتَّى تَمُوتَ غَمًّا.» (31)

فرمود: تمثیل افراد حریص به مال و زیورآلات دنیا همانند کرم ابریشمی است که هر چه اطراف خود بچرخد و بیشتر فعالیت کند و تارهای ابریشم را به دور خود بپیچد، خارج شدنش از بین آن تارها سخت تر گردد و چه بسا

غیر ممکن می شود تا جائی که چاره ای جز مرگ نداشته باشد.

32- قَالَ (علیه السلام): «إِنَّ الْمُؤْمِنَ أَخَ الْمُؤْمِنِ لَا يَشْتِمُهُ، وَلَا يُحَرِّمُهُ، وَلَا يُسِيءُ بِهِ الظَّنَّ.» (32)

فرمود: مؤمن برادر مؤمن است، باید او را دشنام ندهد، سرزنش و بدگوئی نکند، و او را از خوبیها محروم نگرداند، و به او بدگمان نباشد.

33- قَالَ (علیه السلام): «الْكَمَالُ كُلُّ الْكَمَالِ، التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ، وَالصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ، وَتَقْدِيرُ الْمَعِيشَةِ.» (33)

فرمود: تمام کمالات - معنوی و مادی انسان - در فقاقت و شناخت دقیق و صحیح مسائل دین و معارف الهی است؛ و صبر و شکیبائی در مقابل ناملایمات، و نیز زندگی را با تدبیر و مدیریت برنامه ریزی کردن می باشد.

34- قَالَ (علیه السلام): «صِلْهُ الْأَرْحَامَ تُرَكِّي الْأَعْمَالَ، وَتُنْمِيَ الْأَمْوَالَ، وَتَدْفَعُ الْبَلَوَى، وَتُيسِّرُ الْحِسَابَ، وَتُنْسِيءُ

فِي الْأَجَلِ.» (34)

صله رحم نمودن (پنج فایده دارد): موجب تزکیه اعمال و عبادات می شود، سبب رشد و برکت در اموال می گردد، بلاها، آفات؛ و گرفتاری ها را دفع و بر طرف می نماید، حساب (قبر و قیامت) را آسان می گرداند و مرگ و اجل (معلق) را تأخیر می اندازد.

35- قَالَ (علیه السلام): «فَضْلُ صَلَاةِ الْجَمَاعَةِ عَلَى صَلَاةِ الرَّجُلِ فَرْدًا خَمْسًا وَعِشْرِينَ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ.» (35)

فرمود: فضیلت و برتری نماز جماعت بر نماز فرادا و تنها، بیست و پنج درجه از مقامات بهشتی است.

36- قَالَ (علیه السلام): «وَأَمَّا الْمُنْجِيَاتُ: فَخَوْفُ اللَّهِ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ، وَالْقَصْدُ فِي الْغِنَى وَالْفَقْرِ، وَكَلِمَةُ

الْعَدْلِ فِي الرِّضَا وَالسَّخَطِ.» (36)

فرمود: از اسباب نجات، ترس از خدا در خفاء و آشکارا است، رعایت اقتصاد و صرفه جوئی در تمام حالات بی نیازی و نیازمندی، نیز رعایت انصاف و گفتن سخن حق و عدالت در همه حالت های خوشی و ناراحتی.

37- قَالَ (علیه السلام): «لَا تَنَالُ وَلَايَتَنَا إِلَّا بِالْعَمَلِ وَالْوَرَعِ.» (37)

فرمود: ولایت و شفاعت ما شامل نمی شود مگر افرادی را که دارای عمل - صالح - و نیز پرهیز از گناه داشته باشند.

38- قَالَ (علیه السلام): «إِنَّ أَعْمَالَ الْعِبَادِ تُعْرَضُ عَلَى نَبِيِّكُمْ كُلِّ عَشِيَّةٍ حَمِيسٍ، فَلْيَسْتَحِ أَحَدُكُمْ أَنْ يُعْرِضَ عَلَى

نَبِيِّهِ الْعَمَلَ الْقَبِيحَ.» (38)

فرمود: همانا تمام کارها و حرکات بندگان در هر شب جمعه بر پیغمبر اسلام عرضه می گردد، پس حیاء کنید از این که عمل زشت شما را نزد پیغمبرتان ارائه دهند.

39- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ عَلَّمَ بَابَ هُدًى فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ عَمِلَ بِهِ، وَلَا يَنْقُصُ أُولَئِكَ مِنْ أَجُورِهِمْ.» (39)

فرمود: هرکس راه هدایت و سعادت را بگشاید و یا به دیگران تعلیم دهد، اجر و پاداش او همانند کسی است که به آن کار خیر عمل کرده باشد بدون آن که از پاداش عمل کنندگان کسر شود.

40- قَالَ (علیه السلام): «أَرْبَعٌ مِنْ كُنُوزِ الْبِرِّ: كِتْمَانُ الْحَاجَةِ، وَكِتْمَانُ الصَّدَقَةِ، وَكِتْمَانُ الْوَجَعِ، وَكِتْمَانُ الْمُصِيبَةِ.»

(40)

فرمود: چهار حالت از کنزهای نیک و پسندیده است: پوشاندن نیاز و حاجت خود را از دیگران، دادن صدقه و کمک به افراد به طور مخفیانه و محرمانه، دردها و مشکلات و ناراحتی ها را تحمل کردن و هنگام مصیبت و حوادث، جزع و داد و فریاد نکردن.

پاورقی ها :

- 1 - اصول کافی: ج 2، ص 103، ح 11، وسائل الشّیعه: ج 16، ص 183، ح 1.
- 2 - کتاب الزّهد: ص 1، ح 9.
- 3 - إثبات الهداه: ج 3، ص 467.
- 4 - اصول کافی: ج 1، ص 179، ح 12.
- 5 - بحارالأنوار: ج 1، ص 137، ح 31.
- 6 - محاسن برقی: ج 1، ص 228.
- 7 - اصول کافی: ج 1، ص 42، ح 3، و مستدرک الوسائل: ج 17، ص 244.
- 8 - وسائل الشیعه: ج 4، ص 27، ح 4424.
- 9 - وسائل الشّیعه: ج 4، ص 23، ح 4413.
- 10 - وسائل الشّیعه: ج 1، ص 18، ح 10.
- 11 - أمالی شیخ طوسی: ج 1، ص 175.
- 12 - مستدرک الوسائل: ج 6، ص 64، ح 15.
- 13 - وسائل الشّیعه: ج 17، ص 21، ح 5.
- 14 - وسائل الشّیعه: ج 21، ص 490، ح 3.
- 15 - مستدرک الوسائل: ج 3، ص 385.
- 16 - تنبيه الخواطر، معروف به مجموعه وّرام: ص 523، بحارالأنوار: ج 67، ص 210، ح 12، به نقل از کافی.
- 17 - تنبيه الخواطر، معروف به مجموعه وّرام: ص 427، بحارالأنوار: ج 70، ص 111، ح 14.
- 18 - عدّه الداعی: ص 99، س 15.
- 19 - مستدرک الوسائل: ج 12، ص 402، ح 6.
- 20 - الجواهرالسّنیّه: ص 28، بحارالأنوار: ج 12، ص 386، ح 12، به نقل از کافی.
- 21 - محاسن برقی: ص 393، ح 4.
- 22 - بحارالانوار: ج 7، ص 303، ح 61.
- 23 - وسائل الشّیعه: ج 5، ص 322.
- 24 - تنبيه الخواطر، معروف به مجموعه وّرام: ص 528.
- 25 - وسائل الشّیعه: ج 4، ص 31، ح 4434.
- 26 - وسائل الشّیعه: ج 3، ص 3، ح 153.
- 27 - بحارالأنوار: ج 68، ص 336، ح 22.
- 28 - تنبيه الخواطر، معروف به مجموعه وّرام: ص 468.
- 29 - تنبيه الخواطر، معروف به مجموعه وّرام: ص 468.
- 30 - خصال صدوق: ج 1، ص 13.
- 31 - وسائل الشّیعه: ج 11، ص 318.
- 32 - تحف العقول: ص 221، بحارالأنوار: ج 78، ص 176، ح 5.
- 33 - تحف العقول: ص 213، بحارالأنوار: ج 78، ص 172، ح 5.

34 - تحف العقول: ص 218، بحار الأنوار: ج 74، ص 111، ح 71.

35 - وسائل الشَّيْعَه: ج 17، ص 37.

36 - وسائل الشَّيْعَه: ج 11، ص 174، ح 12.

37 - وسائل الشَّيْعَه: ج 11، ص 196.

38 - وسائل الشَّيْعَه: ج 11، ص 391.

39 - وسائل الشَّيْعَه: ج 1، ص 436.

40 - تحف العقول: ص 215.

حضرت امام صادق (عليه السلام)

1- قَالَ الْإِمَامُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ (عليه السلام) : «حَدِيثُ أَبِي، وَ حَدِيثُ أَبِي حَدِيثُ جَدِّي، وَ حَدِيثُ جَدِّي حَدِيثُ الْحُسَيْنِ، وَ حَدِيثُ الْحُسَيْنِ حَدِيثُ الْحَسَنِ، وَ حَدِيثُ الْحَسَنِ حَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ حَدِيثُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم)، وَ حَدِيثُ رَسُولِ اللَّهِ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.» (1)

حضرت امام جعفر صادق (عليه السلام) فرمود: سخن و حدیث من همانند سخن پدرم می باشد، و سخن پدرم همچون سخن جدّم، و سخن جدّم نیز مانند سخن حسین و نیز سخن او با سخن حسن یکی است و سخن حسن همانند سخن امیرالمؤمنین علیّ و کلام او از کلام رسول خدا می باشد، که سخن رسول الله به نقل از سخن خداوند متعال خواهد بود.

2- قَالَ (عليه السلام): «مَنْ حَفِظَ مِنْ شِيعَتِنَا أَرْبَعِينَ حَدِيثًا بَعَثَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَالِمًا فَقِيهًا وَلَمْ يُعَذِّبْهُ.» (2) فرمود: هرکس از شیعیان ما چهل حدیث را حفظ کند - و به آن ها عمل نماید -، خداوند او را دانشمندی فقیه در قیامت محشور می گرداند و عذاب نمی شود.

3- قَالَ (عليه السلام): «قَضَاءُ حَاجَةِ الْمُؤْمِنِ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ حَاجَةٍ مُتَقَبَّلَةٍ بِمَنَاسِكِهَا، وَ عِتْقُ أَلْفِ رَقَبَةٍ لِرُوحِهِ اللَّهِ، وَ حِمْلَانِ أَلْفِ فَرَسٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِسَرَجِهَا وَ لَحْمِهَا.» (3)

فرمود: برآوردن حوائج و نیازمندی های مؤمن از هزار حجّ مقبول و آزادی هزار بنده و فرستادن هزار اسب مجهّز در راه خدا، بالاتر و والاتر است.

4- قَالَ (عليه السلام): «أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةُ، فَإِنْ قُبِلَتْ قُبِلَ سَائِرُ عَمَلِهِ، وَ إِذَا رُدَّتْ، رُدَّ عَلَيْهِ سَائِرُ عَمَلِهِ.» (4)

فرمود: اوّلین محاسبه انسان در پیشگاه خداوند پیرامون نماز است، پس اگر نمازش قبول شود بقیه عبادات و اعمالش نیز پذیرفته می گردد وگرنه مردود خواهد شد.

5- قَالَ (عليه السلام): «إِذَا فَشَتْ أَرْبَعَةٌ ظَهَرَتْ أَرْبَعَةٌ: إِذَا فَشَا الزُّنَا كَثُرَتِ الزَّلَازِلُ، وَ إِذَا أُمْسِكَتِ الزَّكَاةُ هَلَكَتِ الْمَاشِيَةُ، وَ إِذَا جَارَ الْحُكَّامُ فِي الْقَضَاءِ أُمْسِكَ الْمَطَرُ مِنَ السَّمَاءِ، وَ إِذَا ظَفَرَتِ الدَّمَةُ نُصِرَ الْمُشْرِكُونَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ.» (5)

فرمود: هنگامی که چهار چیز در جامعه شایع و رایج گردد چهار نوع بلا و گرفتاری پدید آید: چنانچه زنا رایج گردد

زلزله - و مرگ ناگهانی - فراوان شود. چنانچه زکات و خمسِ اموال پرداخت نشود حیوانات نابود شود. اگر حاکمان جامعه و قضات ستم و بی عدالتی نمایند باران - رحمت خداوند - نمی بارد. و اگر اهل ذمه تقویت شوند مشرکین بر مسلمین پیروز آیند.

6- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ عَابَ أَخَاهُ بِعَيْبٍ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ.» (6)

فرمود: هرکس برادر - ایمانی خود را برچسبی بزند و او - را متهم کند از اهل آتش خواهد بود.

7- قَالَ (علیه السلام): «الصَّمْتُ كَنْزٌ وَافِرٌ، وَ زَيْنُ الْجِلْمِ، وَ سِتْرُ الْجَاهِلِ.» (7)

فرمود: سکوت همانند گنجی پربهاء، زینت بخش حلم و بردباری است؛ و نیز سکوت، سرپوشی بر آبروی شخص نادان و جاهل می باشد.

8- قَالَ (علیه السلام): «إِصْحَبْ مَنْ تَتَزَيَّنُ بِهِ، وَ لَا تَصْحَبْ مَنْ يَتَزَيَّنُ لَكَ.» (8)

فرمود: با کسی دوستی و رفت و آمد کن که موجب عزّت و سربلندی تو باشد، و با کسی که می خواهد از تو بهره برد و خودنمایی می کند همدم مباش.

9- قَالَ (علیه السلام): «كَمَالُ الْمُؤْمِنِ فِي ثَلَاثِ خِصَالٍ: الْفِقْهُ فِي دِينِهِ، وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ، وَ التَّقْدِيرُ فِي

الْمَعِيشَةِ.» (9)

فرمود: شخصیت و کمال مؤمن در سه خصلت است: آشنا بودن به مسائل و احکام دین، صبر در مقابل شداید و ناملایمات، زندگی او همراه با حساب و کتاب و برنامه ریزی دقیق باشد.

10- قَالَ (علیه السلام): «عَلَيْكُمْ بِإِثْيَانِ الْمَسَاجِدِ، فَإِنَّهَا بَيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ، وَ مَنْ أَتَاهَا مُتَطَهَّرًا طَهَّرَهُ اللَّهُ مِنْ

ذُنُوبِهِ، وَ كُتِبَ مِنْ زُورِهِ.» (10)

فرمود: بر شما باد به دخول در مساجد، چون که آن ها خانه خداوند بر روی زمین است؛ و هر کسی که با طهارت وارد آن شود خداوند متعال او را از گناهان تطهیر می نماید و در زمره زیارت کنندگانش محسوب می شوند.

11- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ قَالَ بَعْدَ صَلَوَةِ الصُّبْحِ قَبْلَ أَنْ يَتَكَلَّمَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَ لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ

إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» يُعِيدُهَا سَبْعَ مَرَّاتٍ، دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ سَبْعِينَ نَوْعاً مِنْ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ، أَهْوَنُهَا الْجَذَامُ وَالْبَرَصُ.»

(11)

فرمود: هر کسی بعد از نماز صبح پیش از آن که سخنی مطرح کند، هفت مرتبه بگوید:

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» خداوند متعال هفتاد نوع بلا از او دور گرداند

که ساده ترین آن ها مرض پیری و جذام باشد.

12- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ تَوَضَّأَ وَ تَمَنَّدَلَ كُتِبَتْ لَهُ حَسَنَةٌ، وَ مَنْ تَوَضَّأَ وَلَمْ يَتَمَنَّدَلَ حَتَّى يَجِفَّ وَضُوءُهُ، كُتِبَ لَهُ

ثَلَاثُونَ حَسَنَةً.» (12)

فرمود: هرکس وضو بگیرد و با حوله خشک نماید یک حسنه دارد و چنانچه خشک نکند سی حسنه خواهد

داشت.

13- قَالَ (علیه السلام): «لَأَفْطَارُكَ فِي مَنْزِلِ أَخِيكَ أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِكَ سَبْعِينَ ضِعْفًا.» (13)

فرمود: اگر افطاری روزه ات را در منزل برادر - مؤمنت - ، انجام بدهی ثوابش هفتاد برابر اصل روزه است.

14- قَالَ (علیه السلام): «إِذَا أَفْطَرَ الرَّجُلُ عَلَى الْمَاءِ الْفَاتِرِ نَقَى كِبْدَهُ، وَ غَسَلَ الذُّنُوبَ مِنَ الْقَلْبِ، وَ قَوَّى الْبَصَرَ

وَالْحَدَقَ.» (14)

فرمود: چنانچه انسان روزه خود را با آب جوش افطار نماید کبدش پاک و سالم باقی می ماند، و قلبش از کدورت

ها تمیز و نور چشمش قوی و روشن می گردد.

15- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ فِي الْمُصْحَفِ مُتَّعٍ بِبَصَرِهِ، وَ حُنْفٍ عَلَى وَالِدَيْهِ وَ إِنْ كَانَ كَافِرِينَ.» (15)

فرمود: هر که قرآن شریف را از روی آن قرائت نماید بر روشنائی چشمش افزوده گردد؛ و نیز گناهان پدر و مادرش سبک شود گرچه کافر باشند.

16- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ قَرَأَ (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) مَرَّةً وَاحِدَةً فَكَأَنَّمَا قَرَأَ ثُلُثَ الْقُرْآنِ وَ ثُلُثَ التَّوْرَةِ وَ ثُلُثَ الْإِنْجِيلِ وَ ثُلُثَ الزَّبُورِ.» (16)

فرمود: هر که یک مرتبه سوره توحید را تلاوت نماید، همانند کسی است که یک سوّم قرآن و تورات و انجیل و زبور را خوانده باشد.

17- قَالَ (علیه السلام): «إِنَّ لِكُلِّ ثَمَرَةٍ سَمًّا، فَإِذَا أُتِيَتْ بِهَا فَأَمْسُوهُا الْمَاءَ، وَ اغْمِسُوهَا فِي الْمَاءِ.» (17)

فرمود: هر نوع میوه و ثمره ای، مسموم و آغشته به میکرب ها است؛ هر گاه خواستید از آن ها استفاده کنید با آب بشوئید.

18- قَالَ (علیه السلام): «عَلَيْكُمْ بِالسَّلْجَمِ، فَكُلُوهُ وَ أَدِيمُوا أَكْلَهُ، وَ اكْتُمُوهُ إِلَّا عَنْ أَهْلِهِ، فَمَا مِنْ أَحَدٍ إِلَّا وَ بِهِ عِزٌّ مِنَ الْجَذَامِ، فَادْيُبُوهُ بِأَكْلِهِ.» (18)

فرمود: سلغم را اهمیّت دهید و مرتّب آن را میل نمائید و آن را به مخالفین معرفی نکنید، سلغم رگ جذام را قطع و نابود می سازد.

19- قَالَ (علیه السلام): «يُسْتَجَابُ الدُّعَاءُ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ: فِي الْوُتْرِ، وَ بَعْدَ الْفَجْرِ، وَ بَعْدَ الظُّهْرِ، وَ بَعْدَ الْمَغْرِبِ.» (19)

فرمود: در چهار وقت دعا مستجاب خواهد شد: هنگام نماز وتر، بعد از نماز صبح، بعد از نماز ظهر، بعد از نماز مغرب.

20- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ دَعَا لِعَشْرَةِ مِنْ إِخْوَانِهِ الْمَوْتَى لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ أُوجِبَ اللَّهُ لَهُ الْجَنَّةَ.» (20)

فرمود: هرکس که در شب جمعه برای ده نفر از دوستان مؤمن خود که از دنیا رفته اند دعا و طلب مغفرت نماید، از اهل بهشت قرار خواهد گرفت.

21- قَالَ (علیه السلام): «مِشْطُ الرَّأْسِ يَذْهَبُ بِالْوَبَاءِ، وَ مِشْطُ اللَّحْيَةِ يُشَدِّدُ الْأَصْرَاسَ.» (21)

فرمود: شانه کردن موی سر موجب نابودی وبا - و مانع ریزش مو - می گردد، و شانه کردن ریش و محاسن ریشه دندان ها را محکم می نماید.

22- قَالَ (علیه السلام): «أَيُّمَا مُؤْمِنٍ سَأَلَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ حَاجَةً وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَى قَضَائِهَا فَرَدَّهَا عَنْهَا، سَلَّطَ اللَّهُ عَلَيْهِ شُجَاعاً فِي قَبْرِهِ، يَنْهَشُ مِنْ أَصَابِعِهِ.» (22)

فرمود: چنانچه مؤمنی از برادر ایمانیش حاجتی را طلب کند و او بتواند خواسته اش را برآورد و انجام ندهد، خداوند در قبرش یک افعی بر او مسلط گرداند که هر لحظه او را آزار رساند.

23- قَالَ (علیه السلام): «وَلَدٌ وَاحِدٌ يَقْدِمُهُ الرَّجُلُ، أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ يَبْقَوْنَ بَعْدَهُ، شَاكِينَ فِي السَّلَاحِ مَعَ الْقَائِمِ (عَجَّلَ اللَّهُ تَعَالَى فَرَجَهُ الشَّرِيفَ).» (23)

فرمود: اگر انسانی یکی از فرزنداناش را پیش از خود - به عالم آخرت - بفرستد بهتر از آن است که چندین فرزند به جای گذارد و در رکاب امام زمان (علیه السلام) با دشمن مبارزه کنند.

24- قَالَ (علیه السلام): «إِذَا بَلَغَكَ عَنْ أَخِيكَ شَيْءٌ فَقَالَ لَمْ أَفْلَهُ فَأَقْبَلَ مِنْهُ، فَإِنَّ ذَلِكَ تَوْبَةٌ لَهُ.» (علیه)

السلام): إِذَا بَلَغَكَ عَنْ أَخِيكَ شَيْءٌ وَ شَهِدَ أَرْبَعُونَ أَنَّهُمْ سَمِعُوهُ مِنْهُ فَقَالَ: لَمْ أَقُلْهُ، فَأَقْبَلْ مِنْهُ.» (24)

فرمود: چنانچه شنیدی که برادرت - یا دوستت - چیزی بر علیه تو گفته است و او تکذیب کرد قبول کن. همچنین فرمود: اگر چیزی را از برادرت بر علیه خودت شنیدی و نیز چهل نفر شهادت دادند، ولی او تکذیب کرد و گفت: من نگفته ام، حرف او را بپذیر.

25- قَالَ (علیه السلام): «لَا يَكْمُلُ إِيْمَانُ الْعَبْدِ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ أَرْبَعُ خِصَالٍ: يَحْسُنُ خُلُقَهُ، وَ سَيِّئَخِفُّ نَفْسَهُ، وَ يُمَسِّكُ الْفُضْلَ مِنْ قَوْلِهِ، وَ يُخْرِجُ الْفُضْلَ مِنْ مَالِهِ.» (25)

فرمود: ایمان انسان کامل نمی گردد مگر آن که چهار خصلت در او باشد: اخلاقش نیکو باشد، نفس خود را سبک شمارد، کنترل سخن داشته باشد، اضافی ثروتش - حق الله و حق الناس - را بپردازد.

26- قَالَ (علیه السلام): «دَاوُوا مَرْضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ، وَ ادْفَعُوا أَبْوَابَ الْبَلَايَا بِالْأَسْتِغْفَارِ.» (26)

فرمود: مریضان خود را به وسیله پرداخت صدقه مداوا و معالجه نمائید، و بلاها و مشکلات را با استغفار و توبه دفع کنید.

27- قَالَ (علیه السلام): «إِنَّ اللَّهَ فَرَضَ عَلَيْكُمُ الصَّلَاةَ الْخَمْسَ فِي أَفْضَلِ السَّاعَاتِ، فَعَلَيْكُمْ بِالدُّعَاءِ فِي إِذْبَارِ الصَّلَاةِ.» (27)

فرمود: خداوند متعال پنج نماز در بهترین اوقات را بر شما واجب گرداند، پس سعی کنید حوایج و خواسته های خود را پس از هر نماز با خداوند مطرح و درخواست کنید.

28- قَالَ (علیه السلام): «كُلُوا مَا يَقَعُ مِنَ الْمَائِدَةِ فِي الْحَضَرِ، فَإِنَّ فِيهِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ، وَلَا تَأْكُلُوا مَا يَقَعُ مِنْهَا فِي الصَّحَارِ.» (28)

فرمود: هنگام خوردن غذا در منزل، آنچه که اطراف سفره و ظرف می ریزد جمع کنید و میل نمائید که در آن ها شفای دردهای درونی است، ولی چنانچه در بیابان سفره انداختید؛ اضافه های آن را رها کنید - برای جانوران - .
29- قَالَ (علیه السلام): «أَرْبَعَةٌ مِنْ أَخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ: الْبِرُّ، وَ السَّخَاءُ، وَ الصَّبْرُ عَلَى النَّائِبَةِ، وَ الْقِيَامُ بِحَقِّ الْمُؤْمِنِ.» (29)

فرمود: چهار چیز از اخلاق پسندیده پیغمبران الهی است: نیکی، سخاوت، صبر و شکیبائی در مصائب و مشکلات، اجراء حق و عدالت بین مؤمنین.

30- قَالَ (علیه السلام): «إِمْتَحِنُوا شِيعَتَنَا عِنْدَ ثَلَاثٍ: عِنْدَ مَوَاقِيتِ الصَّلَاةِ كَيْفَ مُحَافَظَتُهُمْ عَلَيْهَا، وَ عِنْدَ أَسْرَارِهِمْ كَيْفَ حِفْظُهُمْ لَهَا عِنْدَ عَدُوِّنَا، وَ إِلَى أَمْوَالِهِمْ كَيْفَ مُوَاسَاتَتُهُمْ لِأَخْوَانِهِمْ فِيهَا.» (30)
فرمود: شیعیان و دوستان ما را در سه مورد آزمایش نمائید:

1 - مواقع نماز، چگونه رعایت آن را می نمایند.

2 - اسرار یکدیگر را چگونه فاش و یا نگهداری می کنند.

3 - نسبت به اموال و ثروتشان چگونه به دیگران رسیدگی می کنند و حقوق خود را می پردازند.

31- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ مَلَكَ نَفْسَهُ إِذَا رَغِبَ، وَ إِذَا رَهَبَ، وَ إِذَا اِشْتَهَى، وَ إِذَا غَضِبَ وَ إِذَا رَضِيَ، حَرَّمَ اللَّهُ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ.» (31)

فرمود: هر که در چهار موقع، مالک نفس خود باشد: هنگام رفاه و توسعه زندگی، هنگام سختی و تنگ دستی، هنگام اشتها و آرزو و هنگام خشم و غضب؛ خداوند متعال بر جسم او، آتش را حرام می گرداند.

32- قَالَ (علیه السلام): «إِنَّ النَّهَارَ إِذَا جَاءَ قَالَ: يَا بَنَ آدَمَ، أَعْجَلْ فِي يَوْمِكَ هَذَا خَيْرًا، أَشْهَدُ لَكَ بِهِ عِنْدَ رَبِّكَ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ، فَإِنِّي لَمْ آتِكْ فِيهَا مَضَى وَلَا آتِيكَ فِيهَا بَقِيَ، فَإِذَا جَاءَ اللَّيْلُ قَالَ مِثْلُ ذَلِكَ.» (32)

فرمود: هنگامی که روز فرا رسد گوید: تا می توانی در این روز از کارهای خیر انجام بده که من در قیامت در پیشگاه خداوند شهادت می دهم و بدان که من قبلا در اختیار تو نبودم و در آینده نیز پیش تو باقی نخواهم ماند، همچنین هنگامی که شب فرارسد چنین زبان حالی را خواهد داشت.

33- قَالَ (عليه السلام): «يَتَّبِعِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَكُونَ فِيهِ ثَمَانِ خِصَالٍ: وَقُورٌ عِنْدَ الْهَزَاهِرِ، صَبُورٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ، شَكُورٌ عِنْدَ الرِّخَاءِ، قَانِعٌ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ، لَا يَظْلِمُ الْأَعْدَاءَ، وَلَا يَتَحَامَلُ لِلأَصْدِقَاءِ، بَدَنُهُ مِنْهُ فِي تَعَبٍ، وَ النَّاسُ مِنْهُ فِي رَاحَةٍ.» (33) فرمود: سزاوار است که هر شخص مؤمن در بردارنده هشت خصلت باشد:

هنگام فتنه ها و آشوب ها باوقار و آرام، هنگام بلاها و آزمایش ها بردبار و صبور، هنگام رفاه و آسایش شکرگزار، به آنچه خداوند روزیش گردانده قانع باشد. دشمنان و مخالفان را مورد ظلم و اذیت قرار ندهد، بر دوستان برنامه ای را تحمیل ننماید، جسمش خسته؛ ولی دیگران از او راحت و از هر جهت در آسایش باشند

34- قَالَ (عليه السلام): «مَنْ مَاتَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ عَارِفًا بِحَقِّنَا عَتِيقَ مِنَ النَّارِ وَ كُتِبَ لَهُ بَرَاءَةٌ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ.» (34) فرمود: هرکس که در روز جمعه فوت نماید و از دنیا برود؛ و عارف به حق ما - اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام) - باشد، از آتش سوزان دوزخ آزاد می گردد؛ و نیز از عذاب شب اول قبر در امان خواهد بود.

35- قَالَ (عليه السلام): «إِنَّ الرَّجُلَ يَذْنِبُ الذَّنْبَ فَيَحْرُمُ صَلَاةَ اللَّيْلِ، إِنَّ الْعَمَلَ السَّيِّئَ أَسْرَعُ فِي صَاحِبِهِ مِنَ السَّكِينِ فِي اللَّحْمِ.» (35)

فرمود: چه بسا شخصی به وسیله انجام گناهی از نماز شب محروم گردد، همانا تأثیر گناه در - روان - انسان سریع تر از تأثیر چاقو در گوشت است.

36- قَالَ (عليه السلام): «لَا تَتَخَلَّلُوا بِغُودِ الرِّيحَانِ وَلَا بِقَضِيبِ الرُّمَانِ، فَإِنَّهُمَا يُهَيِّجَانِ عِرْقَ الْجُذَامِ.» (36)

فرمود: به وسیله چوب ریحان و چوب انار، دندان های خود را خلال نکنید، زیرا که تحریک کننده عوامل مرض جذام و پیسی می باشد.

37- قَالَ (عليه السلام): «تَقْلِيمُ الْأَظْفَارِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يُؤْمِنُ مِنَ الْجُذَامِ وَ الْبَرَصِ وَ الْعَمَى، وَ إِنْ لَمْ تَخْتَجْ فَحَكِّهَا حَكًّا.» (37) وَ قَالَ (عليه السلام): أَخَذُ الشَّارِبِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ أَمَانٌ مِنَ الْجُذَامِ.» (37)

فرمود: کوتاه کردن ناخن ها در روز جمعه موجب سلامتی از جذام و پیسی و ضعف بینائی چشم خواهد شد و اگر امکان کوتاه کردن آن نباشد سر آن ها را بتراش. و نیز فرمود: کوتاه کردن سبیل در هر جمعه سبب ایمنی از مرض جذام می شود.

38- قَالَ (عليه السلام): «إِذَا أُوتِيَ إِلَى فِرَاشِكَ فَأَنْظِرْ مَا سَلَكْتَ فِي بَطْنِكَ، وَ مَا كَسَبْتَ فِي يَوْمِكَ، وَ اذْكُرْ أَتَّكَ مَيِّتٌ، وَ أَنْ لَكَ مَعَادًا.» (38)

فرمود: در آن هنگامی که وارد رختخواب خود می شوی، با خود بیندیش که در آن روز چه نوع خوراکی ها و آشامیدنی ها از چه راهی به دست آورده ای و میل نموده ای. و در آن روز چه چیزهائی را چگونه و از چه راهی کسب و تحصیل کرده ای؛ و در هر حال متوجّه باش که مرگ تو را می رباید؛ و سپس در صحرای محشر - جهت بررسی گفتار و کردارت - حاضر خواهی شد.

39- قَالَ (عليه السلام): «إِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنْتِنَى عَشَرَ أَلْفِ عَالَمٍ، كُلُّ عَالَمٍ مِنْهُمْ أَكْبَرُ مِنْ سَبْعِ سَمَوَاتٍ وَ سَبْعِ أَرْضِينَ، مَا يُرَى مِنْهُمْ أَنْ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ عَالَمًا غَيْرُهُمْ وَ أَنَا الْحُجَّةُ عَلَيْهِمْ.» (39)

فرمود: همانا خداوند متعال، دوازده هزار جهان آفریده است که هر یک از آن ها نسبت به آسمان ها و زمین های

هفت گانه بزرگ تر می باشد؛ و من - و دیگر ائمه دوازده گانه - از طرف خداوند بر همه آن ها حجّت و راهنما هستیم.

40- قَالَ (عليه السلام): «حَدِيثٌ فِي حَلَالٍ وَ حَرَامٍ تَأْخُذُهُ مِنْ صَادِقٍ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا مِنْ ذَهَبٍ وَفِضَّةٍ.»
(40)

فرمود: سخنی را درباره مسائل حلال و حرام و احکام دین خدا، از راست گوی مؤمنی دریافت کنی؛ بهتر و ارزشمندتر است از تمام دنیا و ثروت های آن.

پاورقی ها :

- 1 - جامع الاحادیث الشیعه: ج 1 ص 127 ح 102، بحارالأنوار: ج 2، ص 178، ح 28.
- 2 - أمالی الصدوق: ص 253.
- 3 - أمالی الصدوق: ص 197.
- 4 - وسائل الشیعه: ج 4 ص 34 ح 4442.
- 5 - وسائل الشیعه: ج 8 ص 13.
- 6 - اختصاص: ص 240، بحارالأنوار: ج 75، ص 260، ح 58.
- 7 - مستدرک الوسائل: ج 9 ص 16 ح 4.
- 8 - وسائل الشیعه: ج 11 ص 412.
- 9 - أمالی طوسی: ج 2 ص 279.
- 10 - وسائل الشیعه: ج 1 ص 380 ح 2.
- 11 - أمالی طوسی: ج 2 ص 343.
- 12 - وسائل الشیعه: ج 1 ص 474 ح 5.
- 13 - من لایحضره الفقیه: ج 2 ص 51 ح 13.
- 14 - وسائل الشیعه: ج 10 ص 157 ح 3.
- 15 - وسائل الشیعه: ج 6 ص 204 ح 1.
- 16 - وسائل الشیعه: ج 6 ص 225 ح 10.
- 17 - وسائل الشیعه: ج 25 ص 147 ح 2.
- 18 - وسائل الشیعه: ج 25 ص 208 ح 4.
- 19 - جامع احادیث الشیعه: ج 5 ص 358 ح 12.
- 20 - جامع احادیث الشیعه: ج 6 ص 178 ح 78.
- 21 - وسائل الشیعه: ج 2 ص 124 ح 1.
- 22 - أمالی طوسی: ج 2، ص 278، س 9، وسائل الشیعه: ج 16، ص 360، ح 10.
- 23 -
- 24 - مصادقه الاخوان: ص 82.
- 25 - أمالی طوسی: ج 1 ص 125.
- 26 - مستدرک الوسائل: ج 7 ص 163 ح 1.

- 27 - مستدرک الوسائل: ج 6 ص 431 ح 6.
- 28 - مستدرک الوسائل: ج 16 ص 288 ح 1.
- 29 - أعيان الشَّيعة: ج 1، ص 672، بحار الأنوار: ج 78، ص 260، ذيل ح 108 .
- 30 - وسائل الشيعه: ج 4 ص 112.
- 31 - وسائل الشيعه: ج 15 ص 162 ح 8.
- 32 - وسائل الشيعه: ج 16 ص 93 ح 2.
- 33 - اصول کافی: ج 2، ص 47، ح 1، ص 230، ح 2، و نزّه النّاظر حلوانی: ص 120، ح 70.
- 34 - مستدرک الوسائل: ج 6 ص 66 ح 22.
- 35 - اصول کافی: ج 2 ص 272.
- 36 - أمالی صدوق: ص 321، بحار الأنوار: ج 66، ص 437، ح 3 .
- 37 - وسائل الشيعه: ج 7 ص 363 و 356.
- 38 - دعوات راوندی ص 123، ح 302، بحار الأنوار: ج 71، ص 267، ح 17.
- 39 - خصال: ص 639، ح 14، بحار الأنوار: ج 27، ص 41، ح 1.
- 40 - الإمام الصادق (عليه السلام): ص 143.

حضرت امام کاظم (عليه السلام)

- 1- قَالَ الإمام موسى بن جعفر الكاظم (عليه السلام) : «وَجَدْتُ عِلْمَ النَّاسِ فِي أَرْبَعٍ: أَوَّلُهَا أَنْ تَعْرِفَ رَبَّكَ، وَالثَّانِيَةُ أَنْ تَعْرِفَ مَا صَنَعَ بِكَ، وَالثَّالِثَةُ أَنْ تَعْرِفَ مَا أَرَادَ مِنْكَ، وَالرَّابِعَةُ أَنْ تَعْرِفَ مَا يُخْرِجُكَ عَنْ دِينِكَ.» (1)
- حضرت امام موسى کاظم (عليه السلام) فرمود: تمام علم مردم را در چهار مورد شناسائی کرده ام: اوّلین آن ها این که پروردگار و آفریدگار خود را بشناسی و نسبت به او شناخت پیدا کنی. دوّم، این که بفهمی که از برای وجود تو و نیز برای بقاء حیات تو چه کارها و تلاش هائی صورت گرفته است. سوّم، بدانی که برای چه آفریده شده ای و منظور چه بوده است. چهارم، معرفت پیدا کنی به آن چیزهائی که سبب می شود از دین و اعتقادات خود منحرف شوی (یعنی راه خوشبختی و بدبختی خود را بشناسی و در جامعه چشم و گوش بسته حرکت نکنی).
- 2- قَالَ (عليه السلام) : «مَا مِنْ بَلَاءٍ يَنْزِلُ عَلَى عَبْدٍ مُؤْمِنٍ فَيُلْهِمُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الدُّعَاءَ إِلَّا كَانَ كَشَفُ ذَلِكَ الْبَلَاءِ وَشِيكًا، وَ مَا مِنْ بَلَاءٍ يَنْزِلُ عَلَى عَبْدٍ مُؤْمِنٍ فَيُمَسِّكُ عَنِ الدُّعَاءِ إِلَّا كَانَ ذَلِكَ الْبَلَاءُ طَوِيلًا، فَإِذَا نَزَلَ الْبَلَاءُ فَعَلَيْكُمْ بِالدُّعَاءِ وَ التَّصَرُّعِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.» (2)
- فرمود: نیست بلائی که بر مؤمن وارد شود مگر آن که به وسيله دعا سریع بر طرف می گردد؛ و چنانچه دعا نکند طولانی خواهد، پس هنگامی مصیبتی و بلائی وارد شد، به درگاه خداوند دعا و تصرّع کنید .
- 3- قَالَ (عليه السلام) : «لَيْسَ مِنْ دَوَاءٍ إِلَّا وَ هُوَ يَهَيِّجُ دَاءً، وَ لَيْسَ شَيْءٌ فِي الْبَدَنِ أَنْفَعَ مِنْ إِمْسَاكِ الْيَدِ إِلَّا عَمَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ.» (3)
- فرمود: هیچ دارویی نیست مگر آن که در اثر عوارض جنبی آن دردی دیگر را تهییج و تحریک می نماید؛ و هیچ

درمانی بهتر و سود مندتر از امساک و خودداری نیست مگر در حال نیاز و ضرورت.

4- قَالَ (علیه السلام): «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا تَفَقَّهُ، عَرَفَ النَّاسَ وَلَا يَعْرِفُونَهُ.» (4)

فرمود: خداوند متعال رحمت کند بنده ای را که در مسائل دینی تفقه و تحقیق نماید (فقیه و عالم باشد) و نسبت به مردم شناخت پیدا کند، گرچه مردم او را نشناسند و قدر و منزلت او را ندانند.

5- قَالَ (علیه السلام): «إِنَّ أَهْلَ الْأَرْضِ مَرْحُومُونَ مَا يَخَافُونَ، وَأُدُّوا الْأَمَانَةَ، وَ عَمِلُوا بِالْحَقِّ.» (5)

فرمود: اهل زمین مورد رحمت - و برکت الهی - هستند، مادامی که خوف و ترس - از گناه و معصیت داشته باشند -، ادای امانت نمایند و حق را دریابند و مورد عمل قرار دهند.

6- قَالَ (علیه السلام): «بِئْسَ الْعَبْدُ يَكُونُ ذَاوَجْهَيْنِ وَ ذَالِسَانَيْنِ.» (6)

فرمود: بد شخصی است آن که دارای دو چهره و دو زبان می باشد، - که در پیش رو چیزی گوید و پشت سر چیز دیگر -.

7- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ اسْتَشَارَ لَمْ يَعْذِمْ عِنْدَ الصَّوَابِ مَادِحًا، وَ عِنْدَ الْخَطِإِ عَازِرًا.» (7)

فرمود: کسی که در امور زندگی خود - با اهل معرفت - مشورت کند، چنانچه درست و صحیح عمل کرده باشد مورد تعریف و تمجید قرار می گیرد و اگر خطا و اشتباه کند عذرش پذیرفته است.

8- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْ نَفْسِهِ وَاِعْظُ تَمَكَّنَ مِنْهُ عَذُوهُ - يَعْنِي الشَّيْطَانُ -» (8)

فرمود: هر کسی عقل و تدبیرش را مورد استفاده قرار ندهد، دشمنش - یعنی؛ شیاطین انسی و جنی و نیز هواهای نفسانی - به راحتی او را می فریبند و منحرف می شود.

9- قَالَ (علیه السلام): «مَا قُسِّمَ بَيْنَ الْعِبَادِ أَفْضَلُ مِنَ الْعَقْلِ، نَوْمُ الْعَاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ سَهَرِ الْجَاهِلِ.» (9)

فرمود: چیزی با فضیلت تر و بهتر از عقل، بین بندگان توزیع نشده است، (تا جائی که) خواب عاقل - هوشمند - افضل و بهتر از شب زنده داری جاهل بی خرد است.

10- قَالَ (علیه السلام): «لَا تَدْخُلُوا الْحَمَامَ عَلَى الرَّيِّقِ، وَ لَا تَدْخُلُوهُ حَتَّى تُطْعَمُوا شَيْئًا.» (10)

فرمود: بعد از صبحانه، بدون فاصله حمام نروید؛ همچنین سعی شود با معده خالی داخل حمام نروید، بلکه حتی الامکان قبل از رفتن به حمام قدری غذا بخورید.

11- قَالَ (علیه السلام): «إِيَّاكَ وَ الْمَزَاحَ، فَإِنَّهُ يَذْهَبُ بِنُورِ إِيْمَانِكَ، وَ يَسْتَخِفُّ مُرَوَّتِكَ.» (11)

فرمود: بر حذر باش از شوخی و مزاح - بی جا - چون که نور ایمان را از بین می برد و جوانمردی و آبرو را سبک و بی اهمیتی می گرداند.

12- قَالَ (علیه السلام): «اللَّحْمُ يُنْبِتُ اللَّحْمَ، وَالسَّمَكُ يُذِيبُ الْجَسَدَ.» (12)

فرمود: خوردن گوشت، موجب روئیدن گوشت در بدن و فربهی آن می گردد؛ ولی خوردن ماهی، گوشت بدن را آب و جسم را لاغر می گرداند.

13- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ صَدَقَ لِسَانُهُ زَكَى عَمَلُهُ، وَ مَنْ حَسُنَتْ نَبَاتُهُ زِيدَ فِي رِزْقِهِ، وَ مَنْ حَسُنَ بَرُّهُ بِإِخْوَانِهِ وَ أَهْلِهِ مَدَّ فِي عُمْرِهِ.» (13)

فرمود: هر که زبانش صادق باشد اعمالش تزکیه است، هر که فکر و نیتش نیک باشد در روزیش توسعه خواهد بود، هر که به دوستان و آشنایانش نیکی و احسان کند، عمرش طولانی خواهد شد.

14- قَالَ (علیه السلام): «إِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ بَكَتْ عَلَيْهِ الْمَلَائِكَةُ وَ بَقَاعُ الْأَرْضِ.» (14)

فرمود: زمانی که مؤمن بمیرد، ملائکه و ممتازترین قسمت‌های زمین برای او گریه می کنند.

15- قَالَ (عليه السلام) : «الْمُؤْمِنُ بَعَرَضٍ كُلِّ خَيْرٍ، لَوْ قُطِعَ أَنْمَلُهُ أَنْمَلَهُ كَانَ خَيْراً لَهُ، وَ لَوْ وَلَّى شَرْقَهَا وَ غَرْبَهَا كَانَ خَيْراً لَهُ.» (15)

فرمود: مؤمن (همیشه، در همه حالات) در معرض خیر و سعادت خواهد بود، چنانچه (در سختی قرار گیرد و) بندهای بدنش قطعه قطعه گردد برایش خیر و خوشبختی است؛ و اگر هم تمام شرق و غرب دنیا در اختیارش قرار گیرد، نیز برایش خیر و سعادت است.

16- قَالَ (عليه السلام): «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَقْوَى النَّاسِ فَلْيَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ.» (16)

فرمود: هرکس بخواهد (در هر جهتی) قوی ترین مردم باشد باید توکل در همه امور، بر خداوند سبحان نماید.

17- قَالَ (عليه السلام) : «أَدَاءُ الْأَمَانَةِ وَ الصَّدْقُ يَجْلِبَانِ الرِّزْقَ، وَ الْخِيَانَةُ وَ الْكَذِبُ يَجْلِبَانِ الْفَقْرَ وَ النَّفَاقَ.» (17)

فرمود: امانت داری و راست گوئی، هر دو موجب توسعه روزی می شوند؛ ولیکن خیانت در امانت و دروغ گوئی موجب فلاکت و بیچارگی و سبب تیرگی دل می باشد.

18- قَالَ (عليه السلام) : «أُبْلِغَ خَيْراً وَ قُلَّ خَيْراً وَ لَا تَكُنْ إِمَّعَهُ.» (18)

فرمود: نسبت به هم نوع خود خیر و نیکی داشته باش، و سخن خوب و مفید بگو، و خود را تابع بی تفاوت و بی مسئولیت قرار مده.

19- قَالَ (عليه السلام) : «تَفَقَّهُوا فِي دِينِ اللَّهِ، فَإِنَّ الْفَقْهَ مِفْتَاحُ الْبَصِيرَةِ، وَ تَمَامُ الْعِبَادَةِ، وَ السَّبَبُ إِلَى الْمَنَازِلِ

الرَّفِيعَةِ وَ الرُّتَبِ الْجَلِيلَةِ فِي الدِّينِ وَ الدُّنْيَا.» (19)

فرمود: مسائل و احکام اعتقادی و عملی دین را فرا گیرید، چون که شناخت احکام و معرفت نسبت به دستورات خداوند، کلید بینائی و بینش و اندیشه می باشد و موجب تمامیت کمال عبادات و اعمال می گردد؛ و راه به سوی مقامات و منازل بلندمرتبه دنیا و آخرت است.

20- قَالَ (عليه السلام) : «فَضْلُ الْفَقِيهِ عَلَى الْعَابِدِ كَفَضْلِ الشَّمْسِ عَلَى الْكَوَاكِبِ، وَ مَنْ لَمْ يَتَفَقَّهْ فِي دِينِهِ لَمْ

يَرِضَ اللَّهُ لَهُ عَمَلاً. وَ قَالَ (عليه السلام) : عَظَمَ الْعَالِمَ لِعِلْمِهِ وَ دَعَى مُنَازَعَتَهُ، وَ صَغُرَ الْجَاهِلُ لِجَهْلِهِ وَ لَا تَطْرُدْهُ وَلَكِنْ قَرِّبْهُ وَ عَلِّمْهُ.» (20)

فرمود: ارزش و فضیلت فقیه بر عابد همانند فضیلت خورشید بر ستاره ها است؛ و کسی که در امور دین فقیه و عارف نباشد، خداوند نسبت به اعمال او راضی نخواهد بود. و نیز فرمود: عالم را به جهت عملش تعظیم و احترام کن و با او منازعه منما، و اعتنائی به جاهل مکن ولی طردش هم نگردان، بلکه او را جذب نما و آنچه نمی داند تعلیمش بده.

21- قَالَ (عليه السلام) : «دَخَلْتُ إِلَيْهِ، فَقَالَ: لَا تَسْتَغْنِي شَيْعَتُنَا عَنْ أَرْبَعٍ: حُمْرِهِ يُصَلِّي عَلَيْهَا، وَ خَاتَمُ يَتَخَتَّمُ بِهِ، وَ

سِوَاكُ يَسْتَاكُ بِهِ، وَ سُبْحَهُ مِنْ طِينِ قَبْرِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِيهَا ثَلَاثٌ وَ ثَلَاثُونَ حَبَّةً، مَتَى قَلْبُهَا ذَاكِراً لِلَّهِ كُتِبَ لَهُ بِكُلِّ حَبَّةٍ أَرْبَعُونَ حَسَنَةً، وَ إِذَا قَلْبُهَا سَاهِياً يَعْجَبُ بِهَا كُتِبَ لَهُ عَشْرُونَ حَسَنَةً.» (21)

فرمود: شیعیان و دوستان ما (در هر حال و در هر کجاکه باشند) از چهار چیز نباید بی نیاز باشند: جانمایی که بر آن نماز بخوانند، انگشتی که در دست نمایند، مسواکی که دندانهای خود را به وسیله آن مسواک کنند؛ و تسبیحی از ثربت امام حسین (علیه السلام) که دارای 34 دانه باشد و به وسیله آن ذکر گوید، که خداوند متعال در مقابل هر دانه آن چهل حسنه در نامه اعمالش ثبت می نماید؛ و چنانچه آن را دست گیرد بدون آن که ذکر و دعائی بخواند 20 حسنه به او داده می شود.

22- قَالَ (عليه السلام) : «صَلُوهُ النَّوَافِلِ قُرْبَانٌ إِلَى اللَّهِ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ.» (22)

فرمود: انجام نمازهای مستحبی، هر مؤمنی را به خداوند متعال نزدیک می نماید.

23- قَالَ (علیه السلام) : «مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ الْحَيِّ، مَسْهُهَا لَيِّنٌ وَ فِي جَوْفِهَا السَّمُّ الْقَاتِلُ، يَحْذَرُهَا الرِّجَالُ ذَوِي الْعُقُولِ وَ يَهْوَى إِلَيْهَا الصَّبِيَانُ بِأَيْدِيهِمْ.» (23)

فرمود: مَثَل دنیا همانند مار است که پوست ظاهر آن نرم و لطیف و خوشرنگ، ولی در درون آن سم کشنده ای است که مردان عاقل و هشیار از آن گریزانند و بچه صفتان و بولهوسان به آن عشق مبورزند.

24- قَالَ (علیه السلام) : «مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ مَاءِ الْبَحْرِ كُلَّمَا شَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ إِزْدَادَ عَطْشاً حَتَّى يَقْتُلَهُ.» (24)

فرمود: مَثَل دنیا (و اموال و زیورات آن) همانند آب دریا است که انسان تشنه، هر چه از آن بیاشامد بیشتر تشنه می شود و آنقدر میل می کند تا هلاک شود.

25- قَالَ (علیه السلام) : «لَيْسَ الْقَبْلَةُ عَلَى الْفَمِ إِلَّا لِلزَّوْجَةِ وَ الْوَلَدِ الصَّغِيرِ.» (25)

فرمود: بوسیدن لب ها و دهان - برای یکدیگر در هر حالتی - صحیح نیست مگر برای همسر و یا فرزند کوچک.

26- قَالَ (علیه السلام) : «مَنْ نَظَرَ بِرَأْيِهِ هَلَكَ، وَ مَنْ تَرَكَ أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّهِ صَلَّى، وَ مَنْ تَرَكَ كِتَابَ اللَّهِ وَ قَوْلَ نَبِيِّهِ كَفَرَ.» (26)

فرمود: هرکس به رأی و سلیقه خود اهمیت دهد و در مسائل دین به آن عمل کند هلاک می شود، و هرکس اهل بیت پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم را رها کند گمراه می گردد، و هرکس قرآن و سنت رسول خدا را ترک کند کافر می باشد.

27- قَالَ (علیه السلام) : «إِنَّ اللَّهَ لَيُبْغِضُ الْعَبْدَ النَّوَامَ، إِنَّ اللَّهَ لَيُبْغِضُ الْعَبْدَ الْفَارِعَ.» (27)

فرمود: همانا خداوند دشمن دارد آن بنده ای را که زیاد بخوابد، و دشمن دارد آن بنده ای را که بیکار باشد.

28- قَالَ (علیه السلام) : «التَّوَاضُّعُ: أَنْ تُعْطِيَ النَّاسَ مَا تُحِبُّ أَنْ تُعْطَا.» (28)

فرمود: تواضع و فروتنی آن است که آن چه دوست داری، دیگران درباره تو انجام دهند، تو هم همان را درباره دیگران انجام دهی.

29- قَالَ (علیه السلام) : «يُسْتَحَبُّ عَرَامَةُ الْغُلَامِ فِي صِغَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ وَ يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يُوسِّعَ عَلَى عِيَالِهِ لِيَلَّا يَتَمَمَّنُوا مَوْتَهُ.» (29)

فرمود: بهتر است پسر را در دوران کودکی به کارهای مختلف و سخت، وادار نمائی تا در بزرگی حلیم و بردبار باشد؛ و بهتر است مرد نسبت به اهل منزل خود دست و دل باز باشد و در حدّ توان رفع نیاز کند تا آرزوی مرگش را ننمایند.

30- قَالَ (علیه السلام) : «لَيْسَ مِتًّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ فِي كُلِّ يَوْمٍ، فَإِنْ عَمِلَ حَسَنًا اسْتَزَادَ اللَّهُ، وَ إِنْ عَمِلَ سَيِّئًا اسْتَغْفَرَ اللَّهُ وَ تَابَ إِلَيْهِ.» (30)

فرمود: از شیعیان و دوستان ما نیست، کسی که هر روز محاسبه نفس و بررسی اعمال خود را نداشته باشد، که اگر چنانچه اعمال و نیاتش خوب بوده، سعی کند بر آن ها بیفزاید و اگر زشت و ناپسند بوده است، از خداوند طلب مغفرت و آمرزش کند و جبران نماید.

31- قَالَ (علیه السلام) : «مَا مِنْ بَلَاءٍ يَنْزِلُ عَلَى عَبْدٍ مُؤْمِنٍ، فَيُلْهِمُهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الدُّعَاءَ، إِلَّا كَانَ كَشْفَ ذَلِكَ الْبَلَاءِ وَ شَيْكًا، وَ مَا مِنْ بَلَاءٍ يَنْزِلُ عَلَى عَبْدٍ مُؤْمِنٍ فَيُمَسِّكُ عَنِ الدُّعَاءِ إِلَّا كَانَ ذَلِكَ الْبَلَاءُ طَوِيلًا، فَإِذَا نَزَلَ الْبَلَاءُ فَعَلَيْكُمْ بِالدُّعَاءِ، وَ التَّصَرُّعِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.» (31)

فرمود: بلائی و گرفتاری بر مؤمنی وارد نمی شود مگر آن که خداوند جلّ و علی بر او الهام می فرستد که به درگاه

باری تعالی دعا نماید؛ و آن بلا سریع بر طرف خواهد شد. و چنانچه از دعا خود داری نماید، آن بلا و گرفتاری طولانی گردد. پس هر گاه فتنه و بلائی بر شما وارد شود، به درگاه خداوند مهربان دعا و زاری نمائید.

32- قَالَ (علیه السلام) : «ما فی الْمِیزانِ شَیْءٌ أَثْقَلُ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ.» (32)
فرمود: در میزان الهی نیست عمل و چیزی، سنگین تر از ذکر صلوات بر محمد و اهل بیتش (صلوات الله علیهم اجمعین).

33- قَالَ (علیه السلام) : «قَلِيلُ الْعَمَلِ مِنَ الْعَاقِلِ مَقْبُولٌ مُضَاعَفٌ وَ كَثِيرُ الْعَمَلِ مِنْ أَهْلِ الْهَوَى وَالْجَهْلِ مَرْذُودٌ.» (33)

فرمود: اعمال شخص عاقل مقبول است و چند برابر اجر خواهد داشت گرچه قلیل باشد، ولی شخص نادان و هوسران گرچه زیادکار و خدمت و عبادت کند پذیرفته نخواهد بود.

34- قَالَ (علیه السلام) : «وَسَعَرُ الْجَسَدِ إِذَا طَالَ قَطْعَ مَاءِ الصُّلْبِ، وَأَرْخَى الْمَفَاصِلَ، وَ وَرَثَ الضَّعْفِ وَالسَّيْلِ، وَ إِنَّ الثَّوْرَةَ تَزِيدُ فِي مَاءِ الصُّلْبِ، وَ تَقْوَى الْبَدَنَ، وَ تَزِيدُ فِي شَحْمِ الْكُلَيْتَيْنِ، وَ تَسْمِنُ الْبَدَنَ.» (34)

فرمود: موهای بدن - زیر بغل و اطراف عورت - چنانچه بلند شود سبب قطع و کمبود آب کمر، سستی مفاصل استخوان و ضعف سینه و گلو خواهد شد، استعمال نوره سبب تقویت تمامی آن ها می باشد.

35- قَالَ (علیه السلام) : «ثَلَاثَةٌ يَجْلُونَ الْبَصَرَ: النَّظَرُ إِلَى الْخُضْرَةِ، وَ النَّظَرُ إِلَى الْمَاءِ الْجَارِي، وَ النَّظَرُ إِلَى الْوَجْهِ الْحَسَنِ.» (35)

فرمود: سه چیز بر نورانیت چشم می افزاید: نگاه بر سبزه، نگاه بر آب جاری و نگاه به صورت زیبا.

36- قَالَ (علیه السلام) : «إِنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّةٍ، وَ أَنَا وَ اللَّهُ ذَلِكِ الْحُجَّةُ.» (36)

فرمود: همانا زمین در هیچ موقعیتی خالی از حجت خدا نیست و به خدا سوگند که من خلیفه و حجت خداوند هستم.

37- قَالَ (علیه السلام) : «الْمُؤْمِنُ مِثْلُ كَفَّتِي الْمِيزَانِ كُلَّمَا زِيدَ فِي إِيْمَانِهِ زِيدَ فِي بَلَائِهِ.» (37)

فرمود: مؤمن همانند دو کفه ترازو است، که هر چه ایمانش افزوده شود بلاها و آزمایشاتش بیشتر می گردد.

38- قَالَ (علیه السلام) : «إِنَّمَا أَمْرُكُمْ أَنْ تَسْأَلُوا، وَ لَيْسَ عَلَيْنَا الْجَوَابُ، إِنَّمَا ذَلِكِ إِلَيْنَا.» (38)

فرمود: شماها مأمور شده اید که - از ما اهل بیت رسول الله - سؤال کنید، ولیکن جواب و پاسخ آن ها بر ما واجب نیست بلکه اگر مصلحت بود پاسخ می دهیم وگرنه ساکت می باشیم.

39- قَالَ (علیه السلام) : «ما ذُبَابٌ ضَارِبَانِ فِي عَنَمٍ قَدْ غَابَ عَنْهُ رُعَاؤُهَا، بِأَصْرٍ فِي دِينِ مُسْلِمٍ مِنْ حُبِّ الرِّيَاسَةِ.» (39)

فرمود: خطر و ضرر علاقه به ریاست برای مسلمان بیش از دو گرگ درنده ای است، به گله گوسفندی که چوپان ندارند حمله کنند.

40- قَالَ (علیه السلام) : «الْإِيْمَانُ فَوْقَ الْأَسْلَامِ بِدَرَجَةٍ، وَالتَّقْوَى فَوْقَ الْإِيْمَانِ بِدَرَجَةٍ، وَ الْيَقِينُ فَوْقَ التَّقْوَى بِدَرَجَةٍ، وَ مَا قَسَمَ فِي النَّاسِ شَیْءٌ أَقْلُ مِنَ الْيَقِينِ.» (40)

فرمود: ایمان، یک درجه از اسلام بالاتر است؛ تقوی نیز، یک درجه از ایمان بالاتر؛ یقین، یک درجه از تقوی بالاتر و برتر می باشد و درجه ای کمتر از مرحله یقین در بین مردم ثمره بخش نخواهد بود.

- 1 - كافي: ج 1، ص 50، ح 11، أعيان الشيعة: ج 2، ص 9، نزهة الناظر: ص 121، ح 1.
- 2 - اصول كافي: ج 2، ص 471، ح 2. وسائل الشيعة: ج 7، ص 44، ح 8674.
- 3 - كافي: ج 8، ص 273، ح 409. وسائل الشيعة: ج 2، ص 408، ح 2490. بحار: ج 59، ص 68، ح 18.
- 4 - نزهة الناظر و تنبيه خاطر حلواني: ص 122، ح 2.
- 5 - تهذيب الأحكام: ج 6، ص 350، ح 991، وافي: ج 4، ص 433، ح 2273.
- 6 - تحف العقول: ص 291، بحار الأنوار: ج 1، ص 150، ضمن ح 30.
- 7 - نزهة الناظر و تنبيه خاطر: ص 123، ح 13، بحار الأنوار: ج 75، ص 140، ح 37.
- 8 - نزهة الناظر و تنبيه خاطر: ص 124، ح 15.
- 9 - تحف العقول: ص 213، بحار الأنوار: ج 1، ص 154، ضمن ح 30، و ج 75، ص 312، ضمن ح 1.
- 10 - وسائل الشيعة: ج 2، ص 52، ح 1454.
- 11 - وسائل الشيعة: ج 12، ص 118، ح 15812.
- 12 - وسائل الشيعة: ج 25، ص 78، ح 21240.
- 13 - تحف العقول: ص 388، س 17، بحار الأنوار: ج 75، ص 303، ضمن حديث 25.
- 14 - اصول كافي: ج 1، ص 38، بحار الأنوار: ج 82، ص 177، ح 18.
- 15 - كتاب التمهيد: ص 55، ح 109، بحار الأنوار: ج 64، ح 242، ح 79.
- 16 - بحار الأنوار: ج 75، ص 327، ضمن ح 4.
- 17 - تحف العقول: ص 297، بحار الأنوار: ج 75، ص 327، ضمن ح 4.
- 18 - تحف العقول: ص 304، بحار الأنوار: ج 2، ص 21، ح 62، و ج 75، ص 325، ح 2.
- 19 - تحف العقول: ص 302، بحار الأنوار: ج 10، ص 247، ح 13.
- 20 - تحف العقول: ص 303 و ص 209.
- 21 - تهذيب الأحكام: 6/75، ح 147، بحار الأنوار: 101/132، ح 61.
- 22 - وسائل الشيعة: ج 4 ص 73، ح 4547.
- 23 - تحف العقول: ص 292، بحار الأنوار: ج 1، ص 152، ضمن ح 30.
- 24 - تحف العقول: ص 292، بحار الأنوار: ج 1، ص 152، ضمن ح 30.
- 25 - تحف العقول: ص 302، بحار الأنوار: ج 10، ص 246، ح 12.
- 26 - اصول كافي: ج 1 ص 72، ح 10.
- 27 - وسائل الشيعة: ج 17 ص 58، ح 4.
- 28 - وسائل الشيعة: ج 15، ص 273، ح 20497.
- 29 - وسائل الشيعة: ج 21، ص 479، ح 27805.
- 30 - وسائل الشيعة: ج 16، ص 95، ح 21074.
- 31 - الكافي: ج 2، ص 471، ح 2، وسائل الشيعة: ج 7، ص 44، ح 8674.
- 32 - أصول كافي: ج 2، ص 494، ح 15.
- 33 - تحف العقول: ص 286، بحار الأنوار: ج 70، ص 111، ح 14.
- 34 - وسائل الشيعة: ج 2، ص 65، ح 1499.

35 - وسائل الشَّيْعَه: ج 5، ص 340، ح 3، محاسن برقی: ص 622، ح 69.

36 - کافی ج 1 ص 179 ح 9.

37 - تحف العقول: ص 301، بحارالأنوار: ج 78، ص 320، ضمن ح 3.

38 - مستدرک الوسائل: ج 17، ص 278، ح 35.

39 - وسائل الشَّيْعَه: ج 15، ص 350، ح 1، مستدرک: ج 11، ص 381، ح 1.

40 - وافی: ج 4، ص 145، ح 1، بحارالأنوار: ج 67، ص 136، ح 2.

حضرت امام رضا (علیه السلام)

1- قال الامام علی بن موسی الرضا (علیه السلام) : «مَنْ زَارَ قَبْرَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَام بِشَطِّ الْفُرَاتِ، كَانَ كَمَنْ زَارَ اللَّهَ فَوْقَ عَرْشِهِ.» (1)

حضرت امام رضا (علیه السلام) فرمود: هر مؤمنی که قبر امام حسین علیه السلام را کنار شط فرات (در کربلا) زیارت کند همانند کسی است که خداوند متعال را بر فراز عرش زیارت کرده باشد.

2- كَتَبَ (علیه السلام): أَبْلَغُ شِيعَتِي: «إِنَّ زِيَارَتِي تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَلْفَ حَجَّةٍ، فَقُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ (علیه السلام): أَلْفَ حَجَّةٍ؟ قَالَ: إِي وَاللَّهِ، وَ أَلْفَ أَلْفِ حَجَّةٍ، لِمَنْ زَارَهُ عَارِفًا بِحَقِّهِ.» (2)

حضرت به یکی از دوستانش نوشت: به دیگر دوستان و علاقمندان ما بگو: ثواب زیارت - قبر - من معادل است با یک هزار حج.

راوی گوید: به امام جواد (علیه السلام) عرض کردم: هزار حج برای ثواب زیارت پدرت می باشد؟! فرمود: بلی، هر که پدرم را با معرفت در حَقِّش زیارت نماید، هزار هزار - یعنی یک میلیون - حج ثواب زیارتش می باشد.

3- قَالَ (علیه السلام): «أَوَّلُ مَا يُحَاسِبُ الْعَبْدُ عَلَيْهِ، الصَّلَاةُ فَإِنْ صَحَّتْ لَهُ الصَّلَاةُ صَحَّ مَسْوَاهَا، وَإِنْ رُدَّتْ رُدَّ مَسْوَاهَا.» (3)

فرمود: اولین عملی که از انسان مورد محاسبه و بررسی قرار می گیرد نماز است، چنانچه صحیح و مقبول واقع شود، بقیه اعمال و عبادات نیز قبول می گردد وگرنه مردود خواهد شد.

4- قَالَ (علیه السلام): «لِلصَّلَاةِ أَرْبَعَةُ آلَافِ بَابٍ.» (4)

فرمود: نماز دارای چهار هزار در (جزء و شرط) می باشد.

5- قَالَ (علیه السلام): الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ.» (5)

فرمود: نماز، هر شخص باتقوا و پرهیزکاری را - به خداوند متعال - نزدیک کننده است.

6- قَالَ (علیه السلام): «يُؤَخِّدُ الْعُلَامُ بِالصَّلَاةِ وَ هُوَ ابْنُ سَبْعِ سِنِينَ.» (6)

فرمود: پسران باید در سنین هفت سالگی به نماز وادار شوند.

7- قَالَ (علیه السلام): «فَرَضَ اللَّهُ عَلَى النِّسَاءِ فِي الْوُضُوءِ أَنْ تَبْدَأَ الْمَرْئَةَ بِإِطْنِ ذِرَاعَيْهَا وَ الرَّجُلَ بِظَاهِرِ الذَّرَاعِ.» (7)

فرمود: خداوند در وضو بر زنان لازم دانسته است که از جلوی آرنج دست، آب بریزند و مردان از پشت آرنج. (این

عمل از نظر فتوای مراجع تقلید مستحبّ می باشد).

8- قَالَ (علیه السلام): «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَى أَمْرَنَا، قِيلَ: كَيْفَ يُحْيِي أَمْرَكُمْ؟ وَ قَالَ (علیه السلام): يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيَعْلَمُهَا النَّاسُ.» (8)

فرمود: رحمت خدا بر کسی باد که امر ما را زنده نماید، سؤال شد: چگونه؟ حضرت پاسخ داد: علوم ما را فرا گیرد و به دیگران بیاموزد.

9- قَالَ (علیه السلام): «لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ، وَلَتَنْهَيْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، أَوْلَيْسَتْعَمَلَنَّ عَلَيْكُمْ شِرَارُكُمْ، فَيَدْعُو خِيَارُكُمْ فَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ.» (9)

فرمود: باید هر یک از شماها امر به معروف و نهی از منکر نمائید، وگرنه شرورترین افراد بر شما تسلط یافته و آنچه که خوبان شما، دعا و نفرین کنند مستجاب نخواهد شد.

10- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى مَايُكَفِّرُ بِهِ ذُنُوبَهُ، فَلْيَكْثُرْ مِنَ الصَّلَاةِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ، فَإِنَّهَا تَهْدِمُ الذُّنُوبَ هَذْمًا.» (10)

فرمود: کسی که نتوان جبران گناهانش را ندارد، زیاد بر حضرت محمد و اهل بیتش (علیهم السلام) صلوات و درود فرستد، که همانا گناهانش - اگر حقّ الناس نباشد - محو و نابود گردد.

11- قَالَ (علیه السلام): «الصَّلَاةُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ تَعْدِلُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ التَّسْبِيحَ وَالتَّهْلِيلَ وَالتَّكْبِيرَ.» (11)

فرمود: فرستادن صلوات و تحیت بر حضرت محمد و اهل بیت آن حضرت (علیهم السلام) در پیشگاه خداوند متعال، پاداش گفتن «سبحان الله، لا إله إلا الله، الله اكبر» را دارد.

12- قَالَ (علیه السلام): «لَوْخَلَّتِ الْأَرْضُ طَرْفَةَ عَيْنٍ مِنْ حُجَّةٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا.» (12)

فرمود: چنانچه زمین لحظه ای خالی از حجت خداوند باشد، اهل خود را در خود فرو می برد.

13- قَالَ (علیه السلام): «عَلَيْكُمْ بِسِلَاحِ الْأَنْبِيَاءِ، فَقِيلَ لَهُ: وَ مَا سِلَاحُ الْأَنْبِيَاءِ؟ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ! فَقَالَ (علیه السلام): الدُّعَاءُ.» (13)

فرمود: بر شما باد به کارگیری سلاح پیامبران، به حضرت گفته شد: سلاح پیغمبران (علیهم السلام) چیست؟ در جواب فرمود: توجّه به خداوند متعال؛ و دعا کردن و از او کمک خواستن می باشد.

14- قَالَ (علیه السلام): «صَاحِبُ النِّعَمَةِ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّوَسُّعُ عَلَى عِيَالِهِ.» (14)

فرمود: هر که به هر مقداری که در توانش می باشد، باید برای اهل منزل خود انفاق و خرج کند.

15- قَالَ (علیه السلام): «الْمَرَضُ لِلْمُؤْمِنِ تَطْهِيرٌ وَ رَحْمَةٌ وَلِلْكَافِرِ تَعْذِيبٌ وَ لَعْنَةٌ، وَ إِنَّ الْمَرَضَ لَا يَزَالُ بِالْمُؤْمِنِ حَتَّى لَا يَكُونَ عَلَيْهِ ذَنْبٌ.» (15)

فرمود: مریضی، برای مؤمن سبب رحمت و آمرزش گناهانش می باشد و برای کافر عذاب و لعنت خواهد بود. سپس افزود: مریضی، همیشه همراه مؤمن است تا آن که از گناهانش چیزی باقی نماند و پس از مرگ آسوده و راحت باشد.

16- قَالَ (علیه السلام): «إِذَا اكْتَهَلَ الرَّجُلُ فَلَا يَدْعُ أَنْ يَأْكُلَ بِاللَّيْلِ شَيْئًا، فَإِنَّهُ أَهْدَى لِنَوْمِهِ، وَ أَطْيَبُ لِلنِّكَاحِ.» (16)

فرمود: وقتی که مرد به مرحله پیری و کهولت سنّ برسد، حتماً هنگام شب - قبل از خوابیدن - مقداری غذا تناول کند که برای آسودگی خواب مفید است، همچنین برای هم خوابی و زناشویی سودمند خواهد بود.

17- قَالَ (علیه السلام): «إِنَّمَا يُرَادُ مِنَ الْأَمَامِ قِسْطُهُ وَ عَدْلُهُ، إِذَا قَالَ صَدَقَ، وَ إِذَا حَكَمَ عَدَلَ، وَ إِذَا وَعَدَ أَنْجَزَ.» (17)

فرمود: همانا از امام و راهنمای جامعه، مساوات و عدالت خواسته شده است که در سخنان صادق، در قضاوت ها عادل و نسبت به وعده هایش وفا نماید.

18- قَالَ (عليه السلام): «لَا يُجْمَعُ الْمَالُ إِلَّا بِخَمْسِ خِصَالٍ: بِبُخْلِ شَدِيدٍ، وَ أَمَلٍ طَوِيلٍ، وَ حِرْصٍ غَالِبٍ، وَ قَطِيعَةٍ الرَّجْمِ، وَ إِثَارِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ.» (18)

فرمود: ثروت، انباشته نمی گردد مگر با یکی از پنج خصلت: بخیل بودن، آرزوی طول و دراز داشتن، حریص بر دنیا بودن، قطع صله رحم کردن، آخرت را فدای دنیا کردن.

19- قَالَ (عليه السلام): «لَوْ أَنَّ النَّاسَ قَصَّرُوا فِي الطَّعَامِ، لَأَسْتَقَامَتْ أَعْيُنُهُمْ.» (19)

فرمود: چنانچه مردم خوراک خویش را کم کنند و پرخوری ننمایند، بدن های آن ها دچار امراض مختلف نمی شود.

20- قَالَ (عليه السلام): «مَنْ خَرَجَ فِي حَاجَةٍ وَ مَسَحَ وَجْهَهُ بِمَاءِ الْوَرْدِ لَمْ يَزْهَقْ وَجْهَهُ قَتَرٌ وَلَا ذَلَّةٌ.» (20)

فرمود: هرکس هنگام خروج از منزل برای حوایج زندگی خود، صورت خویش را با گلاب خوشبو و معطر نماید، دچار ذلت و خواری نخواهد شد.

21- قَالَ (عليه السلام): «إِنَّ فِي الْهِنْدِ بَاءً شِفَاءً مِنْ أَلْفِ دَاءٍ، مَا مِنْ دَاءٍ فِي جَوْفِ الْإِنْسَانِ إِلَّا قَمَعَهُ الْهِنْدِ بَاءٌ.» (21)

فرمود: گیاه کاسنی شفای هزار نوع درد و مرض است، کاسنی هر نوع مرضی را در درون انسان ریشه کن می نماید.

22- قَالَ (عليه السلام): «السَّخِيُّ يَأْكُلُ طَعَامَ النَّاسِ لِيَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ، وَالْبَخِيلُ لَا يَأْكُلُ طَعَامَ النَّاسِ لِكَيْلَا يَأْكُلُوا مِنْ طَعَامِهِ.» (22)

فرمود: افراد سخاوتمند از خوراک دیگران استفاده می کنند تا دیگران هم از امکانات ایشان بهره گیرند و استفاده کنند؛ ولیکن افراد بخیل از غذای دیگران نمی خورند تا آن ها هم از غذای ایشان نخورند.

23- قَالَ (عليه السلام): «شَيْعَتُنَا الْمُسْلِمُونَ لِأَمْرِنَا، الْأَخْذُونَ بِقَوْلِنَا، الْمُخَالِفُونَ لِإِعْدَائِنَا، فَمَنْ لَمْ يَكُنْ كَذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَّا.» (23)

فرمود: شیعیان ما کسانی هستند که تسلیم امر و نهی ما باشند، گفتار ما را سرلوحه زندگی - در عمل و گفتار - خود قرار دهند، مخالف دشمنان ما باشند و هر که چنین نباشد از ما نیست.

24- قَالَ (عليه السلام): «مَنْ تَذَكَّرَ مُصَابِنَا، فَبَكَى وَ أَبْكَى لَمْ تَبْكِ عَيْنُهُ يَوْمَ تَبْكِي الْعُيُونُ، وَ مَنْ جَلَسَ مَجْلِساً يُخْبِي فِيهِ أَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ.» (24)

فرمود: هر که مصائب ما - اهل بیت عصمت و طهارت - را یادآور شود و گریه کند یا دیگری را بگریاند، روزی که همه گریان باشند او نخواهد گریست، و هر که در مجلسی بنشیند که علوم و فضائل ما گفته شود همیشه زنده دل خواهد بود.

25- قَالَ (عليه السلام): «الْمُسْتَتِرُ بِالْحَسَنَةِ يَغْدِلُ سَبْعِينَ حَسَنَةً، وَ الْمُذِيعُ بِالسَّيِّئَةِ مَخْذُولٌ، وَ الْمُسْتَتِرُ بِالسَّيِّئَةِ مَغْفُورٌ لَهُ.» (25)

فرمود: انجام دادن حسنه و کار نیک به صورت مخفی، معادل هفتاد حسنه است؛ و آشکار ساختن گناه و خطا موجب خواری و پستی می گردد و پوشاندن و آشکار نکردن خطا و گناه موجب آمرزش آن خواهد بود.

26- أَنَّهُ سُئِلَ مَا الْعَقْلُ؟ فَقَالَ (عليه السلام): «التَّجَرُّعُ لِلْغَضَبِ، وَ مُدَاهَنَةُ الْأَعْدَاءِ، وَ مُدَارَاةُ الْأَصْدِقَاءِ.» (26)

از امام رضا(علیه السلام) سؤال شد که عقل و هوشیاری چگونه است؟

حضرت در جواب فرمود: تحمل مشکلات و ناملایمات، زیرک بودن و حرکات دشمن را زیر نظر داشتن، مدارا کردن

با دوستان می باشد - که اختلاف نظرها سبب فتنه و آشوب نشود -.

27- قَالَ (علیه السلام): «مَابَعَثَ اللَّهُ نَبِيًّا إِلَّا بِتَخْرِيمِ الْخَمْرِ، وَ أَنْ يُقَرَّرَ بِأَنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ.» (27)

فرمود: خداوند هیچ پیغمبری را نفرستاده مگر آن که در شریعت او شراب و مُسکرات حرام بوده است، همچنین هر یک از پیامبران معتقد بودند که خداوند هر آنچه را اراده کند انجام می دهد.

28- قَالَ (علیه السلام): «لَا تَتَزَكُّوا الطَّيِّبَ فِي كُلِّ يَوْمٍ، فَإِنْ لَمْ تَقْدِرُوا فَيَوْمَ وَ يَوْمٍ، فَإِنْ لَمْ تَقْدِرُوا فَبِ كُلِّ جُمُعَةٍ.»

(28)

فرمود: سعی نمائید هر روز، از عطر استفاده نمائید و اگر نتوانستید یک روز در میان، و اگر نتوانستید پس هر جمعه خود را معطر و خوشبو گردانید (با رعایت شرائط زمان و مکان).

29- قَالَ (علیه السلام): «إِذَا كَذَبَ الْوَلَاهُ حَبَسَ الْمَطَرُ، وَ إِذَا جَارَ السُّلْطَانُ هَانَتِ الدَّوْلَةُ، وَ إِذَا حُبِسَتِ الزَّكَاةُ مَاتَتِ

الْمَوَاشِي.» (29)

فرمود: هرگاه والیان و مسئولان حکومت دروغ گویند باران نمی بارد، و اگر رئیس حکومت، ظلم و ستم نماید پایه های حکومتش سست و ضعیف می گردد؛ و چنانچه مردم زکات - و خمس مالشان را - نپردازند چهارپایان می میرند.

30- قَالَ (علیه السلام): «الْمَلَائِكَةُ تُقَسِّمُ أَزْزَاقَ بَنِي آدَمَ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ، فَمَنْ نَامَ فِيمَا

بَيْنَهُمَا نَامَ عَنْ رِزْقِهِ.» (30)

فرمود: ما بین طلوع سپیده صبح تا طلوع خورشید ملائکه الهی از زکات انسان ها را سهمیه بندی می نمایند، هرکس در این زمان بخوابد غافل و محروم خواهد شد.

31- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ فَرَّجَ عَنْ مُؤْمِنٍ فَرَّجَ اللَّهُ قَلْبَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.» (31)

فرمود: هرکس مشکلی از مؤمنی را بر طرف نماید و او را خوشحال سازد، خداوند او را در روز قیامت خوشحال و راضی می گرداند.

32- قَالَ (علیه السلام): «إِنَّا لَنَعْرِفُ الرَّجُلَ إِذَا رَأَيْنَاهُ بِحَقِيقَةِ الْإِيمَانِ وَ بِحَقِيقَةِ النِّفَاقِ.» (32)

فرمود: همانا ما اهل بیت عصمت و طهارت چنانچه شخصی را بنگریم، ایمان و اعتقاد او را می شناسیم که اعتقادات درونی و افکار او چگونه است.

33- قَالَ (علیه السلام): «لَا يَكُونُ الْمُؤْمِنُ مُؤْمِنًا إِلَّا أَنْ يَكُونَ فِيهِ ثَلَاثُ خِصَالٍ: سُنَّةٌ مِنَ اللَّهِ وَ سُنَّةٌ مِنْ نَبِيِّهِ وَ

سُنَّةٌ مِنْ وَلِيِّهِ، أَمَّا السُّنَّةُ مِنَ اللَّهِ فَكِتْمَانُ السِّرِّ، أَمَّا السُّنَّةُ مِنْ نَبِيِّهِ مُدَارَاةُ النَّاسِ، أَمَّا السُّنَّةُ مِنْ وَلِيِّهِ فَالصَّبْرُ عَلَى

النَّائِبَةِ.» (33)

فرمود: مؤمن، حقیقت ایمان را درک نمی کند مگر آن که 3 خصلت را دارا باشد:

خصلتی از خداوند، که کتمان اسرار افراد باشد، خصلتی از پیغمبر اسلام (صلی الله علیه وآله وسلم) که مدارا

کردن با مردم باشد، خصلتی از ولی خدا که صبر و شکیبائی در مقابل شدائد و سختی ها را داشته باشد.

34- قَالَ (علیه السلام): «إِنَّ الصَّمْتَ بَابٌ مِنْ أَبْوَابِ الْحِكْمَةِ، يَكْسِبُ الْمَحَبَّةَ، إِنَّهُ دَلِيلٌ عَلَى كُلِّ خَيْرٍ.» (34)

فرمود: همانا سکوت و خاموشی راهی از راه های حکمت است، سکوت موجب محبت و علاقه می گردد، سکوت راهنمایی برای کسب خیرات می باشد.

35- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ السُّنَّةُ التَّزْوِيجُ بِاللَّيْلِ، لِأَنَّ اللَّهَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا، وَالنَّسَاءَ إِثْمَاهُنَّ سَكَنٌ.» (35)

فرمود: بهترین وقت برای تزویج و زناشویی شب است که خداوند متعال شب را وسیله آرامش و سکون قرار داده،

همچنین زنان آرام بخش و تسکین دهنده می باشند.

36- قَالَ (عليه السلام): «مَا مِنْ عَبْدٍ زَارَ قَبْرَ مُؤْمِنٍ، فَقَرَأَ عَلَيْهِ «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» سَبْعَ مَرَّاتٍ، إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَلِصَاحِبِ الْقَبْرِ.» (36)

فرمود: هر بنده ای از بندگان خداوند بر قبر مؤمنی جهت زیارت حضور یابد و هفت مرتبه سوره مبارکه - إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ - را بخواند، خداوند متعال گناهان او و صاحب قبر را مورد بخشش و آمرزش قرار می دهد.

37- قَالَ (عليه السلام): «الْأَخُ الْأَكْبَرُ بِمَنْزِلَةِ الْأَب.» (37)

فرمود: برادر بزرگ جانشین و جایگزین پدر خواهد بود.

38- قَالَ (عليه السلام): «إِنَّمَا تَغْضَبُ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، فَلَا تَغْضَبُ لَهُ بِأَكْثَرِ مِمَّا غَضِبَ عَلَى نَفْسِهِ.» (38)

فرمود: چنانچه در موردی خواستی غضب کنی و برای خدا برخورد نمائی، پس متوجّه باش که غضب و خشم خود را در جهت و محدوده رضایت و خوشنودی خداوند، اعمال کن.

39- قَالَ (عليه السلام): «خَيْرُ الْأَعْمَالِ الْحَرْتُ، تَزْرَعُهُ، فَيَأْكُلُ مِنْهُ الْبَرُّ وَ الْفَاجِرُ، أَمَّا الْبَرُّ فَمَا أَكَلَ مِنْ شَيْءٍ إِسْتَعْفَرَ لَكَ، وَ أَمَّا الْفَاجِرُ فَمَا أَكَلَ مِنْهُ مِنْ شَيْءٍ لَعَنَهُ، وَ يَأْكُلُ مِنْهُ الْبَهَائِمُ وَ الطَّيْرُ.» (39)

فرمود: بهترین کارها، شغل کشاورزی است، چون که در نتیجه کشت و تلاش، همه انسان های خوب و بد از آن استفاده می کنند.

اما استفاده خوبان سبب آمرزش گناهان می باشد، ولی استفاده افراد فاسد و فاسق موجب لعن ایشان خواهد شد، همچنین تمام پرنده ها و چرندگان از تلاش و نتیجه کشت بهره مند خواهند شد.

40- قَالَ (عليه السلام): «مَنْ تَرَكَ السَّعْيَ فِي حَوَائِجِهِ يَوْمَ عَاشُورَاءَ، فَضَى اللَّهُ لَهُ حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، وَ قَرَّتْ بِنَا فِي الْجَنَانِ عَيْنُهُ.» (40)

فرمود: هرکس روز عاشورای امام حسین (علیه السلام)، دنبال کسب و کار نرود (و مشغول عزاداری و حزن و اندوه گردد)، خداوند متعال خواسته ها و حوائج دنیا و آخرت او را برآورده می نماید؛ و در بهشت چشمش به دیدار ما - اهل بیت - روشن می گردد.

پاورقی ها :

1 - مستدرک الوسائل: ج 10، ص 250، ح 38.

2 - مستدرک الوسائل: ج 10، ص 359، ح 2.

3 - مستدرک الوسائل: ج 3، ص 25، ح 4.

4 - تهذيب الأحكام: ج 2، ص 242، ح 957.

5 - وسائل الشّيعه: ج 4، ص 43، ح 4469.

6 - وسائل الشّيعه: ج 21، ص 460، ح 27580.

7 - وسائل الشّيعه: ج 1، ص 467، ح 1238.

8 - بحار الأنوار: ج 2، ص 30، ح 13.

9 - الدرّ الباهره: ص 38، س 3، بحار: ج 75، ص 354، ح 10.

10 - جامع الأخبار ص 59، بحار الأنوار: ج 91، ص 47، ح 2.

11 - أمالی شيخ صدوق ص 68، بحار الأنوار: ج 91، ص 47، ضمن ح 2.

- 12 - علل الشَّرَائع: ص 198، ح 21.
- 13 - بصائر الدَّرَجَات: جزء 6، ص 308، باب 8، ح 5.
- 14 - وسائل الشَّيعة: ج 21، ص 540، ح 27807.
- 15 - بحار الأنوار: ج 78، ص 183، ح 35، ثواب الأعمال: ص 175.
- 16 - محاسن برقى: ص 422، ح 208.
- 17 - الدَّرّه الباهره: ص 37، س 13، بحار: ج 75، ص 354، س 5.
- 18 - وسائل الشَّيعة: ج 21، ص 561، ح 27873.
- 19 - مستدرک الوسائل: ج 2، ص 155، ح 30.
- 20 - مصادقه الإخوان شيخ صدوق: ص 52، ح 1.
- 21 - وسائل الشَّيعة: ج 25، ص 183، ح 31693.
- 22 - مستدرک الوسائل: ج 15، ص 358، ح 8.
- 23 - جامع أحاديث الشَّيعة: ج 1، ص 171، ح 234، بحار: ج 65، ص 167، ح 24.
- 24 - وسائل الشَّيعة: ج 14، ص 502، ح 19693.
- 25 - وسائل الشَّيعة: ج 16، ص 63، ح 20990.
- 26 - أمالى شيخ صدوق: ص 233، ح 17.
- 27 - بحار الأنوار: ج 4، ص 97، ح 3.
- 28 - مستدرک الوسائل: ج 6، ص 49، ح 6.
- 29 - أمالى شيخ طوسى: ص 82، مستدرک الوسائل: ج 6، ص 188، ح 1.
- 30 - وسائل الشَّيعة: ج 6، ص 497، ح 6533.
- 31 - اصول كافى: ج 2، ص 160، ح 4، وسائل الشَّيعة: ج 16، ص 372، ح 6.
- 32 - إعلام الورى: ج 2، ص 70، بصائر الدَّرَجَات: جزء 8، ص 308، ح 5.
- 33 - بحار الأنوار: ج 75، ص 334، ح 1، مستدرک الوسائل: ج 9، ص 37، ح 10138.
- 34 - مستدرک الوسائل: ج 9، ص 16، ح 10073.
- 35 - وسائل الشَّيعة: ج 3، ص 91، ح 22040.
- 36 - من لا يحضره الفقيه: ج 1، ص 115، ح 541، وسائل الشَّيعة: ج 3، ص 227، ح 3479.
- 37 - وسائل الشَّيعة: ج 20، ص 283، ح 25636.
- 38 - عيون أخبار الرضا(عليه السلام): ج 1، ص 292، ح 44.
- 39 - الكافى: ج 5، ص 260، ح 5.
- 40 - عيون أخبار الرضا(عليه السلام): ج 1، ص 299، ح 57.

حضرت امام جواد (علیه السلام)

1- قَالَ الْإِمَامُ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ التَّقِيُّ الْجَوَادُ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) : «الْمُؤْمِنُ يَحْتَاجُ إِلَى ثَلَاثِ خِصَالٍ: تَوْفِيقٍ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَوَاعِظٍ مِنْ نَفْسِهِ، وَقَبُولٍ مِنْ مَنْ يَنْصَحُهُ.» (1)

حضرت امام محمد جواد (علیه السلام) فرمود: مؤمن در هر حال نیازمند به سه خصلت است:

توفیق از طرف خداوند متعال، واعظی از درون خود، قبول و پذیرش نصیحت کسی که او را نصیحت نماید.

2- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) : «مُلَاقَاةُ الْأَخْوَانِ نَشْرَةٌ، وَتَلْقِيحُ لِلْعَقْلِ وَ إِنْ كَانَ نَزْرًا قَلِيلًا.» (2)

فرمود: ملاقات و دیدار با دوستان و برادران - خوب - ، موجب صفای دل و نورانیت آن می گردد و سبب شکوفائی عقل و درایت خواهد گشت، گرچه در مدت زمانی کوتاه انجام پذیرد.

3- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) : «إِيَّاكَ وَ مُصَاحِبَةَ الشَّرِيرِ، فَإِنَّهُ كَالسَّيْفِ الْمَسْلُوبِ، يَحْسُنُ مَنْظَرُهُ وَ يَقْبَحُ أَثَرُهُ.» (3)

فرمود: مواظب باش از مصاحبت و دوستی با افراد شرور، چون که او همانند شمشیری زهرآلود، براق است که ظاهرش زیبا و اثراتش زشت و خطرناک خواهد بود.

4- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) : «كَيْفَ يُصَيِّغُ مِنَ اللَّهِ كَافِلُهُ، وَكَيْفَ يَنْجُو مِنَ اللَّهِ طَالِبُهُ، وَ مَنْ انْقَطَعَ إِلَى غَيْرِ اللَّهِ وَ كَلَّهُ اللَّهُ إِلَيْهِ.» (4)

فرمود: چگونه گمراه و درمانده خواهد شد کسی که خداوند سرپرست و متکفل اوست.

چطور نجات می یابد کسی که خداوند طالبش می باشد.

هر که از خدا قطع امید کند و به غیر او پناهنده شود، خداوند او را به همان شخص واگذار می کند.

5- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) : «مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الْمَوَارِدَ أَعْيَتْهُ الْمَصَادِرُ.» (5)

فرمود: هرکس موقعیت شناس نباشد؛ جریانات، او را می رباید و هلاک خواهد شد.

6- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) : «مَنْ عَتَبَ مِنْ غَيْرِ ارْتِيَابٍ أَعْتَبَ مِنْ غَيْرِ اسْتِعْتَاب.» (6)

فرمود: سرزنش کردن دیگران بدون علّت و دلیل سبب ناراحتی و خشم خواهد گشت، در حالی که رضایت آنان نیز کسب نخواهد کرد.

7- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) : «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الْأَخْلَاصُ.» (7)

فرمود: با فضیلت ترین و ارزشمندترین عبادت ها آن است که خالص و بدون ریا باشد.

8- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) : «يَخْفَى عَلَى النَّاسِ وَلَادَتُهُ، وَ يَغِيبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ، وَ تَحْرُمُ عَلَيْهِمْ تَسْمِيَّتُهُ، وَ هُوَ سَمِّيَ

رَسُولُ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ) وَ كُنِّيهِ.» (8)

فرمود: زمان ولادت امام عصر (علیه السلام) بر مردم - زمانش - مخفی است، و شخصش از شناخت افراد غایب و پنهان است.

و حرام است که آن حضرت را نام ببرند؛ و او همانام و هم کنیه رسول خدا صَلَّی اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ سَلَّمَ است.

9- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) : «عِزُّ الْمُؤْمِنِ غِنَاهُ عَنِ النَّاسِ.» (9)

فرمود: عزّت و شخصیت مؤمن در بی نیازی و طمع نداشتن به - مال و زندگی - دیگران است.

10- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) : «مَنْ أَصْغَى إِلَى نَاطِقٍ فَقَدْ عَبَدَهُ، فَإِنْ كَانَ النَّاطِقُ عَنِ اللَّهِ فَقَدْ عَبَدَ اللَّهَ، وَ إِنْ كَانَ النَّاطِقُ

يَنْطِقُ عَنْ لِسَانِ إِبْلِيسَ فَقَدْ عَبَدَ إِبْلِيسَ.» (10)

فرمود: هرکس به شخصی سخنران علاقمند و متمایل باشد، بنده اوست، پس چنانچه سخنور برای خدا و از -

احکام و معارف - خدا سخن بگوید، بنده خداست، و اگر از زبان شیطان - و هوی و هوس و مادیات - سخن بگوید، بنده شیطان خواهد بود.

11- قَالَ (علیه السلام): «لَا يَضُرُّكَ سَخَطُ مَنْ رِضَاهُ الْجَوْزُ.» (11)

فرمود: کسی که طالب رضایت خداوند متعال باشد، دشمنی ستمگران، او را زیان و ضرر نمی رساند.

12- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ حَطَبَ إِلَيْكُمْ فَرَضِيَّتُمْ دِينَهُ وَ أَمَانَتَهُ فَرَوْجُوهُ، إِلَّا تَفَعَّلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَ فَسَادٌ

كَبِيرٌ.» (12)

فرمود: هر که به خواستگاری دختر شما آید و به تقوا و تدبیر و امانتداری او مطمئن می باشید با او موافقت کنید وگرنه شما سبب فتنه و فساد بزرگی در روی زمین خواهید شد.

13- قَالَ (علیه السلام): «لَوْ سَكَّتِ الْجَاهِلُ مَا اخْتَلَفَ النَّاسُ.» (13)

فرمود: چنانچه افراد جاهل و بی تجربه ساکت باشند مردم دچار اختلافات و تشنجات نمی شوند.

14- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ اسْتَحْسَنَ قَبِيحًا كَانَ شَرِيكًا فِيهِ.» (14)

فرمود: هر که کار زشتی را تحسین و تأیید کند، در عقاب آن شریک می باشد.

15- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ انْقَادَ إِلَى الطَّمَانِينَةِ قَبْلَ الْخَيْرِ فَقَدْ عَرَّضَ نَفْسَهُ لِلْهَلَكَةِ وَالْعَاقِبَةُ الْمُغْضِبَةُ.» (15)

فرمود: هرکس بدون تفکر و اطمینان نسبت به جوانب (هر کاری، فرمانی، حرکتی و...) مطیع و پذیرای آن شود، خود را در معرض سقوط قرار داده؛ و نتیجه ای جز خشم و عصبانیت نخواهد گرفت.

16- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ اسْتَعْنَى بِاللَّهِ إِفْتَقَرَ النَّاسُ إِلَيْهِ، وَ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ أَحَبَّهُ النَّاسُ وَ إِنْ كَرِهُوا.» (16)

فرمود: هر که خود را به وسیله خداوند بی نیاز بداند مردم محتاج او خواهند شد و هر که تقوای الهی را پیشه خود کند خواه ناخواه، مورد محبت مردم قرار می گیرد گرچه مردم خودشان اهل تقوا نباشند.

17- قَالَ (علیه السلام): «عَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) عَلِيًّا (علیه السلام) أَلْفَ كَلِمَةٍ، كُلُّ كَلِمَةٍ يَفْتَحُ

أَلْفَ كَلِمَةٍ.» (17)

فرمود: حضرت رسول (صلی الله علیه وآله وسلم)، یک هزار کلمه به امام علی (علیه السلام) تعلیم نمود که از هر کلمه ای هزار باب علم و مسأله فرعی باز می شود.

18- قَالَ (علیه السلام): «نِعْمَةٌ لَا تُشْكُرُ كَسِيَّتُهُ لَا تُغْفَرُ.» (18)

فرمود: خدمت و نعمتی که مورد شکر و سپاس قرار نگیرد همانند خطائی است که غیرقابل بخشش باشد.

19- قَالَ (علیه السلام): «مَوْتُ الْإِنْسَانِ بِالذُّنُوبِ أَكْثَرُ مِنْ مَوْتِهِ بِالْأَجَلِ، وَ حَيَاتُهُ بِالْإِثْرِ أَكْثَرُ مِنْ حَيَاتِهِ بِالْعُمْرِ.» (19)

فرمود: فرارسیدن مرگ انسان ها، به جهت معصیت و گناه، بیشتر است تا مرگ طبیعی و عادی، همچنین حیات و زندگی - لذت بخش - به وسیله نیکی و احسان به دیگران بیشتر و بهتر است از عمر بی نتیجه.

20- قَالَ (علیه السلام): «لَنْ يَسْتَكْمَلَ الْعَبْدُ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى يُؤْتَرَ دِينُهُ عَلَى شَهْوَتِهِ، وَ لَنْ يُهْلِكَ حَتَّى يُؤْتَرَ

شَهْوَتُهُ عَلَى دِينِهِ.» (20)

فرمود: بنده ای حقیقت ایمان را نمی یابد مگر آن که دین و احکام الهی را در همه جهات بر تمایلات و هواهای نفسانی خود مقدم دارد.

و کسی هلاک و بدبخت نمی گردد مگر آن که هواها و خواسته های نفسانی خود را بر احکام الهی مقدم نماید.

21- قَالَ (علیه السلام): «عَلَيْكُمْ بِطَلَبِ الْعِلْمِ، فَإِنَّ طَلَبَهُ فَرِيضَةٌ وَالْبَحْثُ عَنْهُ نَافِلَةٌ، وَ هُوَ صِلَةٌ بَيْنَ الْأَخْوَانِ، وَ

دَلِيلٌ عَلَى الْمُرُوءَةِ، وَ تَحَفُّهُ فِي الْمَجَالِسِ، وَ صَاحِبٌ فِي السَّفَرِ، وَ أُنْسٌ فِي الْغُرَبَةِ.» (21)

فرمود: بر شما باد به تحصیل علم و معرفت، چون فراگیری آن واجب و بحث پیرامون آن مستحب و پرفایده است.

علم وسیله کمک به دوستان و برادران است، دلیل و نشانه مرآت و جوانمردی است، هدیه و سرگرمی در مجالس است، همدم و رفیق انسان در مسافرت است؛ و انیس و مونس انسان در تنهایی می باشد.

22- قَالَ (علیه السلام): «حَفْصُ الْجَنَاحِ زِينَةُ الْعِلْمِ، وَ حُسْنُ الْأَدَبِ زِينَةُ الْعَقْلِ، وَ بَسْطُ الْوَجْهِ زِينَةُ الْجِلْمِ.» (22)
فرمود: تواضع و فروتنی زینت بخش علم و دانش است، آداب داشتن و اخلاق نیک زینت بخش عقل می باشد، خوش روئی با افراد زینت بخش حلم و بردباری است.

23- قَالَ (علیه السلام): «تَوَسَّدِ الصَّبْرَ، وَ اعْتَنِقِ الْفَقْرَ، وَ ارْزُقِ الشَّهَوَاتِ، وَ خَالِفِ الْهَوَى، وَ اعْلَمْ أَنَّكَ لَنْ تَخْلُو مِنْ عَيْنِ اللَّهِ، فَانْظُرْ كَيْفَ تَكُونُ.» (23)

فرمود: در زندگی، صبر را تکیه گاه خود، فقر و تنگ دستی را همنشین خود قرار بده و با هواهای نفسانی مخالفت کن.

و بدان که هیچگاه از دیدگاه خداوند پنهان و مخفی نخواهی ماند، پس مواظب باش که در چه حالتی خواهی بود.
24- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ أَتَمَّ رُكُوعَهُ لَمْ تُدْخِلْهُ وَحْشَةُ الْقَبْرِ.» (24)

فرمود: هرکس رکوع نمازش را به طور کامل و صحیح انجام دهد، وحشت قبر بر او وارد نخواهد شد.

25- قَالَ (علیه السلام): «الْحُشُوعُ زِينَةُ الصَّلَاةِ، وَ تَزَكُّ مَا لَا يُعْنَى زِينَةُ الْوَرَعِ.» (25)

فرمود: خشوع و خضوع زینت بخش نماز خواهد بود، ترک و رها کردن آنچه (برای دین و دنیا و آخرت) سودمند نباشد زینت بخش ورع و تقوای انسان می باشد.

26- قَالَ (علیه السلام): «الْأَمْرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيُ عَنِ الْمُنْكَرِ خَلْقَانِ مِنْ خَلْقِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، فَمَنْ نَصَرَهُمَا أَعَزَّهُ اللَّهُ، وَ مَنْ خَذَلَهُمَا خَذَلَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ.» (26)

فرمود: امر به معروف و نهی از منکر دو مخلوق الهی است، هر که آن ها را یاری و اجراء کند مورد نصرت و رحمت خدا قرار می گیرد و هر که آن ها را ترک و رها گرداند مورد خذلان و عقاب قرار می گیرد.

27- قَالَ (علیه السلام): «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَخْتَارُ مِنْ مَالِ الْمُؤْمِنِ وَ مِنْ وَلَدِهِ أَنْفُسَهُ لِيَأْجِرَهُ عَلَى ذَلِكَ.» (27)

فرمود: همانا خداوند متعال بهترین و عزیزترین ثروت و فرزند مؤمن را می گیرد (و هلاک و نابود می گرداند)، چون دنیا و متعلقات آن بی ارزش است تا در قیامت پاداش عظیمی عطایش نماید.

28- قَالَ لَهُ رَجُلٌ: أَوْصِنِي بَوَصِيَّتِهِ جَامِعَةٍ مُخْتَصَرَةٍ؟

فَقَالَ (علیه السلام): «صُنْ نَفْسَكَ عَنْ عَارِ الْعَاجِلَةِ وَ نَارِ الْآجِلَةِ.» (28)

شخصی به حضرت عرض کرد: مرا موعظه و نصیحتی کامل و مختصر عطا فرما؟

امام (علیه السلام) فرمود: اعضاء و جوارح - ظاهری و باطنی - خود را از ذلت و ننگ سریع و زودرس، همچنین از آتش و عذاب آخرت، در امان و محفوظ بدار.

29- قَالَ (علیه السلام): «فَسَادُ الْأَخْلَاقِ بِمُعَاشِرَةِ السُّفَهَاءِ، وَ صَلَاحُ الْأَخْلَاقِ بِمُنَافَسَةِ الْعُقَلَاءِ.» (29)

فرمود: معاشرت و همنشینی با بی خردان و افراد لاپابالی سبب فساد و تباهی اخلاق خواهد شد؛ و معاشرت و رفاقت با خردمندان هوشیار، موجب رشد و کمال اخلاق می باشد.

30- قَالَ (علیه السلام): «الْأَدَبُ عِنْدَ النَّاسِ التُّطُّقُ بِالْمُسْتَحْسَنَاتِ لَا غَيْرُ، وَ هَذَا لَا يُعْتَدُّ بِهِ مَا لَمْ يُوصَلْ بِهَا إِلَى رِضَا اللَّهِ سُبْحَانَهُ، وَ الْجَنَّةِ، وَ الْأَدَبُ هُوَ أَدَبُ الشَّرِيعَةِ، فَتَأَدَّبُوا بِهَا تَكُونُوا أَدَبَاءَ حَقًّا.» (30)

فرمود: مفهوم و معنای ادب از نظر مردم، تنها خوب سخن گفتن است که رکیک و سبک نباشد، ولیکن این نظریه قابل توجه نیست تا مادامی که انسان را به خداوند متعال و بهشت نزدیک نگرداند.

بنابر این ادب یعنی رعایت احکام و مسائل دین، پس با عمل کردن به دستورات الهی و ائمه اطهار (علیهم السلام)، ادب خود را آشکار سازید.

31- قَالَ (علیه السلام): «ثَلَاثُ خِصَالٍ تَجْتَلِبُ بِهِنَّ الْمَحَبَّةُ: الْإِنصَافُ فِي الْمُعَاشَرَةِ، وَ الْمُوَاسَاةُ فِي الشَّدَّةِ، وَ الْأُتْوَاعُ وَ الرَّجُوعُ إِلَى قَلْبِ سَلِيمٍ.» (31)

فرمود: سه خصلت جلب محبت می کند: انصاف در معاشرت با مردم، همدردی در مشکلات آن ها، همراه و همدم شدن با معنویات.

32- قَالَ (علیه السلام): «التَّوْبَةُ عَلَى أَرْبَعِ دَعَائِمٍ: نَدَمٌ بِالْقَلْبِ، وَاسْتِغْفَارٌ بِاللِّسَانِ، وَ عَمَلٌ بِالْجَوَارِحِ، وَ عَزْمٌ أَنْ لَا يَعُودَ.» (32)

فرمود: شرایط پذیرش توبه چهار چیز است: پشیمانی قلبی، استغفار با زبان، جبران کردن گناه - نسبت به همان گناه حق الله و یا حق الناس - ، تصمیم جدی بر این که دیگر مرتکب آن گناه نشود.

33- قَالَ (علیه السلام): «ثَلَاثٌ مِنْ عَمَلِ الْأَبْرَارِ: إِقَامَةُ الْفَرَائِضِ، وَاجْتِنَابُ الْمَحَارِمِ، وَاحْتِرَاسُ مِنَ الْعَفْلَةِ فِي الدِّينِ.» (33)

فرمود: سه چیز از کارهای نیکان است: انجام واجبات الهی، ترک و دوری از گناهان، مواظبت و رعایت مسائل و احکام دین.

34- قَالَ (علیه السلام): «وَ حَقِيقَةُ الْأَدَبِ: إِجْتِمَاعُ خِصَالِ الْخَيْرِ، وَ تَجَافِي خِصَالِ الشَّرِّ، وَ بِالْأَدَبِ يَبْلُغُ الرَّجُلُ الْمَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ، وَ يَصِلُ بِهِ إِلَى الْجَنَّةِ.» (34)

فرمود: حقیقت ادب و تربیت عبارت است از: دارا بودن خصلت های خوب، خالی بودن از صفات زشت و ناپسند. انسان به وسیله ادب - در دنیا و آخرت - به کمالات اخلاقی می رسد؛ و نیز با رعایت ادب نیل به بهشت می یابد.

35- قَالَ (علیه السلام): «إِنَّ بَيْنَ جَبَلَيْ طُوسٍ قَبْضَةٌ قَبِضَتٌ مِنَ الْجَنَّةِ، مَنْ دَخَلَهَا كَانَ آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ النَّارِ.» (35)

فرمود: همانا بین دو سمت شهر طوس قطعه ای می باشد که از بهشت گرفته شده است، هر که داخل آن شود - و با معرفت زیارت کند -، روز قیامت از آتش در امان خواهد بود.

36- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ زَارَ قَبْرَ عَمَّتِي بِقُمْ، فَلَهُ الْجَنَّةُ.» (36)

فرمود: هرکس قبر عمه ام - حضرت معصومه سلام الله علیها - را با علاقه و معرفت در قم زیارت کند، أهل بهشت خواهد بود.

37- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ زَارَ قَبْرَ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ فَجَلَسَ عِنْدَ قَبْرِهِ وَاسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ وَ وَضَعَ يَدَهُ عَلَى الْقَبْرِ وَقَرَأَ: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» سَبْعَ مَرَّاتٍ، أَمِنَ مِنَ الْفَزَعِ الْأَكْبَرِ.» (37)

فرمود: هرکس بر بالین قبر مؤمنی حضور یابد و رو به قبله بنشیند و دست خود را روی قبر بگذارد و هفت مرتبه سوره مبارکه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» را بخواند از شداید و سختیهای صحرای محشر در امان قرار می گیرد.

38- قَالَ (علیه السلام): «ثَلَاثٌ يَبْلُغْنَ بِالْعَبْدِ رِضْوَانَ اللَّهِ: كَثْرَةُ الْأَسْتِغْفَارِ، وَ حَفْظُ الْجَانِبِ، وَ كَثْرَةُ الصَّدَقَةِ.» (38)

فرمود: سه چیز، سبب رسیدن به رضوان خدای متعال می باشد: نسبت به گناهان و خطاها، زیاد استغفار و اظهار ندامت کردن.

اهل تواضع کردن و فروتن بودن.

صدقه و کارهای خیر بسیار انجام دادن.

39- قال (عليه السلام): «الْعَامِلُ بِالظُّلْمِ، وَالْمُعِينُ لَهُ، وَالرَّاضِي بِهِ شُرَكَاءُ.» (39)

فرمود: انجام دهنده ظلم، کمک دهنده ظلم و کسی که راضی به ظلم باشد، هر سه شریک خواهند بود.

40- قال (عليه السلام): «التَّوَّاضُعُ زِينَةُ الْحَسَبِ، وَالْفَصَاحَةُ زِينَةُ الْكَلَامِ، وَالْعَدْلُ زِينَةُ الْإِيمَانِ، وَالسَّكِينَةُ زِينَةُ

الْعِبَادَةِ، وَالْحِفْظُ زِينَةُ الرِّوَايَةِ.» (40)

فرمود: تواضع و فروتنی زینت بخش حسب و شرف، فصاحت زینت بخش کلام، عدالت زینت بخش ایمان و اعتقادات، وقار و ادب زینت بخش اعمال و عبادات؛ و دقت در ضبط و حفظ آن، زینت بخش نقل روایت و سخن می باشد.

پاورقی ها :

- 1 - بحار الأنوار: ج 72، ص 65، ح 3، مستدرک الوسائل: ج 8، ص 329، ح 9576.
- 2 - امالی شیخ مفید: ص 328، ح 13، مستدرک: ج 8، ص 324، ح 9562.
- 3 - أعلام الدّین: ص 309، س 11، مستدرک الوسائل: ج 8، ص 351، ح 9634.
- 4 - بحار الأنوار: ج 68، ص 155، ح 69.
- 5 - أعلام الدّین: ص 309، س 5، بحار الأنوار: ج 75، ص 364، ضمن ح 5.
- 6 - بحار الأنوار: ج 71، ص 181، س 1، أعيان الشّيعه: ج 2، ص 36، س 14.
- 7 - تنبيه الخواطر: ص 428، بحار الأنوار: ج 67، ص 245، ح 19.
- 8 - وسائل الشّيعه: ج 16، ص 242، ح 21466.
- 9 - بحار الأنوار: ج 72، ص 109، ح 12، مستدرک الوسائل: ج 7، ص 230، ح 8114.
- 10 - مستدرک الوسائل: ج 17، ص 308، ح 5.
- 11 - بحار الأنوار: ج 75، ص 380، ح 42.
- 12 - تهذيب الأحكام: ج 7، ص 396، ح 9.
- 13 - كشف الغمّه: ج 2، ص 349، بحار الأنوار: ج 75، ص 81، ح 75.
- 14 - كشف الغمّه: ج 2، ص 349، بحار الأنوار: ج 75، ص 82، ح 79.
- 15 - بحار الأنوار: ج 68، ص 340، ح 13.
- 16 - بحار الأنوار: ج 75، ص 79، ح 62.
- 17 - خصال: ج 2، ص 650، ح 46.
- 18 - بحار الأنوار: ج 68، ص 53، ح 69.
- 19 - كشف الغمّه: ج 2، ص 350، س 11.
- 20 - بحار الأنوار: ج 75، ص 80، ح 63.
- 21 - حليه الأبرار: ج 4، ص 599، س 11.
- 22 - كشف الغمّه: ج 2، ص 347.
- 23 - بحار الأنوار: ج 75، ص 358، ح 1.

- 24 - کافی: ج 3، ص 321، ح 7.
- 25 - نور الأبصار: ص 331، س 12، بحار الأنوار: ج 75، ص 80، س 12.
- 26 - خصال صدوق: ص 42، ح 32.
- 27 - کافی: ج 3، ص 218، ح 3.
- 28 - احقاق الحق: ج 12، ص 439، س 11.
- 29 - كشف الغمّه: ج 2، ص 349، بحار الأنوار: ج 75، ص 82، ح 78.
- 30 - ارشاد القلوب دیلمی: ص 160، س 19.
- 31 - كشف الغمّه: ج 2، ص 349، س 13.
- 32 - بحار الأنوار: ج 75، ص 81، ح 74.
- 33 - كشف الغمّه: ج 2، ص 349، س 3.
- 34 - ارشاد القلوب دیلمی: ص 160، س 15.
- 35 - عیون اخبار الرضا (علیه السلام): ج 2، ص 256، ح 6.
- 36 - کامل الزیارات: ص 536، ح 827، بحار الانوار: ج 99، ص 265.
- 37 - اختیار معرفه الرجال: ص 564، ح 1066.
- 38 - كشف الغمّه: ج 2، ص 349، س 7.
- 39 - كشف الغمّه: ج 2، ص 348، س 18، بحار: ج 75، ص 81، ح 69.
- 40 - كشف الغمّه: ج 2، ص 347، س 19، بحار: ج 75، ص 80، ح 65.

حضرت امام هادی (علیه السلام)

- 1- قَالَ الْإِمَامُ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ النَّقِيِّ الْهَادِي (عَلَيْهِ السَّلَام) : «مَنْ اتَّقَى اللَّهَ يُتَّقَى، وَمَنْ أَطَاعَ اللَّهَ يُطَاعُ، وَ مَنْ أَطَاعَ الْخَالِقَ لَمْ يُبَالِ سَخَطُ الْمَخْلُوقِينَ، وَمَنْ أَسَخَطَ الْخَالِقَ فَقَمِينٌ أَنْ يَجَلَّ بِهِ سَخَطُ الْمَخْلُوقِينَ.» (1)
- حضرت امام هادی (علیه السلام) فرمود: کسی که تقوی الهی را رعایت نماید و مطیع احکام و مقررات الهی باشد، دیگران مطیع او می شوند و هر شخصی که اطاعت از خالق نماید، باقی از دشمنی و عداوت انسان ها نخواهد داشت؛ و چنانچه خدای متعال را با معصیت و نافرمانی خود به غضب درآورد، پس سزاوار است که مورد خشم و دشمنی انسان ها قرار گیرد.
- 2- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): «مَنْ أُنِسَ بِاللَّهِ اسْتَوْحَشَ مِنَ النَّاسِ، وَعَلَامَةُ الْأُنْسِ بِاللَّهِ الْوَحْشَةُ مِنَ النَّاسِ.» (2)
- فرمود: کسی که با خداوند متعال مونس باشد و او را آنیس خود بداند، از مردم احساس وحشت می کند. و علامت و نشانه انس با خداوند وحشت از مردم است - یعنی از غیر خدا نهراسیدن و از مردم احتیاط و دوری کردن - .
- 3- قَالَ (عَلَيْهِ السَّلَام): «السَّهَرُ أَلَذُّ الْمَنَامِ، وَ الْجُوعُ يَزِيدُ فِي طَيِّبِ الطَّعَامِ.» (3)
- فرمود: شب زنده داری، خواب بعد از آن را لذیذ می گرداند؛ و گرسنگی در خوشمزگی طعام می افزاید - یعنی هر

چه انسان کمتر بخوابد بیشتر از خواب لذت می برد و هر چه کم خوراک باشد مزه غذا گوارتر خواهد بود .
4- قَالَ (عليه السلام): «لَا تَطْلُبِ الصَّافَا مِمَّنْ كَدِرَتْ عَلَيْهِ، وَلَا التَّصَحَّحَ مِمَّنْ صَرَفَتْ سُوءَ ظَنِّكَ إِلَيْهِ، فَإِنَّمَا قَلْبُ غَيْرِكَ كَقَلْبِكَ لَهُ.» (4)

فرمود: از کسی که نسبت به او کدورت و کینه داری، صمیمیت و محبت مجوی.

همچنین از کسی که نسبت به او بدگمان هستی، نصیحت و موعظه طلب نکن، چون که دیدگاه و افکار دیگران نسبت به تو همانند قلب خودت نسبت به آن ها می باشد.

5- قَالَ (عليه السلام): «الْحَسَدُ مَاحِقُ الْحَسَنَاتِ، وَالزُّهْوُ جَالِبُ الْمَقْتِ، وَالْعُجْبُ صَارِفُ عَنِ طَلَبِ الْعِلْمِ دَاعٍ إِلَى الْعَمَطِ وَالْجَهْلِ، وَالْبُخْلُ أَذَمُّ الْأَخْلَاقِ، وَالطَّمَعُ سَجِيَّةٌ سَيِّئَةٌ.» (5)

فرمود: حسد موجب نابودی ارزش و ثواب حسنات می گردد.

تکبر و خودخواهی جذب کننده دشمنی و عداوت افراد می باشد.

عجب و خودبینی مانع تحصیل علم خواهد بود و در نتیجه شخص را در پستی و نادانی نگه می دارد.

بخیل بودن بدترین اخلاق است؛ و نیز طمع داشتن خصلتی ناپسند و زشت می باشد.

6- قَالَ (عليه السلام): «الْهَزْلُ فَكَاهُهُ الشَّفْهَاءُ، وَ صَنَاَعَةُ الْجُهَّالِ.» (6)

فرمود: مسخره کردن و شوخی های - بی مورد - از بی خردی است و کار انسان های نادان می باشد.

7- قَالَ (عليه السلام): «الدُّنْيَا سُوقٌ رِيحٌ فِيهَا قَوْمٌ وَ خَسِرَ آخِرُونَ.» (7)

فرمود: دنیا همانند بازاری است که عده ای در آن - برای آخرت - سود می برند و عده ای دیگر ضرر و خسارت متحمل می شوند.

8- قَالَ (عليه السلام): «النَّاسُ فِي الدُّنْيَا بِالْأَمْوَالِ وَ فِي الْآخِرَةِ بِالْأَعْمَالِ.» (8)

فرمود: مردم در دنیا به وسیله ثروت و تجملات شهرت می یابند ولی در آخرت به وسیله اعمال محاسبه و پاداش داده خواهند شد.

9- قَالَ (عليه السلام): «مُخَالَطَةُ الْأَشْرَارِ تَذُلُّ عَلَى شِرَارٍ مَن يُخَالِطُهُمْ.» (9)

فرمود: همنشین شدن و معاشرت با افراد شرور نشانه پستی و شرارت تو خواهد بود.

10- قَالَ (عليه السلام): «أَهْلُ قُمْ وَ أَهْلُ آبَةِ مَعْقُورٍ لَهُمْ ، لِيُزَارَتْهُمْ لِحَدَى عَلَى ابْنِ مُوسَى الرِّضَا (عليه السلام) بِطُوسٍ، أَلَا وَ مَنْ زَارَهُ فَأَصَابَهُ فِي طَرِيقِهِ قَطْرَةٌ مِنَ السَّمَاءِ حَرَّمَ جَسَدَهُ عَلَى النَّارِ.» (10)

فرمود: اهالی قم و اهالی آبه - یکی از روستاهای حوالی ساوه - آمرزیده هستند به جهت آن که جدم امام رضا (علیه السلام) را در شهر طوس زیارت می کنند.

و سپس حضرت افزود: هر که جدم امام رضا (علیه السلام) را زیارت کند و در مسیر راه صدمه و سختی تحمل کند خداوند آتش را بر بدن او حرام می گرداند.

11- عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ السَّكِّيتِ، قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الْهَادِي (عليه السلام): مَا بَالُ الْقُرْآنِ لَا يَزْدَادُ عَلَى النَّشْرِ وَالذَّرْسِ إِلَّا غَضَاضَةً؟

قَالَ (عليه السلام): «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى لَمْ يَجْعَلْهُ لِرَّمَانٍ دُونَ رَمَانٍ، وَلَا لِنَاسٍ دُونَ نَاسٍ، فَهُوَ فِي كُلِّ زَمَانٍ جَدِيدٌ وَ عِنْدَ كُلِّ قَوْمٍ غَضٌّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ.» (11)

یکی از اصحاب حضرت به نام ابن سکیته گوید: از امام هادی (علیه السلام) سؤال کردم: چرا قرآن با مرور زمان و زیاد خواندن و تکرار، کهنه و مندرس نمی شود؛ بلکه همیشه حالتی تازه و جدید در آن وجود دارد؟

امام (علیه السلام) فرمود: چون که خداوند متعال قرآن را برای زمان خاصی و یا طایفه ای مخصوص قرار نداده است؛ بلکه برای تمام دوران ها و تمامی اقشار مردم فرستاده است، به همین جهت همیشه حالت جدید و تازه ای دارد و برای جوامع بشری تا روز قیامت قابل عمل و اجراء می باشد.

12- قَالَ (علیه السلام): «الْعَصْبُ عَلَى مَنْ لَا تَمْلِكُ عَجْرٌ، وَ عَلَى مَنْ تَمْلِكُ لُؤْمٌ.» (12)

فرمود: غضب و تندی در مقابل آن کسی که توان مقابله با او را نداری، علامت عجز و ناتوانی است، ولی در مقابل کسی که توان مقابله و رو در روئی او را داری علامت پستی و رذالت است.

13- قَالَ (علیه السلام): «يَأْتِي عُلَمَاءُ شَيْعَتِنَا الْقَوَّامُونَ بِضَعَفَاءٍ مُحِبِّينَا وَ أَهْلِ وِلَايَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَالْأَنْوَارُ تَسْطَعُ مِنْ تِجَانِهِمْ.» (13)

فرمود: علماء و دانشمندانی که به فریاد دوستان و پیروان ما برسند و از آن ها رفع مشکل نمایند، روز قیامت در حالی محشور می شوند که تاج درخشانی بر سر دارند و نور از آن ها می درخشد.

14- قَالَ (علیه السلام): «لِبَعْضِ قَهَّارِمَتِهِ: اسْتَكْبَرُوا لَنَا مِنَ الْبَادِنِجَانِ، فَإِنَّهُ حَارٌّ فِي وَقْتِ الْحَرَارَةِ، بَارِدٌ فِي وَقْتِ الْبُرُودَةِ، مُعْتَدِلٌ فِي الْأَوْقَاتِ كُلِّهَا، جَيِّدٌ عَلَى كُلِّ حَالٍ.» (14)

به بعضی از غلامان خود فرمود: بیشتر برای ما بادمجان پخت نمائید که در فصل گرما، گرم و در فصل سرما، سرد است؛ و در تمام دوران سال معتدل می باشد و در هر حال مفید است.

15- قَالَ (علیه السلام): «التَّسْرِيحُ بِمِشْطِ الْعَاجِ يُنْبِتُ الشَّعْرَ فِي الرَّأْسِ، وَ يَطْرُدُ الدُّودَ مِنَ الدِّمَاغِ، وَ يُطْفِئُ الْمِرَارَ، وَ يَنْقِي اللَّثَّةَ وَ الْعُمُورَ.» (15)

فرمود: شانه کردن موها به وسیله شانه عاج، سبب روئیدن و افزایش مو می باشد، همچنین سبب نابودی کرم های درون سر و مَخ خواهد شد و موجب سلامتی فک و لثه ها می گردد.

16- قَالَ (علیه السلام): «أَذْكُرُ مَضْرَعَكَ بَيْنَ يَدَيَّ أَهْلِكَ لَا طَبِيبَ يَمْنَعُكَ، وَ لَا حَبِيبَ يَنْفَعُكَ.» (16)

فرمود: بیاد آور و فراموش نکن آن حالت و موقعی را که در میان جمع اعضاء خانواده و آشنایان قرار می گیری و لحظات آخر عمرت سپری می شود و هیچ پزشکی و دوستی - و ثروتی - نمی تواند تو را از آن حالت نجات دهد.

17- قَالَ (علیه السلام): «إِنَّ الْحَرَامَ لَا يَنْمِي، وَإِنْ نَمَى لَا يُبَارَكُ فِيهِ، وَ مَا أَنْفَقَهُ لَمْ يُوجَرْ عَلَيْهِ، وَ مَا خَلَفَهُ كَانَ زَادَهُ إِلَى النَّارِ.» (17)

فرمود: همانا - اموال - حرام، رشد و نمو ندارد و اگر هم احیاناً رشد کند و زیاد شود برکتی نخواهد داشت و با خوشی مصرف نمی گردد.

و آنچه را از اموال حرام انفاق و کمک کرده باشد اجر و پاداشی برایش نیست و هر مقداری که برای بعد از خود به هر عنوان باقی گذارد معاقب می گردد.

18- قَالَ (علیه السلام): «الْحِكْمَةُ لَا تَنْجَعُ فِي الطَّبَاعِ الْفَاسِدَةِ.» (18)

فرمود: حکمت اثری در دل ها و قلب های فاسد نمی گذارد.

19- قَالَ (علیه السلام): «مَنْ رَضِيَ عَنْ نَفْسِهِ كَثُرَ السَّخِطُونَ عَلَيْهِ.» (19)

فرمود: هر که از خود راضی باشد بدگویان او زیاد خواهند شد.

20- قَالَ (علیه السلام): «الْمُصِيبَةُ لِلصَّابِرِ وَاحِدَةٌ وَ لِلْجَارِعِ اثْنَتَانِ.» (20)

فرمود: مصیبتی که بر کسی وارد شود و صبر و تحمل نماید، تنها یک ناراحتی است؛ ولی چنانچه فریاد بزند و جزع کند دو ناراحتی خواهد داشت.

21- قَالَ (عليه السلام): «إِنَّ لِلَّهِ بِقَاعاً يُحِبُّ أَنْ يُدْعَى فِيهَا فَيَسْتَجِيبَ لِمَنْ دَعَاهُ، وَالْحَيْرُ مِنْهَا.» (21)

فرمود: برای خداوند بقعه ها و مکان هائی است که دوست دارد در آن ها خدا خوانده شود تا آن که دعاها را مستجاب گرداند که یکی از بُقعه ها حائر و حرم امام حسین (علیه السلام) خواهد بود.

22- قَالَ (عليه السلام): «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمُثِيبُ وَالْمُعَاقِبُ وَالْمُجَازِي بِالْأَعْمَالِ عَاجِلاً وَآجِلاً.» (22)

فرمود: همانا تنها کسی که ثواب می دهد و عقاب می کند و کارها را در همان لحظه یا در آینده پاداش می دهد، خداوند خواهد بود.

23- قَالَ (عليه السلام): «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ.» (23)

فرمود: هرکس به خویشتنِ إهانت کند و کنترل نفس نداشته باشد خود را از شرّ او در امان ندان.

24- قَالَ (عليه السلام): «الْتَوَاضِعُ أَنْ تُعْطَى النَّاسَ مَا تُحِبُّ أَنْ تُعْطَاهُ.» (24)

فرمود: تواضع و فروتنی چنان است که با مردم چنان کنی که دوست داری با تو آن کنند.

25- قَالَ (عليه السلام): «إِنَّ الْجِسْمَ مُحَدَّثٌ وَاللَّهُ مُحَدِّثُهُ وَمُجَسِّمُهُ.» (25)

فرمود: همانا اجسام، جدید و پدیده هستند و خداوند متعال به وجود آورنده و تجسم بخش آن ها است.

26- قَالَ (عليه السلام): «لَمْ يَزَلِ اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَيْئَ مَعَهُ، ثُمَّ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ بَدِيعاً، وَاخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ.»

(26)

فرمود: خداوند از ازل، تنها بود و چیزی با او نبود، تمام موجودات را با قدرت خود آفریده، و بهترین نام ها را برای خود برگزید.

27- قَالَ (عليه السلام): «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ يَقْضَى بَيْنَ النَّاسِ بِعِلْمِهِ كَقَضَاءِ دَاوُدَ (عليه السلام) وَ لَا يَسْأَلُ الْبَيِّنَةَ.»

(27)

فرمود: زمانی که حضرت حجت (عج) قیام نماید در بین مردم به علم خویش قضاوت می نماید؛ همانند حضرت داود (علیه السلام) که از دلیل و شاهد سؤال نمی فرماید.

28- قَالَ (عليه السلام): «مَنْ أَطَاعَ الْخَالِقَ لَمْ يُبَالِ بِسَخَطِ الْمَخْلُوقِينَ وَ مَنْ أَسَخَطَ الْخَالِقَ فَقَمِنٌ أَنْ يَجِلَّ بِهِ

الْمَخْلُوقِينَ.» (28)

فرمود: هرکس مطیع و پیرو خدا باشد از قهر و کارشکنی دیگران باکی نخواهد داشت.

29- قَالَ (عليه السلام): «الْعِلْمُ وَرَاثَةُ كَرِيمَةٍ وَالْأَدَبُ حُلٌّ حَسَنٌ، وَالْفِكْرَةُ مِرَاتٌ صَافِيَةٌ.» (29)

فرمود: علم و دانش بهترین یادبود برای انتقال به دیگران است، ادب زیباترین نیکی ها است و فکر و اندیشه آئینه صاف و تزیین کننده اعمال و برنامه ها است.

30- قَالَ (عليه السلام): «الْعُجْبُ صَارِفٌ عَنِ طَلَبِ الْعِلْمِ، دَاعٍ إِلَى الْجَهْلِ وَ الْجَهْلُ.» (30)

فرمود: خودبینی و غرور، انسان را از تحصیل علوم باز می دارد و به سمت حقارت و نادانی می کشاند.

31- قَالَ (عليه السلام): «لَا تُخَيِّبْ رَاجِيكَ فَيَمُوتَكَ اللَّهُ وَ يُعَادِيكَ.» (31)

فرمود: کسی که به تو امید بسته است ناامیدش مگردان، وگرنه مورد غضب خداوند قرار خواهی گرفت.

32- قَالَ (عليه السلام): «الْعِتَابُ مِفْتَاحُ التَّقَالِي، وَالْعِتَابُ خَيْرٌ مِنَ الْحَقْدِ.» (32)

فرمود: (مواظب باش که) عتاب و پرخاش گری، مقدّمه و کلید غضب است، ولی در هر حال پرخاش گری نسبت به کینه و دشمنی درونی بهتر است (چون کینه، ضررهای خطرناک تری را در بردارد).

33- وَ قَالَ (عليه السلام): «مَا اسْتَرَاخَ ذُو الْحِرْصِ.» (33)

فرمود: شخص طمّاع و حریص - نسبت به اموال و تجملات دنیا - هیچگاه آسایش و استراحت نخواهد داشت.
34- قَالَ (عليه السلام): «الْغِنَى قِلَّةُ تَمَنِّيكَ، وَالرِّضَا بِمَا يَكْفِيكَ، وَ الْفَقْرُ شَرُّهُ النَّفْسِ وَ شِدَّةُ الْقُنُوطِ، وَالذَّقَّةُ إِتْبَاعُ الْيَسِيرِ وَالنَّظَرُ فِي الْحَقِيرِ.» (34)

فرمود: بی نیازی و توانگری در آن است که کمتر آرزو و توقّع باشد و به آنچه موجود و حاضر است راضی و قانع گردی، ولیکن فقر و تهی دستی در آن موقعی است که آرزوهای نفسانی اهمیّت داده شود، امّا دقّت و توجّه به مسائل، اهمیّت دادن به امکانات موجود و مصرف و استفاده صحیح از آن ها است، اگر چه ناچیز و کم باشد.
35- قَالَ (عليه السلام): «الْإِمَامُ بَعْدِي الْحَسَنُ، وَ بَعْدَهُ ابْنُهُ الْقَائِمُ الَّذِي يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْرًا وَ ظُلْمًا.» (35)

فرمود: امام و خلیفه بعد از من (فرزندم) حسن؛ و بعد از او فرزندش مهدی - موعود(علیهما السلام)- می باشد که زمین را پر از عدل و داد می نماید، همان طوری که پر از ظلم و ستم گشته باشد.
36- قَالَ (عليه السلام): «إِذَا كَانَ زَمَانُ الْعَدْلِ فِيهِ أَغْلَبَ مِنَ الْجَوْرِ فَحَرَامٌ أَنْ يُظَنَّ بِأَحَدٍ سُوءًا حَتَّى يُعْلَمَ ذَلِكَ مِنْهُ.» (36)

فرمود: در آن زمانی که عدالت اجتماعی، حاکم و غالب بر تباهی باشد، نباید به شخصی بدگمان بود مگر آن که یقین و معلوم باشد.

37- قَالَ (عليه السلام): «إِنَّ لِشِيعَتِنَا بِوِلَايَتِنَا لِعِصْمَةٍ، لَوْ سَلَكَوا بِهَا فِي لُجَّةِ الْبَحَارِ الْغَامِرَةِ.» (37)
فرمود: همانا ولایت ما اهل بیت برای شیعیان و دوستانمان پناهگاه اُمنی می باشد که چنانچه در همه امور به آن تمسّک جویند، بر تمام مشکلات (مادّی و معنوی) فایق آیند.

38- قَالَ (عليه السلام) : «يَا دَاوُدُ لَوْ قُلْتُ: إِنَّ تَارِكَ التَّقِيَّةِ كَتَارِكَ الصَّلَاةِ لَكُنْتُ صَادِقًا.» (38)
حضرت به یکی از اصحابش - به نام داود صرّمی - فرمود: اگر قائل شوی که ترک تقیّه همانند ترک نماز است، صادق خواهی بود.

39- قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْجِلْمِ؟ فَقَالَ (عليه السلام) : «هُوَ أَنْ تَمْلِكَ نَفْسَكَ وَ تَكْظِمَ غَيْظَكَ، وَ لَا يَكُونَ ذَلِكَ إِلَّا مَعَ الْقُدْرَةِ.» (39)

یکی از اصحاب از آن حضرت پیرامون معنای جِلْم و بردباری سؤال نمود؟
حضرت در پاسخ فرمود: این که در هر حال مالک نفّس خود باشی و خشم خود را فرو ببری و آن را خاموش نمائی و این تحمّل و بردباری در حالی باشد که توان مقابله با شخصی را داشته باشی.

40- قَالَ (عليه السلام): «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الدُّنْيَا دَارَ بَلْوَى وَالْآخِرَةَ دَارَ عُقْبَى، وَ جَعَلَ بَلْوَى الدُّنْيَا لِثَوَابِ الْآخِرَةِ سَبَبًا وَ ثَوَابَ الْآخِرَةِ مِنْ بَلْوَى الدُّنْيَا عَوْضًا.» (40)

فرمود: همانا خداوند، دنیا را جایگاه بلاها و امتحانات و مشکلات قرار داد؛ و آخرت را جایگاه نتیجه گیری زحمات، پس بلاها و زحمات و سختی های دنیا را وسیله رسیدن به مقامات آخرت قرار داد و اجر و پاداش زحمات دنیا را در آخرت عطا می فرماید.

پاورقی ها :

1 - بحار الأنوار: ج 68، ص 182، ح 41، أعيان الشيعة: ج 2، ص 39.

2 - عُدّه الداعي مرحوم راوندی: ص 208.

- 3 - بحارالأنوار: ج 84 ص 172 به نقل از أعلام الدين ديلمى.
- 4 - بحار الأنوار: ج 75، ص 369، ح 4، أعلام الدّين: ص 312، س 14.
- 5 - بحارالأنوار: ج 69، ص 199، ح 27.
- 6 - الدرّ الباهره: ص 42، س 5، بحارالأنوار: ج 75، ص 369، ح 20.
- 7 - أعيان الشّيعه: ج 2، ص 39، تحف العقول: ص 438.
- 8 - أعيان الشّيعه: ج 2، ص 39، بحارالأنوار: ج 17.
- 9 - مستدرک الوسائل: ج 12، ص 308، ح 14162.
- 10 - عيون أخبار الرّضا(عليه السلام): ج 2، ص 260، ح 22.
- 11 - أمالى شيخ طوسى: ج 2، ص 580، ح 8.
- 12 - مستدرک الوسائل: ج 12، ص 11، ح 13376.
- 13 - بحارالأنوار: ج 2، ص 6، ضمن ح 13.
- 14 - كافى: ج 6، ص 373، ح 2، وسائل الشّيعه: ج 25، ص 210، ح 31706.
- 15 - بحارالأنوار: ج 73، ص 115، ح 16.
- 16 - أعلام الدّين: ص 311، س 16، بحارالأنوار: ج 75، ص 369، ح 4.
- 17 - كافى: ج 5، ص 125، ح 7.
- 18 - نزهه النّاظر و تنبيه الخاطر: ص 141، ح 23، أعلام الدّين: ص 311، س 20.
- 19 - بحارالأنوار: ج 69، ص 316، ح 24.
- 20 - أعلام الدّين: ص 311، س 4، بحارالأنوار: ج 75، ص 369.
- 21 - تحف: ص 357، بحارالأنوار: ج 98، ص 130، ح 34.
- 22 - تحف: ص 358، بحارالأنوار: ج 59، ص 2، ضمن ح 6.
- 23 - تحف العقول: ص 383، بحارالأنوار: ج 75، ص 365.
- 24 - محجّه البيضاء: ج 5، ص 225.
- 25 - بحارالأنوار: ج 57، ص 81، ح 51، به نقل از توحيد شيخ صدوق.
- 26 - بحارالأنوار: ج 57، ص 83، ح 64، به نقل از احتجاج طبرسى.
- 27 - بحارالأنوار: ج 50، ص 264، ح 24، به نقل از مناقب و خرائج.
- 28 - بحارالأنوار: ج 50، ص 177، ح 56، و ج 71، ص 182، ح 41.
- 29 - بحارالأنوار: ج 71، ص 324، مستدرک الوسائل: ج 11، ص 184، ح 4.
- 30 - بحارالأنوار: ج 75، ص 369، س 4.
- 31 - بحارالأنوار: ج 75، ص 173، ح 2.
- 32 - نزهه النّاظر: ص 139، ح 12، بحارالأنوار: ج 78، ص 368، ضمن ح 3.
- 33 - نزهه النّاظر و تنبيه الخاطر: ص 141، ح 21، مستدرک الوسائل: ج 2، ص 336، ح 11.
- 34 - الدرّ الباهره: ص 14، نزهه النّاظر: ص 138، ح 7، بحار: ج 75، ص 109، ح 12.
- 35 - بحارالأنوار: ج 50، ص 239، ح 4، به نقل از إكمال الدين صدوق.
- 36 - بحارالأنوار: ج 73، ص 197، ح 17، به نقل از الدرّ الباهره: ص 42، س 10.

- 37- بحار الأنوار: ج 50، ص 215، ح 1، س 18، به نقل از آمالی شیخ طوسی.
- 38- وسائل الشیعه: ج 16، ص 211، ح 21382، مستطرفات السرائر: ص 67، ح 10.
- 39- نزهه الناظر و تنبيه الخاطر: ص 138، ح 5، مستدرک الوسائل: ج 2، ص 304، ح 17.
- 40 - تحف العقول: ص 358.

حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام)

- 1- قَالَ الْإِمَامُ أَبُو مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْعَسْكَرِي (عليه السلام) : «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَيَّنَّ حُجَّتَهُ مِنْ سَائِرِ خَلْقِهِ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَ يُعْطِيهِ اللُّغَاتِ، وَمَعْرِفَةَ الْأَنْسَابِ وَالْأَجَالِ وَالْحَوَادِثِ، وَلَوْلَا ذَلِكَ لَمْ يَكُنْ بَيْنَ الْحُجَّةِ وَالْمَحْجُوحِ فَرْقٌ.» (1)

حضرت امام حسن عسکری (علیه السلام) فرمود: همانا خداوند متعال، حجت و خلیفه خود را برای بندگان الگو و دلیلی روشن قرار داد، همچنین خداوند حجت خود را ممتاز گرداند و به تمام لغت ها و اصطلاحات قبائل و اقوام آشنا ساخت و انسب همه را می شناسد و از نهایت عمر انسان ها و موجودات و نیز جریات و حادثه ها آگاهی کامل دارد و چنانچه این امتیاز وجود نمی داشت، بین حجت خدا و بین دیگران فرقی نبود.

- 2- قَالَ (عليه السلام) : «عَلَامَةُ الْإِيمَانِ خَمْسٌ: التَّحَنُّنُ بِالْيَمِينِ، وَ صَلَاةُ الْإِحْدَى وَ خَمْسِينَ، وَالْجَهْرُ بِبِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، وَ تَغْفِيرُ الْجَبِينِ، وَ زِيَارَةُ الْأَرْبَعِينَ.» (2)

فرمود: علامت و نشانه ایمان پنج چیز است: انگشتن به دست راست داشتن، خواندن پنجاه و یک رکعت نماز (واجب و مستحب)، خواندن «بسم الله الرحمن الرحيم» را (در نماز ظهر و عصر) با صدای بلند، پیشانی را - در حال سجده - روی خاک نهادن، زیارت اربعین امام حسین (علیه السلام) انجام دادن.

- 3- قَالَ (عليه السلام) : «لَيْسَتْ الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ الصَّيَامِ وَالصَّلَاةِ، وَ إِنَّمَا الْعِبَادَةُ كَثْرَةُ التَّفَكُّرِ فِي أَمْرِ اللَّهِ.» (3)

فرمود: عبادت در زیاد انجام دادن نماز و روزه نیست، بلکه عبادت با تفکر و اندیشه در قدرت بی منتهای خداوند در امور مختلف می باشد.

- 4- قَالَ (عليه السلام) : «خَصْلَتَانِ لَيْسَ فَوْقَهُمَا شَيْءٌ: الْإِيمَانُ بِاللَّهِ، وَ نَفْعُ الْأَخْوَانِ.» (4)

فرمود: دو خصلت و حالتی که والاتر از آن دو چیز نمی باشد عبارتند از: ایمان و اعتقاد به خداوند، نفع رساندن به دوستان و آشنایان.

- 5- قَالَ (عليه السلام) : «قُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا، مُؤْمِنُهُمْ وَ مُخَالِفُهُمْ، أَمَّا الْمُؤْمِنُونَ فَيَبْسِطُ لَهُمْ وَجْهَهُ، وَ أَمَّا الْمُخَالِفُونَ فَيَكْلِمُهُمْ بِالْمُدَارَاهِ لِاجْتِنَابِهِمْ إِلَى الْإِيمَانِ.» (5)

فرمود: با دوست و دشمن خوش گفتار و خوش برخورد باشید، اما با دوستان مؤمن به عنوان یک وظیفه که باید همیشه نسبت به یکدیگر با چهره ای شاداب برخورد نمایند، اما نسبت به مخالفین به جهت مدارا و جذب به اسلام و احکام آن.

- 6- قَالَ (عليه السلام) : «اللَّحَاقُ بِمَنْ تَرَجُّوْهُ خَيْرٌ مِنَ الْمَقَامِ مَعَ مَنْ لَا تَأْمَنُ شَرَّهُ.» (6)

فرمود: تداوم دوستی و معاشرت با کسی که احتمال دارد سودی برایت داشته باشد، بهتر است از کسی که محتمل است شر - جانی، مالی، دینی و... - برایت داشته باشد.

7- قَالَ (عليه السلام) : «إِيَّاكَ وَ الْأَذَاعَةَ وَ طَلَبَ الرَّتَّاسَةِ، فَإِنَّهُمَا يَدْعُوَانِ إِلَى الْهَلَكَةِ.» (7)

فرمود: مواظب باش از این که بخواهی شایعه و سخن پراکنی نمائی و یا این که بخواهی دنبال مقام و ریاست باشی و تشنه آن گردی، چون هر دوی آن ها انسان را هلاک خواهد نمود.

8- قَالَ (عليه السلام) : «إِنَّ مُدَارَاةَ أَعْدَاءِ اللَّهِ مِنْ أَفْضَلِ صَدَقِهِ الْمَرْءِ عَلَى نَفْسِهِ وَ إِخْوَانِهِ.» (8)

فرمود: مدارا و سازش با دشمنان خدا - و دشمنان اهل بیت (علیهم السلام) در حال تقیه - بهتر است از هر نوع صدقه ای که انسان برای خود بپردازد.

9- قَالَ (عليه السلام) : «حُسْنُ الصُّورَةِ جَمَالٌ ظَاهِرٌ، وَ حُسْنُ الْعَقْلِ جَمَالٌ بَاطِنٌ.» (9)

فرمود: نیکوئی شکل و قیافه، یک نوع زیبایی و جمال در ظاهر انسان پدیدار است و نیکو بودن عقل و درایت، یک نوع زیبایی و جمال درونی انسان می باشد.

10- قَالَ (عليه السلام) : «مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرًّا فَقَدْ زَانَهُ، وَمَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً فَقَدْ شَانَهُ.» (10)

فرمود: هرکس دوست و برادر خود را محرمانه موعظه کند، او را زینت بخشیده؛ و چنانچه علنی باشد سبب ننگ و تضعیف او گشته است.

11- قَالَ (عليه السلام) : «مَنْ لَمْ يَتَّقِ وَجْهَ النَّاسِ لَمْ يَتَّقِ اللَّهَ.» (11)

فرمود: کسی که در مقابل مردم بی باک باشد و رعایت مسائل اخلاقی و حقوق مردم را نکند، تقوای الهی را نیز رعایت نمی کند.

12- قَالَ (عليه السلام) : «مَا أَقْبَحَ بِالْمُؤْمِنِ أَنْ تَكُونَ لَهُ رَغْبَةٌ تَذِلُّهُ.» (12)

فرمود: قبیح ترین و زشت ترین حالت و خصلت برای مؤمن آن حالتی است که دارای آرزویی باشد که سبب ذلت و خواری او گردد.

13- قَالَ (عليه السلام) : «خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ نَسَبَ ذَنْبَكَ إِلَيْهِ.» (13)

فرمود: بهترین دوست و برادر، آن فردی است که خطاهای تو را به عهده گیرد و خود را مقصر بداند.

14- قَالَ (عليه السلام) : «مَا تَرَكَ الْحَقُّ عَزِيزٌ إِلَّا ذَلٌّ، وَلَا أَخَذَ بِهِ ذَلِيلٌ إِلَّا عَزٌّ.» (14)

فرمود: حق و حقیقت را هیچ صاحب مقام و عزیزی ترک و رها نکرد مگر آن که ذلیل و خوار گردید، همچنین هیچ شخصی حق را به اجراء در نیاورد مگر آن که عزیز و سربلند شده است.

15- قَالَ (عليه السلام) : «مِنَ الْفَوَاقِرِ الَّتِي تَقْصِمُ الظَّهَرَ جَارٌ إِنْ رَأَى حَسَنَةً أَطْفَأَهَا وَ إِنْ رَأَى سَيِّئَةً أَفْشَاهَا.» (15)

فرمود: یکی از مصائب و ناراحتی های کمرشکن، همسایه ای است که اگر به او احسان و خدمتی شود آن را پنهان و مخفی دارد و اگر ناراحتی و اذیتی متوجه اش گردد آن را علنی و آشکار سازد.

16- قَالَ (عليه السلام) لِشَيْعَتِهِ: «أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَالْوَرَعِ فِي دِينِكُمْ وَالْأَجْتِهَادِ لِلَّهِ، وَ صِدْقِ الْحَدِيثِ، وَأَدَاءِ

الْأَمَانَةِ إِلَى مَنْ اتَّيَمَّنَكُمْ مِنْ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ، وَطُولِ السُّجُودِ، وَحُسْنِ الْجَوَارِ.» (16)

به شیعیان و دوستان خود فرمود: تقوای الهی را پیشه کنید و در امور دین ورع داشته باشید، در تقرب به خداوند کوشا باشید و در صحبت ها صداقت نشان دهید، هرکس امانتی را نزد شما نهاد آن را سالم تحویلش دهید، سجده های خود را در مقابل خداوند طولانی کنید و به همسایگان خوش رفتاری و نیکی نمائید.

17- قَالَ (عليه السلام) : «مَنْ تَوَاصَعَ فِي الدُّنْيَا لِإِخْوَانِهِ فَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ مِنَ الصِّدِّيقِينَ، وَمِنْ شَيْعَةِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي

طَالِبٍ (عليه السلام) حَقًّا.» (17)

فرمود: هرکس در دنیا در مقابل دوستان و هم نوعان خود متواضع و فروتنی نماید، در پیشگاه خداوند در زمره

صِدِّیقین و از شیعیان امام علی (علیه السلام) خواهد بود.

18- قَالَ (علیه السلام) : «إِنَّهُ يُكْتَبُ لِحَمَى الرَّبِّعِ عَلَى وَرْقِهِ، وَ يُعَلَّقُهَا عَلَى الْمُخْمُومِ: «يَا نَارُكُونِي بَرْدًا»، فَإِنَّهُ يَبْرَأُ بِإِذْنِ اللَّهِ.» (18)

فرمود: کسی که ناراحتی تب و لرز دارد، این آیه شریفه قرآن در «سوره انبیاء، آیه 69» را روی کاغذی بنویسد و بر گردن او آویزان نماید تا با اذن خداوند متعال بهبود یابد.

19- قَالَ (علیه السلام) : «أَكْثَرُوا ذِكْرَ اللَّهِ وَ ذِكْرَ الْمَوْتِ، وَ تِلَاوَةَ الْقُرْآنِ، وَالصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ (صلى الله عليه وآله وسلم)، فَإِنَّ الصَّلَاةَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ عَشْرُ حَسَنَات.» (19)

فرمود: ذکر و یاد خداوند متعال، مرگ و حالات آن، تلاوت و تدبیر قرآن؛ و نیز صلوات و درود فرستاد بر حضرت رسول - و اهل بیتش (علیهم السلام) - را زیاد و به طور مکرر انجام دهید، همانا پاداش صلوات بر آن ها، ده حسنه و ثواب می باشد.

20- قَالَ (علیه السلام) : «إِنَّكُمْ فِي آجَالٍ مَنْقُوصَةٍ وَأَيَّامٍ مَعْدُودَةٍ، وَالْمَوْتُ يَأْتِي بَغْتَةً، مَنْ يَزْرَعُ شَرًّا يَخْصِدُ نِدَامَةً.» (20)

فرمود: همانا شما انسان ها در یک مدّت و مهلت کوتاهی به سر می برید که مدّت زمان آن حساب شده و معین می باشد و مرگ، ناگهان و بدون اطلاع قبلی وارد می شود و شخص را می رباید، پس متوجّه باشید که هرکس هر مقدار در عبادت و بندگی و انجام کارهای نیک تلاش کند - فردای قیامت - غبطه می خورد که چرا بیشتر انجام نداده است و کسی که کار خلاف و گناه انجام دهد پشیمان و سرافکنده خواهد بود.

21- قَالَ (علیه السلام) : «إِنَّ الْوُضُوءَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ سَفَرٌ لَا يَدْرُكُ إِلَّا بِامْتِطَاءِ اللَّيْلِ.» (21)

فرمود: همانا رسیدن به خداوند متعال و مقامات عالیّه یک نوع سفری است که حاصل نمی شود مگر با شب زنده داری - و تلاش در عبادت و جلب رضایت او در امور مختلف -.

22- قَالَ (علیه السلام) : «الْمَقَادِيرُ الْغَالِبَةُ لَا تُدْفَعُ بِالْمُغَالَبَةِ، وَ الْأَزْأَقُ الْمَكْتُوبَةُ لَا تُنَالُ بِالشَّرِّهِ، وَ لَا تُدْفَعُ بِالْأَمْسَاكِ عَنْهَا.» (22)

فرمود: مقدراتی که در انتظار ظهور می باشد با زرنگی و تلاش از بین نمی رود و آنچه مقدّر باشد خواهد رسید، همچنین رزق و روزی هرکس، ثبت و تعیین شده است و با زیاده روی در مصرف به جایی نخواهد رسید؛ و نیز با نگهداری هم نمی توان آن را دفع کرد.

23- قَالَ (علیه السلام) : «قَلْبُ الْأَحْمَقِ فِي فَمِهِ، وَ فَمُ الْحَكِيمِ فِي قَلْبِهِ.» (23)

فرمود: اندیشه احمق در دهان اوست، ولیکن دهان و سخن عاقل در درون او می باشد. (یعنی؛ افراد احمق اوّل حرف می زنند و سپس در جهت سود و زیان آن فکر می کنند، بر خلاف عاقل که بدون فکر سخن نمی گوید).

24- قَالَ (علیه السلام) : «الْمُؤْمِنُ بَرَكَةً عَلَى الْمُؤْمِنِ وَ حُجَّةً عَلَى الْكَافِرِ.» (24)

فرمود: وجود شخص مؤمن برای دیگر مؤمنین برکت و سبب رحمت می باشد و نسبت به کفار و مخالفین حجّت و دلیل است.

25- قَالَ (علیه السلام) : «لَا يَشْغَلُكَ رِزْقٌ مَضْمُونٌ عَنْ عَمَلٍ مَفْرُوض.» (25)

فرمود: مواظب باش که طلب روزی - که از طرف خداوند متعال تضمین شده - تو را از کار و اعمال واجب باز ندارد (یعنی؛ مواظب باش که به جهت تلاش و کار بیش از حدّ نسبت به واجبات سُست و سهل انگار نباشی).

26- قَالَ (عليه السلام) : «جُزْأُهُ الْوَلَدُ عَلَى وَالِدِهِ فِي صِغَرِهِ تَدْعُو إِلَى الْعُقُوقِ فِي كِبَرِهِ.» (26)

فرمود: رو پیدا کردن و جری شدن فرزند هنگام طفولیت در مقابل پدر، سبب می شود که در بزرگی مورد نفرین و غضب پدر قرار گیرد.

27- قَالَ (عليه السلام) : «أَجْمَعُ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ، تَرَى مَا تُحِبُّ.» (27)

فرمود: نماز ظهر و عصر را دنباله هم - در اول وقت - انجام بده، که در نتیجه آن فقر و تنگ دستی از بین می رود و به مقصود خود خواهی رسید.

28- قَالَ (عليه السلام) : «أَوْزَعُ النَّاسِ مَنْ وَقَفَ عِنْدَ الشَّيْءِ، أَعْبَدُ النَّاسِ مَنْ أَقَامَ الْفَرَائِضَ، أَزْهَدُ النَّاسِ مَنْ تَرَكَ الْحَرَامَ، أَشَدُّ النَّاسِ اجْتِهَاداً مَنْ تَرَكَ الذُّنُوبَ.» (28)

فرمود: پارساترین مردم آن کسی است که از موارد گوناگون شبهه و مشکوک اجتناب و دوری نماید؛ عابدترین مردم آن شخصی است که قبل از هر چیز، واجبات الهی را انجام دهد؛ زاهدترین انسان ها آن فردی است که موارد حرام و خلاف را مرتکب نشود؛ قوی ترین اشخاص آن شخصی است که هر گناه و خطائی را - در هر حالتی که باشد - ترک نماید.

29- قَالَ (عليه السلام) : «لَا يَعْرِفُ النِّعْمَةَ إِلَّا الشَّاكِرُ، وَلَا يَشْكُرُ النِّعْمَةَ إِلَّا الْعَارِفُ.» (29)

فرمود: کسی قدر نعمتی را نمی داند مگر آن که شکرگزار باشد و کسی نمی تواند شکر نعمتی را انجام دهد مگر آن که اهل معرفت باشد.

30- قَالَ (عليه السلام) : «مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي لَا يُغْفَرُ قَوْلُ الرَّجُلِ: لَيْتَنِي لَا أُؤَاخِذُ إِلَّا بِهَذَا.» (30)

فرمود: بعضی از گناهانی که آمرزیده نمی شود، خلاقی است که شخصی انجام دهد و بگوید: ای کاش فقط به همین خلاف عقاب می شدم، یعنی؛ گناه در نظرش ناچیز و ضعیف باشد.

31- قَالَ (عليه السلام) : «بِئْسَ الْعَبْدُ عَبْدٌ يَكُونُ ذَا وَجْهَيْنِ وَ ذَالِسَانَيْنِ، يَطْرُقُ أَخَاهُ شَاهِداً وَ يَأْكُلُهُ غَائِباً، إِنْ أُعْطِيَ حَسَدَهُ، وَ إِنْ ابْتُلِيَ خَدَلَهُ.» (31)

فرمود: بد آدمی است آن که دارای دو چهره و دو زبان می باشد؛ دوست و برادرش را در حضور، تعریف و تمجید می کند ولی در غیاب و پشت سر، بدگوئی و مذمت می نماید که همانند خوردن گوشت های بدن او محسوب می شود، چنین شخص دو چهره اگر دوستش در آسایش و رفاه باشد حسادت مبرورد و اگر در ناراحتی و سختی باشد زخم زبان می زند.

32- قَالَ (عليه السلام) : «مِنَ التَّوَاضُّعِ السَّلَامُ عَلَى كُلِّ مَنْ تَمَرُّ بِهِ، وَ الْجُلُوسُ دُونَ شَرَفِ الْمَجْلِسِ.» (32)

فرمود: یکی از نشانه های تواضع و فروتنی آن است که به هرکس برخورد نمائی سلام کنی و در هنگام ورود به مجلس هر کجا، جا بود بنشین - نه آن که به زور و زحمت برای دیگران جایی را برای خود باز کنی -.

33- قَالَ (عليه السلام) : «مَنْ رَضِيَ بِدُونِ الشَّرَفِ مِنَ الْمَجْلِسِ لَمْ يَزَلِ اللَّهُ وَ مَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَيْهِ حَتَّى يَقُومَ، مِنَ التَّوَاضُّعِ السَّلَامُ عَلَى كُلِّ مَنْ تَمَرُّ بِهِ.» (33)

فرمود: کسی که متکبر نباشد و موقع ورود به مجلس هر کجا جایی بود بنشیند تا زمانی که حرکت نکرده باشد خدا و ملائکه هایش بر او درود و رحمت می فرستند؛ از علائم و نشانه های تواضع و فروتنی آن است که به هر شخصی برخورد نمودی سلام کنی.

34- قَالَ (عليه السلام) : «لَا تُمَارِ فَيَذْهَبَ بِهَاؤُكَ، وَ لَا تُمَارِخْ فَيَجْتَزَأُ عَلَيْكَ.» (34)

فرمود: با کسی جدال و نزاع نکن که بهاء و ارزش خود را از دست می دهی، با کسی شوخی و مزاح - ناشایسته و

بی مورد - نكن وگرنه افراد بر تو جرى و چیره خواهند شد.

35- قَالَ (عليه السلام) : «مَنْ آثَرَ طَاعَةَ أَبَوَيْ دِينِهِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ عَلَى طَاعَةِ أَبَوَيْ نَسَبِهِ، قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ: لَأَوْ ثَرْتَنِكَ كَمَا آثَرْتَنِي، وَلَأَشْرَفْتَنِكَ بِحَضْرَةِ أَبَوَيْ دِينِكَ كَمَا شَرَّفْتَنِي نَفْسَكَ بِإِثَارِ حُبِّهِمَا عَلَى حُبِّ أَبَوَيْ نَسَبِكَ.» (35)

فرمود: کسی که مقدّم دارد طاعت و پیروی پیغمبر اسلام حضرت محمد و امیرالمؤمنین امام علیّ صلوات الله علیهما را بر پیروی از پدر و مادر جسمانی خود، خداوند متعال به او خطاب می نماید: همان طوری که دستورات مرا بر هر چیزی مقدّم داشتی، تو را در خیرات و برکات مقدّم می دارم و تو را همنشین پدر و مادر دینی یعنی حضرت رسول و امام علیّ علیهما السلام می گردانم، همان طوری که علاقه و محبت - عملی و اعتقادی - خود را نسبت به آن ها بر هر چیزی مقدّم داشتی.

36- قَالَ (عليه السلام) : «لَيْسَ مِنَ الْأَدَبِ إِظْهَارُ الْفَرْحِ عِنْدَ الْمَحْزُونِ.» (36)

فرمود: از ادب - و اخلاق انسانی و اسلامی - نیست که در حضور شخص مصیبت دیده و غمگین، اظهار شادی و سرور کند.

37- قَالَ (عليه السلام) : «مَنْ كَانَ الْوَرَعُ سَجِيَّتَهُ، وَالْكَرَمُ طَبِيعَتَهُ، وَالْجَلْمُ خُلُقَهُ، كَثُرَ صَدِيقُهُ وَالْتِنَاءُ عَلَيْهِ.» (37)

فرمود: هرکس ورع و احتیاط در روش زندگیش، بزرگواری و سخاوت عادت برنامه اش و صبر و بردباری برنامه اش باشد؛ دوستانش زیاد و تعریف کنندگانش بسیار خواهند بود.

38- قَالَ (عليه السلام) : «أَعْرِفِ النَّاسَ بِحَقُوقِ إِخْوَانِهِ، وَأَشَدَّهُمْ قَضَاءً لَهَا، أَعْظَمَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا.» (38)

فرمود: هرکس حقوق هم نوعان خود را بشناسد و رعایت کند و مشکلات و نیازمندی های آن ها را برطرف نماید، در پیشگاه خداوند دارای عظمت و موقعیتی خاصی خواهد بود.

39- قَالَ (عليه السلام) : «إِتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا زَيْنًا وَ لَا تَكُونُوا شَيْنًا، جُرُّوا إِلَيْنَا كُلَّ مَوَدَّةٍ، وَ ادْفَعُوا عَنَّا كُلَّ قَبِيحٍ، فَإِنَّهُ

مَا قِيلَ فِينَا مِنْ حُسْنٍ فَتَحْنُ أَهْلَهُ، وَ مَا قِيلَ فِينَا مِنْ سُوءٍ فَمَا نَحْنُ كَذَلِك.» (39)

فرمود: تقوای الهی را - در همه امور - رعایت کنید، و زینت بخش ما باشید و مایه ننگ ما قرار نگیرید، سعی کنید افراد را به محبت و علاقه ما جذب کنید و زشتی ها را از ما دور نمائید؛ درباره ما آنچه از خوبی ها بگویند صحیح است و ما از هر گونه عیب و نقصی مبرا خواهیم بود.

40- قَالَ (عليه السلام) : «يَأْتِي عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا الْقَوَّامُونَ لِضَعْفَاءِ مُجِبِّينَا وَ أَهْلِ وِلَايَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَالْأَنْوَارُ تَسْطَعُ

مِنْ تِجَانِهِمْ عَلَى رَأْسِ كُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمْ تَاجٌ بَهَاءٌ، قَدْ انْبَثَتْ تِلْكَ الْأَنْوَارُ فِي عَرَصَاتِ الْقِيَامَةِ وَ دُورِهَا مَسِيرَةٌ ثَلَاثِمِائَةٍ أَلْفٍ سَنَةً.» (40)

فرمود: آن دسته از علماء و دانشمندان شیعیان ما که در هدایت و رفع مشکلات دوستان و علاقه مندان ما، تلاش کرده اند، روز قیامت در حالتی وارد صحرای محشر می شوند که تاج کرامت بر سر نهاده و نور وی، همه جا را روشنائی می بخشد و تمام اهل محشر از آن نور بهره مند خواهند شد.

پاورقی ها :

1 - اصول کافی: ج 1، ص 519، ح 11.

2 - حقیقه الشیعه: ج 2، ص 194، وافی: ج 4، ص 177، ح 42.

3 - مستدرک الوسائل: ج 11، ص 183، ح 12690.

- 4 - تحف العقول: ص 489، س 13، بحار الأنوار: ج 75، ص 374، ح 26.
- 5 - مستدرک الوسائل: ج 12، ص 261، ح 14061.
- 6 - مستدرک الوسائل: ج 8، ص 351، ح 5، بحار الأنوار: ج 71، ص 198، ح 34.
- 7 - بحار الأنوار: ج 50، ص 296، ضمن ح 70.
- 8 - مستدرک الوسائل: ج 12، ص 261، س 15، بحار الأنوار: ج 75، ص 401، ضمن ح 42.
- 9 - بحار الأنوار: ج 1، ص 95، ح 27.
- 10 - تحف العقول: ص 489 س 20، بحار الأنوار: ج 75، ص 374، ح 33.
- 11 - بحار الأنوار: ج 68، ص 336، س 21، ضمن ح 22.
- 12 - تحف العقول: ص 498 س 22، بحار الأنوار: ج 75، ص 374، ح 35.
- 13 - بحار الأنوار: ج 71، ص 188، ح 15.
- 14 - تحف العقول: ص 489، س 17، بحار الأنوار: ج 75، ص 374، ح 24.
- 15 - بحار الأنوار: ج 75، ص 372، ح 11.
- 16 - أعيان الشَّيْعه: ج 2، ص 41، س 30، بحار الأنوار: ج 75، ص 372، ح 12.
- 17 - احتجاج طبرسی: ج 2، ص 517، ح 340، بحار الأنوار: ج 41، ص 55، ح 5.
- 18 - طب الائمه سيّد شبر: ص 331، س 8.
- 19 - بحار الأنوار: ج 75، ص 372، س 21، ضمن ح 12.
- 20 - أعيان الشَّيْعه: ج 2، ص 42، س 2، بحار الأنوار: ج 75، ص 373، ح 19.
- 21 - أعيان الشَّيْعه: ج 2، ص 42، س 29، بحار الأنوار: ج 75، ص 380، س 1.
- 22 - أعلام الدّين: ص 313، س 3، بحار الأنوار: ج 75، ص 379، س 18.
- 23 - تحف العقول: ص 489، س 8، بحار الأنوار: ج 75، ص 374، ح 21.
- 24 - تحف العقول: ص 489، س 7، بحار الأنوار: ج 75، ص 374، ح 20.
- 25 - تحف العقول: ص 489، س 9، بحار الأنوار: ج 75، ص 374، ح 22.
- 26 - تحف العقول: ص 489، س 14، بحار الأنوار: ج 75، ص 374، ح 27.
- 27 - کافی: ج 3، ص 287، ح 6.
- 28 - أعيان الشَّيْعه: ج 2، ص 42، س 1، بحار الأنوار: ج 75، ص 373، ح 18.
- 29 - أعلام الدّين ديلمی: ص 313، س 3، بحار الأنوار: ج 75، ص 378، س 16.
- 30 - غيبه شيخ طوسي: ص 207، ح 176، بحار الأنوار: ج 50، ص 250، ح 4.
- 31 - بحار الأنوار: ج 75، ص 373، ح 14.
- 32 - بحار الأنوار: ج 75 ص 372 ح 9.
- 33 - بحار الأنوار: ج 78، ص 466، ح 12، به نقل از تحف العقول.
- 34 - أعيان الشَّيْعه: ج 2، ص 41، س 23، بحار الأنوار: ج 75، ص 370، ح 1.
- 35 - تفسير الإمام العسكري (عليه السلام): ص 333، ح 210.
- 36 - بحار الأنوار: ج 75، ص 374، ح 28.
- 37 - أعلام الدّين: ص 314، س 7، بحار الأنوار: ج 75، ص 379، س 22.

38 - احتجاج طبرسی: ج 2، ص 517، ح 340.

39 - بحار الأنوار: ج 75، ص 372، س 18.

40 - تفسیر الإمام العسکری (علیه السلام): ص 345، ح 226.

حضرت امام مهدی (عجل الله فرجه الشریف)

1- قال الإمام المهدی، صاحب العصر و الزمان (عجل الله فرجه الشریف): «الَّذِي يَجِبُ عَلَيْكُمْ وَ لَكُمْ أَنْ تَقُولُوا: إِنَّا قُدُوهٌ وَ أئِمَّةٌ وَ خُلَفَاءُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ أَمَنَّاؤُهُ عَلَى خَلْقِهِ، وَ حُجَّجُهُ فِي بِلَادِهِ، نَعْرِفُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ، وَ نَعْرِفُ تَأْوِيلَ الْكِتَابِ وَ فَصْلَ الْخُطَابِ.» (1)

امام زمان (عجل الله فرجه الشریف) فرمود: بر شما واجب است و به سود شما خواهد بود که معتقد باشید بر این که ما اهل بیت رسالت، محور و اساس امور، پیشوایان هدایت و خلیفه خداوند متعال در زمین هستیم. همچنین ما امین خداوند بر بندگان و حجت او در جامعه می باشیم، حلال و حرام را می شناسیم، تأویل و تفسیر آیات قرآن را عارف و آشنا هستیم.

2- قَالَ (عجل الله فرجه الشریف): «أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ، بِي يَدْفَعُ الْبَلَاءُ عَنْ أَهْلِي وَ شِيعَتِي.» (2)
فرمود: من آخرین وصی پیغمبر خدا هستم به وسیله من بلاها و فتنه ها از آشنایان و شیعیانم دفع و برطرف خواهد شد.

3- قَالَ (عجل الله فرجه الشریف): «أَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى زَوَاهِ حَدِيثِنَا (أَحَادِيثِنَا)، فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ.» (3)

فرمود: جهت حل مشکلات در حوادث - امور سیاسی، عبادی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی، اجتماعی و... - به راویان حدیث و فقهاء مراجعه کنید که آن ها در زمان غیبت خلیفه و حجت من بر شما هستند و من حجت خداوند بر آن ها می باشم.

4- قَالَ (عجل الله فرجه الشریف): «الْحَقُّ مَعَنَا، فَلَنْ يُوحِشَنَا مَنْ قَعَدَعَنَا، وَ نَحْنُ صَنَائِعُ رَبِّنَا، وَ الْخَلْقُ بَعْدَ صَنَائِعِنَا.» (4)

فرمود: حقانیت و واقعیت با ما اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم می باشد و کناره گیری عده ای، از ما هرگز سبب وحشت ما نخواهد شد، چرا که ما دست پروره های نیکوی پروردگار می باشیم؛ و دیگر مخلوقین خداوند، دست پرورده های ما خواهند بود.

5- قَالَ (عجل الله فرجه الشریف): «إِنَّ الْجَنَّةَ لَا حَمَلَ فِيهَا لِلنِّسَاءِ وَ لَا وَلَادَةَ، فَإِذَا اشْتَهَى مُؤْمِنٌ وَلَدًا خَلَقَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِغَيْرِ حَمَلٍ وَ لَا وَلَادَةٍ عَلَى الصُّورَةِ الَّتِي يُرِيدُ كَمَا خَلَقَ آدَمَ (عجل الله فرجه الشریف) عِبْرَةً.» (5)

فرمود: همانا بهشت جایگاهی است که در آن آبستن شدن و زایمان برای زنان نخواهد بود، پس هرگاه مؤمنی آرزوی فرزند نماید، خداوند متعال بدون جریان حمل و زایمان، فرزند دلخواهش را به او می دهد همان طوری که حضرت آدم (عجل الله فرجه الشریف) را آفرید.

6- قَالَ (عجل الله فرجه الشریف): «لَا يُنَازِعُنَا مَوْضِعُهُ إِلَّا ظَالِمٌ آثِمٌ، وَ لَا يَدَّعِيهِ إِلَّا جَاحِدٌ كَافِرٌ.» (6)

فرمود: کسی با ما، در رابطه با مقام ولایت و امامت مشاجره و منازعه نمی کند مگر آن که ستمگر و معصیت کار باشد، همچنین کسی مدّعی ولایت و خلافت نمی شود مگر کسی که منکر و کافر باشد.

7- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيف) : «إِنَّ الْحَقَّ مَعَنَا وَفِينَا، لَا يَقُولُ ذَلِكَ سِوَانَا إِلَّا كَذَّابٌ مُفْتَرٌ، وَ لَا يَدَّعِيهِ غَيْرُنَا إِلَّا ضَالٌّ غَوِيٌّ.» (7)

فرمود: حقیقت - در همه موارد و امور - با ما و در بین ما اهل بیت عصمت و طهارت خواهد بود و چنین سخنی را هر فردی غیر از ما بگوید دروغ گو و مفتری می باشد؛ و کسی غیر از ما آن را ادّعا نمی کند مگر آن که گمراه باشد.

8- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيف) : «أَبَى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِلْحَقِّ إِلَّا إِتْمَاماً وَ لِلْبَاطِلِ إِلَّا زَهُوقاً.» (8)

فرمود: همانا خداوند متعال، إباء و امتناع دارد نسبت به حقّ مگر آن که به إتمام و کمال برسد و باطل، نابود و مضمحل گردد.

9- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيف) : «إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَ قَدْ وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِطَاغُوتِ زَمَانِهِ، وَ إِنِّي أَخْرَجُ حِينَ أَخْرُجُ وَ لَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاعِيتِ فِي عُنُقِي.» (9)

فرمود: همانا پدران من (ائمه و اوصیاء علیهم السّلام)، بیعت حاکم و طاغوت زمانشان، بر ذمه آن ها بود؛ ولی من در هنگامی ظهور و خروج نمایم که هیچ طاغوتی بر من مّت و بیعتی نخواهد داشت.

10- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيف) : «أَنَا الَّذِي أَخْرَجُ بِهَذَا السَّيْفِ فَأَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدَلاً وَ قِسْطاً كَمَا مُلِئْتُ ظُلْماً وَ جَوْراً.» (10)

فرمود: من آن کسی هستم که در آخر زمان با این شمشیر - ذوالفقار - ظهور و خروج می کنم و زمین را پر از عدل و داد می نمایم همان گونه که پر از ظلم و جور شده است.

11- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيف) : «اتَّقُوا اللَّهَ وَ سَلِّمُوا لَنَا، وَ رُدُّوا الْأَمْرَ إِلَيْنَا، فَعَلَيْنَا الْأَصْدَارُ كَمَا كَانَ مِنَّا الْأَيْرُ، وَ لَا تَحَاوِلُوا كَشْفَ مَا عُطِيَ عَنْكُمْ.» (11)

فرمود: از خدا بترسید و تسلیم ما باشید، و امور خود را به ما واگذار کنید، چون وظیفه ما است که شما را بی نیاز و سیراب نمائیم همان طوری که ورود شما بر چشمه معرفت به وسیله ما می باشد؛ و سعی نمائید به دنبال کشف آنچه از شما پنهان شده است نباشید.

12- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيف) : «أَمَّا أَمْوَالُكُمْ فَلَا نَقْبِلُهَا إِلَّا لِتُطَهَّرُوا، فَمَنْ شَاءَ فَلْيَصِلْ، وَ مَنْ شَاءَ فَلْيَقْطَعْ.» (12)

فرمود: اموال - خمس و زکوت - شما را جهت تطهیر و تزکیه زندگی و ثروتنان می پذیریم، پس هر که مایل بود بپردازد، و هر که مایل نبود نپردازد.

13- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيف) : «إِنَّا نُحِيطُ عِلْماً بِأَنْبَاءِكُمْ، وَ لَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ.» (13)

فرمود: ما بر تمامی احوال و اخبار شما آگاه و آشنائیم و چیزی از شما نزد ما پنهان نیست.

14- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيف) : «مَنْ كَانَتْ لَهُ إِلَى اللَّهِ حَاجَةٌ فَلْيَغْتَسِلْ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ بَعْدَ نِصْفِ اللَّيْلِ وَ يَأْتِ مُصَلَّاهُ.» (14)

فرمود: هر که خواسته ای و حاجتی از پیشگاه خداوند متعال دارد بعد از نیمه شب جمعه غسل کند و جهت مناجات و راز و نیاز با خداوند، در جایگاه نمازش قرار گیرد.

15- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيف) : «يَا بَنَ الْمَهْزِيَارِ! لَوْلَا اسْتِغْفَارُ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ، لَهْلَكَ مَنْ عَلَيْهَا، إِلَّا خَوَاصٌّ

الشَّيْعَةِ الَّتِي تَشَبَّهُ أَقْوَالَهُمْ أَفْعَالَهُمْ» (15)

فرمود: اگر طلب مغفرت و آمرزش بعضی شماها برای همدیگر نبود، هرکس روی زمین بود هلاک می گردید، مگر آن شیعیان خاصی که گفتارشان با کردارشان یکی است.

16- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيف) : «وَأَمَّا قَوْلُ مَنْ قَالَ: إِنَّ الْحُسَيْنَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيف) لَمْ يَمُتْ فَكُفِّرْ وَ تَكْذِيبٌ وَ ضَلَالٌ» (16)

فرمود: و اما کسانی که معتقد باشند حسین (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيف) زنده است و وفات نکرده، کفر و تکذیب و گمراهی است.

17- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيف) : «مِنْ فَضْلِهِ، أَنَّ الرَّجُلَ يَنْسَى التَّسْبِيحَ وَ يَذِيرُ السَّبْحَةَ، فَيُكْتَبُ لَهُ التَّسْبِيحُ» (17)

فرمود: از فضائل تربت حضرت سیدالشهداء (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيف) آن است که چنانچه تسبیح تربت حضرت در دست گرفته شود ثواب تسبیح و ذکر را دارد، گرچه دعائی هم خوانده نشود.

18- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيف) : «فِيْمَنْ أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مُنْعَمًا بِجَمَاعٍ مُحَرَّمٍ أَوْ طَعَامٍ مُحَرَّمٍ عَلَيْهِ: إِنَّ عَلَيْهِ ثَلَاثُ كَفَّارَاتٍ» (18)

فرمود: کسی که روزه ماه رمضان را عمداً با چیز یا کار حرامی افطار - و باطل - نماید، (غیر از قضای روزه نیز) هر سه نوع کفاره (60 روزه، اطعام 60 مسکین، آزادی یک بنده) بر او واجب می شود.

19- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيف) : «أَلَا أُبَشِّرُكَ فِي الْعِطَاسِ؟ قُلْتُ: بَلَى، فَقَالَ: هُوَ أَمَانٌ مِنَ الْمَوْتِ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ» (19)

نسیم خادم گوید: در حضور حضرت عطسه کردم، فرمود: می خواهی تو را بر فوائد عطسه بشارت دهم؟ عرض کردم: بلی.

فرمود: عطسه، انسان را تا سه روز از مرگ نجات می بخشد.

20- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيف) : «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ سَمَانِي فِي مَحْفَلٍ مِنَ النَّاسِ»

(وَ قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيف) : «مَنْ سَمَانِي فِي مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ فَعَلَيْهِ لَعْنَةُ اللَّهِ» (20)

فرمود: ملعون و مغضوب است کسی که نام اصلی مرا در جائی بیان کند.

و نیز فرمود: هر که نام اصلی مرا در جمع مردم بر زبان آورد، بر او لعنت و غضب خداوند می باشد.

21- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيف) : «يَعْمَلُ كُلُّ امْرِئٍ مِنْكُمْ مَا يَفْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا، وَ لِيَتَجَنَّبَ مَا يُذْنِبُهُ مِنْ

كَرَاهِيَّتِنَا وَ سَخَطِنَا، فَإِنَّ امْرَأً يَبْغُهُ فُجَاءً حِينَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَةُ، وَ لَا يُنْجِيهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدَمٌ عَلَى حُوبِهِ» (21)

فرمود: هر یک از شما باید عملی را انجام دهد که سبب نزدیکی به ما و جذب محبت ما گردد؛ و باید دوری کند از کرداری که ما نسبت به آن، ناخوشایند و خشناک می باشیم، پس چه بسا شخصی در لحظه ای توبه کند که دیگر به حال او سودی ندارد و نیز او را از عِقَاب و عذاب الهی نجات نمی بخشد.

22- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيف) : «إِنَّ الْأَرْضَ تَضِجُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ بَوْلِ الْأَغْلَفِ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا» (22)

فرمود: زمین تا چهل روز از ادراک کسی که ختنه نشده است ناله می کند.

23- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيف) : «سَجْدَةُ الشُّكْرِ مِنَ الزَّمِ السَّنَنِ وَ أَوْجَبَهَا» (23)

فرمود: سجده شکر پس از هر نماز از بهترین و ضروری ترین سنتها است.

24- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيف) : «إِنِّي لِأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ، كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ» (24)

فرمود: به درستی که من سبب آسایش و امنیّت برای موجودات زمینی هستم، همان طوری که ستاره ها برای اهل آسمان امان هستند.

25- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيفُ) : «قُلُوبُنَا أَوْعِيَهُ لِمَشْيِهِ اللَّهِ، فَإِذَا شَاءَ شِئْنَا.» (25)

فرمود: قلوب ما ظرف هائی است برای مشیّت و اراده الهی، پس هرگاه او بخواهد ما نیز می خواهیم.

26- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيفُ) : «إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا، فَلَا فَاقَةَ بِنَا إِلَى غَيْرِهِ، وَالْحَقُّ مَعَنَا فَلَنْ يُوحِشَنَا مَنْ قَعَدَ عَنَّا.»

(26)

فرمود: خدا با ما است و نیازی به دیگران نداریم؛ و حقّ با ما است و هر که از ما روی گرداند باکی نداریم.

27- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيفُ) : «مَا أَرْعَمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ بِشَيْءٍ مِثْلَ الصَّلَاةِ.» (27)

فرمود: هیچ چیزی و عملی همانند نماز، بینی شیطان را به خاک ذلّت نمی مالد و او را ذلیل نمی کند.

28- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيفُ) : «لَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَتَصَرَّفَ فِي مَالِ غَيْرِهِ بِغَيْرِ إِذْنِهِ.» (28)

فرمود: برای هیچکس جائز نیست که در اموال و چیزهای دیگران تصرّف نماید مگر با اذن و اجازه صاحب و مالک آن.

29- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيفُ) : «فَضْلُ الدُّعَاءِ وَ التَّسْبِيحِ بَعْدَ الْفَرَائِضِ عَلَى الدُّعَاءِ بِعَقِيبِ النَّوَافِلِ كَفَضْلِ

الْفَرَائِضِ عَلَى النَّوَافِلِ.» (29)

فرمود: فضیلت تعقیب دعا و تسبیح بعد از نمازهای واجب نسبت به بعد از نمازهای مستحبّی همانند فضیلت نماز واجب بر نماز مستحبّ می باشد.

30- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيفُ) : «أَفْضَلُ أَوْقَاتِهَا صَدْرُ النَّهَارِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ.» (30)

فرمود: (برای انجام نماز جعفر طیّار) بهترین و با فضیلت ترین اوقات پیش از ظهر روز جمعه خواهد بود.

31- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيفُ) : «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَخَّرَ الْعَدَاةَ إِلَى أَنْ تَنْقُضِيَ النُّجُومُ.» (31)

فرمود: ملعون و نفرین شده است آن کسی که نماز صبح را عمداً تأخیر بیندازد تا موقعی که ستارگان ناپدید شوند.

32- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيفُ) : «إِنَّ اللَّهَ قَنَعَنَا بِعَوَائِدِ إِحْسَانِهِ وَ فَوَائِدِ إِمْتِنَانِهِ.» (32)

فرمود: همانا خداوند متعال، ما اهل بیت را به وسیله احسان و نعمت هایش قانع و خودکفا گردانده است.

33- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيفُ) : «إِنَّهُ لَيْسَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ بَيْنَ أَحَدٍ قَرَابَةٌ، وَ مَنْ أَنْكَرَنِي فَلَيْسَ مِنِّي، وَ

سَبِيلُهُ سَبِيلُ ابْنِ نُوحٍ.» (33)

فرمود: بین خداوند و هیچ یک از بندگان، خویشاوندی وجود ندارد - و برای هرکس به اندازه اعمال و نیّات او

پاداش داده می شود - هرکس مرا انکار نماید از (شیعیان و دوستان) ما نیست و سرنوشت او همچون فرزند

حضرت نوح (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيفُ) خواهد بود.

34- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيفُ) : «أَمَّا تَعْلَمُونَ أَنَّ الْأَرْضَ لَا تَخْلُو مِنْ حُجَّهِ إِمَامٍ ظَاهِرٍ وَ إِمَامٍ مَعْمُورٍ.» (34)

فرمود: آگاه و متوجه باشید که در هیچ حالتی، زمین خالی از حجت خداوند نخواهد بود، یا به طور ظاهر و آشکار؛ و یا به طور مخفی و پنهان.

35- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيفُ) : «إِذَا أَدِنَ اللَّهُ لَنَا فِي الْقَوْلِ ظَهَرَ الْحَقُّ، وَ اِضْمَحَلَّ الْبَاطِلُ، وَ انْحَسَرَ عَنْكُمْ.»

(35)

فرمود: چنانچه خداوند متعال اجازه سخن و بیان حقایق را به ما بدهد، حقانیت آشکار می گردد و باطل نابود می

شود و خفقان و مشکلات برطرف خواهد شد.

36- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيف) : «وَأَمَّا وَجْهُ الْأَنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَالْأَنْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ.» (36)

فرمود: چگونگی بهره گیری و استفاده از من در دوران غیبت همانند انتفاع از خورشید است در آن موقعی که به وسیله ابرها از چشم افراد ناپدید شود.

37- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيف) : «وَأَجْعَلُوا قَصْدَكُمْ إِلَيْنَا بِالْمَوَدَّةِ عَلَى السُّنَّةِ الْوَاضِحَةِ، فَقَدْ نَصَحْتُ لَكُمْ، وَ اللَّهُ شَاهِدٌ عَلَيَّ وَ عَلَيْكُمْ.» (37)

فرمود: هدف و قصد خویش را نسبت به محبت و دوستی ما - اهل بیت عصمت و طهارت - بر مبنای عمل به سنت و اجراء احکام الهی قرار دهید، پس همانا که موعظ ها و سفارشات لازم را نموده ام؛ و خداوند متعال نسبت به همه ما و شما گواه می باشد.

38- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيف) : «أَمَّا ظُهُورُ الْفَرْجِ فَإِنَّهُ إِلَى اللَّهِ، وَ كَذَبَ الْوَقَّاثُونَ.» (38)

فرمود: زمان ظهور مربوط به اراده خداوند متعال می باشد و هرکس زمان آن را معین و معرفی کند دروغ گفته است.

39- قَالَ (عَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَهُ الشَّرِيف) : «أَكْثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرْجِ، فَإِنَّ ذَلِكَ فَرْجُكُمْ.» (39)

فرمود: برای تعجیل ظهور من - در هر موقعیت مناسبی - بسیار دعا کنید که در آن فرج و حل مشکلات شما خواهد بود.

40- دَفَعَ إِلَيَّ دَفْعًا فِيهِ دُعَاءُ الْفَرْجِ وَ صَلَاةٌ عَلَيْهِ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «فَبِهَذَا فَادْعُ.» (40)

یکی از مؤمنین به نام ابومحمد، حسن بن وجناء گوید: زیر ناودان طلا در حرم خانه خدا بودم که حضرت ولی عصر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را دیدم، دفتری را به من عنایت نمود که در آن دعای فرج و صلوات بر آن حضرت بود.

سپس فرمود: به وسیله این نوشته ها بخوان و برای ظهور و فرج من دعا کن و بر من درود و تحیت بفرست.

پاورقی ها :

1- تفسیر عیاشی: ج 1، ص 16، بحارالأنوار: ج 89، ص 96، ح 58.

2 - دعوات راوندی: ص 207، ح 563.

3 - بحارالأنوار: ج 2، ص 90، ح 13، و 53، ص 181، س 3، و 75، ص 380، ح 1.

4- بحارالأنوار: ج 53، ص 178، ضمن ح 9.

5- بحارالأنوار: ج 53، ص 163، س 16، ضمن ح 4.

6- بحارالأنوار: ج 53، ص 179، ضمن ح 9.

7- بحارالأنوار: ج 53، ص 191، ضمن ح 19.

8- بحارالأنوار: ج 53، ص 193، ضمن ح 21.

9- الدرّ الباهره: ص 47، س 17، بحارالأنوار: ج 56، ص 181، س 18.

10- بحارالأنوار: ج 53، ص 179، س 14، و ج 55، ص 41.

11- إكمال الدّین: ج 2، ص 510، بحارالأنوار: ج 53، ص 191.

- 12- إكمال الدّین: ج 2، ص 484، بحارالأنوار: ج 53، ص 180.
- 13- احتجاج: ج 2، ص 497، بحارالأنوار: ج 53، ص 175.
- 14 - مستدرک الوسائل: ج 2، ص 517، ح. 2606.
- 15- مستدرک ج 5، ص 247، ح. 5795.
- 16- غیبه طوسی: ص 177، وسائل الشّیعه: ج 28، ص 351، ح. 39.
- 17- بحارالأنوار: ج 53، ص 165، س 8، ضمن ح. 4.
- 18- من لایحضره الفقیه: ج 2، ص 74، ح 317، وسائل الشّیعه: ج 10، ص 55، ح. 12816.
- 19- إكمال الدّین: ص 430، ح 5، وسائل الشّیعه: ج 12، ص 89، ح. 15717.
- 20- وسائل الشّیعه: ج 16، ص 242، ح 12، بحارالأنوار: ج 53، ص 184، ح 13 و 14.
- 21- بحارالأنوار: ج 53، ص 176، س 5، ضمن ح 7، به نقل از احتجاج.
- 22- وسائل الشّیعه: ج 21، ص 442، ح. 27534.
- 23- وسائل الشّیعه: ج 6، ص 490، ح 3، بحارالأنوار: ج 53، ص 161، ضمن ح 3.
- 24- الدّره الباهره: ص 48، س 3.
- 25- بحارالأنوار: ج 52، ص 51، س 4، به نقل از غیبه نعمانی.
- 26- بحارالأنوار: ج 53، ص 191، إكمال الدّین: ج 2، ص 511.
- 27- بحارالأنوار: ج 53، ص 182، ضمن ح 11.
- 28- بحارالأنوار: ج 53، ص 183، ضمن ح 11.
- 29- بحارالأنوار: ج 53، ص 161، ضمن ح 3.
- 30- بحارالأنوار: ج 56، ص 168، ضمن ح 4.
- 31- بحارالأنوار: ج 55، ص 16 و 13، و ص 86، ص 60، ح 20.
- 32- بحارالأنوار: ج 52، ص 38، ضمن ح 28.
- 33- بحارالأنوار: ج 50، ص 227، ح 1، به نقل از احتجاج.
- 34- بحارالأنوار: ج 53، ص 191، س 5، ضمن ح 19.
- 35 - بحارالأنوار: ج 53، ص 196، س 12، ضمن ح 21.
- 36- بحارالأنوار: ج 53، ص 181، س 21، ضمن ح 10.
- 37- بحارالأنوار: ج 53، ص 179، س 16، ضمن ح 9.
- 38- بحارالأنوار: ج 53، ص 181، س 1، ضمن ح 10.
- 39- بحارالأنوار: ج 53، ص 181، س 23، ضمن ح 10.
- 40- إكمال الدّین شیخ صدوق: ص 443، ح 17، بحارالأنوار: ج 52، ص 31، ضمن ح 27.